

اقتصاد «بانک محور» یا «بازار محور»؟

آزمون سخت روحانی
درچینش تیم اقتصادی

مسیر یاب فصلی خانه اولی‌ها



بسم الله الرحمن الرحيم

حقیقت این است که امروز امت اسلامی دچار مشکلات فراوانی است؛ جراحتهایی بر پیکره‌ی این امت وارد شده است و وارد میشود؛ مهم‌ترین اینها اختلاف است. سعی دشمنان اسلام این است که بین گروه‌های مسلمان به بهانه‌های مختلف ایجاد اختلاف کنند، شقاق و دشمنی ایجاد کنند؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی جغرافیا، به بهانه‌ی مشکلات ارضی و مرزی؛ همه‌ی این بهانه‌ها در اختیار آنها قرار گرفته است و متأسفانه دشمن استفاده میکند و ما که مسئولان دولتهای اسلامی هستیم، از این کار دشمن غفلت میکنیم.

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی

۱۳۹۶/۰۴/۰۵

برگرفته از سایت ایشان





دوماهنامه علوم انسانی (تخصصی)
خرداد و تیر ۱۳۹۶
سال اول شماره ۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر نادر هوشمندیار
سر دبیر: علی رضا کیوانی نژاد
دبیر اجرایی: شاهین نظام دوست

شناسنامه

دبیران
رضا قاسمی
نیما شرفی
بهاره سلطانی
مهدی نجفی
علی صادقی

حروف‌چین
رعنا مظفری

نمونه‌خوان
عاطفه خداوردی

عکاس
سارا سلطانی

تحریریه
علی‌رضا مرشدی، سحرخان محمدی
ملیکا امیری، صادق بابایی
سینا سرآبادانی، اکرم ساروی
مرجان شیخی، تهمینه مروتی
نگار زندی و سپیده اعلائی

سرمقاله

۴ سود بانکی، آخرین مامن سرمایه‌های سرگردان

بانک و سرمایه

۵ خط قرمز بانک مرکزی برای فعالیت‌های اعتبار

تحلیل روز

۶ ایمانی‌راد: افزایش رشد اقتصادی در گرو آزادسازی‌ها و روان‌سازی قوانین است

گپ‌وگفت

۸ پیشنهاد ایجاد تشکیلات جدید در وزارتخانه‌ها

تاریخ‌نگاری

۱۱ آیا قرارداد داری خانقانه بود؟

اقتصادسیاسی

۱۲ دولت دوازدهم فرآینحی است

انرژی

۱۴ آ زیر زرد مصرف بنزین به صد درآمد

بانک و سرمایه

۱۷ تا ۱۰ سال زمان نیاز است تا سطح درآمد خانوار به سال ۸۶ برسد

بازار مسکن

۱۸ مسیر یاب فصلی خانه‌اولی‌ها

تحلیل اقتصادی

۲۰ اقتصاد «بانک محور» جواب می‌دهد یا «بازار محور»؟

بازار کار

۲۲ ناهماهنگی بین رشد اقتصادی و اشتغال

تحلیل بانکی

۲۳ رئیس کل بانک مرکزی: موسسات غیرمجاز ۶۰ درصد پول سپرده گذاران را در بخش مسکن حبس کردند

تحلیل ماه

۲۴ زمانی برای بازنگری سیاست‌های حمایتی

خودرو

۲۵ دوضربه‌گیر در برابر تورم

گمرک

۲۶ دسترسی عموم به آمار تجارت خارجی

مدیران

۲۸ الگوی انتخاب مدیران دولتی

مسکن

۲۹ آیا مالیات به مصرف‌کننده منتقل خواهد شد؟

صادرات

۳۰ اعلان جنگ ایران به پوشاک ترکیه

بورس

۳۲ بررسی پرونده ۴۰ شرکت برای عرضه اولیه در بورس

یادداشت

۳۳ چرا «تصویر آرمانی» از توسعه در کشورمان شکل نمی‌گیرد؟

نفت و انرژی

۳۴ برنامه ۵ ساله برای توسعه پارس جنوبی

سود بانکی، آخرین مامن سرمایه‌های سرگردان

علی قنبری

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

در سه سال اخیر، اقتصاد ایران با یک شوک ساختاری پنهان روبرو بوده است و آن هم پایین‌تر آمدن تورم از نرخ تورم ساختاری ۱۵ درصد است. برای تدوین بهترین مسیر خروج از رکود، این شوک ساختاری کاهش تورم، می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت و منجر به اعمال اصلاحاتی در ساختار پولی کشور می‌شد.

تا زمانی که این موضوع به عنوان یک شوک ساختاری در اقتصاد ایران، لحاظ نشود نمی‌توان منتظر رونق تولید اشتغالزای بود. تا زمانی که نرخ سود بانکی بیش از تورم باشد، مشکل جریان نقدینگی و لزوم هدایت آن به بخش‌های مولد احساس نمی‌شود چرا که به هر حال این دارایی به بخشی از اقتصادی تزریق می‌شود و آن بخش با حباب و گرانی روبرو می‌شود و مردم احساس کاذب رونق داشتند.

اما به هر حال اگر چه به غلط نقدینگی به بخشی از اقتصاد می‌نشت اما با تغییر رابطه تورم و نرخ سود و پایین آمدن بسیار زیاد سطح تورم از نرخ سود بانکی، باید در مناسبات و معادلات اقتصادی کشور دست برده می‌شد ولی به دلیل مقاومت و هزینه بالای تغییرات ساختاری، تیم اقتصادی دولت یازدهم، کاهش نرخ سود بانکی را آنقدر به تدریج و کمتر از انتظار کم کرد که این کاهش نتوانست نمودی در بازار مالی کشور داشته و عملاً بالا بودن نرخ سود بانکی نسبت به تورم منجر به هدایت سرمایه‌های سرگردان به بانکها و به این ترتیب بحران تامین مالی بخش‌های مولد اقتصاد گردید.

دومعضل بحران جذب سرمایه داخلی و خارجی و اشکالات قانونی و قوانین پولی و بانکی کشور مانند غیر شناور بودن نرخ سود، در شرایط کنونی، همزمان گریبان اقتصاد ایران را در شرایط کنونی گرفته است اما به غلط انگشت اتهام را به نظام بانکداری کشور برگردانده شده است. تا زمانی که این دومعضل حل نشود حتی با اصلاح نظام بانکداری گشایشی در شرایط اقتصادی کشور رخ نمی‌دهد این دومعضل بحران جذب سرمایه داخلی و خارجی و اشکالات قانونی و قوانین پولی و بانکی کشور مانند غیر شناور بودن نرخ سود است.

تا زمانی که نرخ سود بانکی مستقل از تغییرات نرخ تورم به طور دستوری تعیین می‌شود و تا زمانی که نرخ سود سرمایه‌گذاری در ایران به دلیل پایین بودن بهره‌وری و رقابت پذیری بسیار پایین است، نمی‌توان انتظار داشت که سرمایه‌های سرگردان، که در سال‌های اخیر تمام جذب بانک‌ها شدند به صنعت و سرمایه‌گذاری و مسکن برگردند.

به این ترتیب نرخ سود بالای بانکی به مامنی برای سرمایه‌های نقدی مردم تبدیل شده است و سپرده‌گذاران با قطعی بودن سود سپرده حاضر به مشارکت در هیچ ریسکی نبوده و در واقع با پایین آمدن نرخ سود فعالیت‌های اقتصادی و اختلاف فاحش آن با نرخ سود بانکی، فارغ از درصد ریسک گریزی یا ریسک دوستی، صاحبان سرمایه دیگر متمایل به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سرمایه‌گذاری نیستند.

با افزایش حجم سپرده‌ها نقدینگی و منابع مالی به سمت بانک‌ها هدایت می‌شود و به این ترتیب، بخش‌های تولید، بازرگانی، اقتصادی و... که بخش‌های محرک تولید و اشتغال هستند از کار افتاده و به وضعیت نیمه تعطیلی در می‌آیند. یعنی در حد پوشش هزینه‌های خود فعالیت کرده و در نقطه تعطیلی بنگاه قرار می‌گیرند. این در حالی است که به خاطر وضعیت ژئوپلیتیکی ایران و حجم بالای زیرساخت‌های صنعتی در صورتی که مدیریت نوبین و تامین مالی به بنگاه‌ها تولید کوچک و متوسط تزریق شود، می‌توان پتانسیل‌های صادراتی زیادی برای ایران تعریف کرد.

به کرات در مورد علل رکود اقتصادی لزوم تسریع خروج از رکود صحبت شد اما یکی از ساده‌ترین و سریعترین روش‌های خروج از رکود اقتصاد، برای اقتصادی ایران بدون پیش‌فرض‌های ساختاری ما، کاهش نرخ سود بانکی بود اما چنین راه‌کای قابل اجرا نیست در اینکه باید نرخ سود بانکی کاهش یافته و تعدیل شود هیچ شکی نیست.

اما از طرف دیگر نیز نباید فراموش کنیم یکی از علل بحران بزرگ اقتصادی دنیا در سال ۲۰۰۸، پایین بودن نرخ بهره بانکی در بانک‌های اروپا و آمریکا شناسایی شد این در حالی که اقتصاد ایران با بحران بالا بودن نرخ سود بانکی روبرو است این موضوع منجر به تحمیل شرایط سیاست پولی انقباضی دائمی به اقتصاد ایران گردیده است. قاعدتاً نرخ سود بانکی باید بر اساس قاعده تیلور با نرخ تورم تغییر کند ولی اجرای این قاعده برای اقتصاد ایران با هزینه بی‌ثباتی مالی و تزریق بی‌ثباتی به بازار غیر تشکل پول و بی‌ثباتی حجم سپرده‌ها همراه است.

در نتیجه، تا زمانی که شوک ساختاری تورم کمتر از ۱۵ درصد تعدیل نگردد، نمی‌توان انتظار معجزه از اقتصاد داشت و اعمال این تعدیل، به معنی کاهش نرخ سود بانکی به کمتر از تورم یا برابر تورم است و این مهم در گرو تدوین مجموعه سیاست‌های موازی و هم‌راه آن است.

خط قرمز بانک مرکزی برای فعالیت تعاونی‌های اعتبار

یک مقام مسئول در بانک مرکزی گفت: از این پس، سپرده‌گیری و تسهیلات‌دهی تعاونی‌های اعتبار صرفاً قرض‌الحسنه خواهد بود و اجازه تاسیس شعبه هم ندارد. حمیدرضا غنی‌آبادی گفت: بعد از سال ۸۶ که تعاونی‌های اعتبار با دستور العمل مصوب شورای پول و اعتبار، تحت نظارت بانک مرکزی قرار گرفتند، دو گروه دوگروه شرکت تعاونی اعتبار تشکیل شد که یکسری از آنها مرتبط با کارگران و کارمندان بودند که تقریباً ساماندهی آنها به خوبی پیش رفت و چالشی در این رابطه وجود نداشت، ولی تعاونی‌های اعتبار آزاد به عنوان دسته دوم، مشکل آفرین شده و گرفتاری‌های زیادی را برای شبکه پولی و بانکی کشور ایجاد کردند. که با توجه به همه اقداماتی که در بانک مرکزی رخ داد، تا حدود زیادی کار ساماندهی آنها به سرانجام رسیده است.

مدیر اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی افزود: البته بانک مرکزی نگاه پیشگیرانه را نسبت به ساماندهی موسسات اعتباری انجام داده تا از فعالیت چنین نهادهایی ممانعت ورزد که البته به این امر بسنده نشده و قرار بر جلوگیری از ایجاد این موسسات است؛ بر همین اساس با همکاری وزارت تعاون، بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار، تشریک مساعی در خصوص ساماندهی این موسسات صورت گرفته و دستور العمل‌های جدیدی اصلاح، تدوین و به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده که چند ویژگی مهم دارد. وی تصریح کرد: بر اساس دستور العمل جدید شورای پول و اعتبار، از این پس تاسیس شرکت‌های تعاونی اعتبار صرفاً در قالب شرکت‌های تعاونی اعتبار کارمندی و کارگری پیش‌بینی شده و در سایر موارد، اجازه تاسیس این شرکت‌ها داده نمی‌شود؛ در عین حال، در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، برای بانکها و موسسات اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی، احکامی مقرر شده که بر اساس آن، باید تعاونی‌های سهام عام ایجاد شده یا اینکه سقف سهامداری تعریف شده برای اشخاص رعایت شود.

غنی‌آبادی ادامه داد: بر اساس دستور العمل جدید شورای پول و اعتبار، سقف سهامداری اشخاص در مورد بنگاه‌های پولی ۵ درصد و ۱۰ درصد است، در عین حال در یکی از تبصره‌ها گفته شده که شرکت‌های تعاونی اعتبار و صندوق‌های قرض‌الحسنه از احکام ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پیروی می‌کنند و چنانچه شرکت تعاونی اعتبار با شکل و شمایل کنونی بخواهد ادامه فعالیت دهد، باید صرفاً به امر قرض‌الحسنه بپردازد، به این معنا که سپرده‌گیری آنها صرفاً با ضوابط قرض‌الحسنه و پرداخت تسهیلات آنها هم صرفاً با عقد قرض‌الحسنه باشد.

وی اظهار داشت: بر اساس دستور العمل جدید، حداقل مبلغ سرمایه برای تاسیس یک تعاونی اعتبار تا ۵۰ نفر

عضو، ۵۰۰ میلیون ریال است که به ازای هر نفر عضویت نیز ۱۰ میلیون ریال به سرمایه اضافه می‌شود. نکته حائز اهمیت در این میان آن است که فعالیتی که شرکت‌های تعاونی اعتبار کارمندی و کارگری انجام می‌دهند، صرفاً باید در یک فضای اداری مرتبط با دستگاه ذیربط باشد و آنها نمی‌توانند شعبه داشته باشند و در معرض دید عموم فعالیت کنند. یعنی محل فعالیت آنها نباید ارتباطی با بیرون از فضای اداری داشته باشد و مشخص نباشد که چه فعالیتی از دید عموم آنجا صورت می‌گیرد.

مدیر اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی خاطر نشان کرد: البته در حال حاضر و بر اساس قواعد جدید، تاسیس و ایجاد شرکت‌های تعاونی اعتبار جدید مقدور نیست ولی برای تعاونی‌های اعتباری موجود نیز تداوم فعالیت صرفاً در فضای اداری اتحادیه یا صنف مربوطه امکان‌پذیر است و البته پذیرش عضو جدید نیز مقدور نیست؛ از همه مهمتر اینکه عملکرد این تعاونی‌ها از این پس، صرفاً باید به صورت قرض‌الحسنه صورت گیرد. همانطور که ایجاد شعبه هم اجازه داده نشده است.

وی با اشاره به قانون ایجاد بازار غیر متشکل پولی در سال ۸۳ گفت: با تصویب قانون ایجاد بازار غیر متشکل پولی در سال ۸۳، بنا بر این شد که مجوز فعالیت نهادهای پولی همچون صندوق‌های قرض‌الحسنه، صرافی‌ها، بانک‌ها و موسسات غیر اعتباری از سوی بانک مرکزی اعطاء شود که تا قبل از آن، صدور مجوز آن بر عهده نهادهای دیگر قرار داشت، به این معنا که تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه از سوی نیروی انتظامی یا ایجاد تعاونی‌های اعتبار در قانون بخش تعاون کشور دیده شده بود.

مدیر اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی افزود: بر اساس قانون جدید، گفته شده بود که از سال ۸۳ به بعد، صدور مجوزها در بانک مرکزی متمرکز شود و همین امر هم باعث شد تا عدم انسجام در بخش‌های مختلف از بین برود؛ بر همین اساس به دلیل اشکالات موجود، بانک مرکزی شروع به تدوین ضوابط ناظر بر فعالیت این نهادهای پولی شد که از جمله آنها، نهادهای زیرمجموعه شرکت‌های تعاونی اعتبار بودند. در این میان سال ۸۴ اولین قوانین مرتبط با فعالیت آنها صادر شد که این خود اولین تجربه در ضابطه‌گذاری در این بخش از بازار پولی به شمار می‌رفت.

وی تصریح کرد: این ضابطه‌گذاری تا سال ۱۳۹۶ ادامه یافت و علیرغم اینکه دستور العمل‌های قبلی نافذ بود،

بر اساس قانون جدید، گفته شده بود که از سال ۸۳ به بعد، صدور مجوزها در بانک مرکزی متمرکز شود و همین امر باعث شد تا عدم انسجام در بخش‌های مختلف از بین برود

تلاش شد تا تمامی رفتار تعاونی‌های اعتبار پیش‌بینی شده و ساماندهی شوند، در حالیکه تجربیاتی که طی سالهای اخیر بوجود آمده و در سایه آن، تعاونی‌های اعتبار آزاد شکل گرفته بود، نیاز به بازنگری مجدد را ضروری می‌کرد، به خصوص اینکه تعریف تعاونی اعتباری این است که باید به صنف، بخش یا مجموعه اشخاصی تعلق داشته باشند که عضو نهاد یا مجموعه و صنفی بوده و دارای اشتراکاتی بابت عضویت هستند و باید از این تعاونی سرویس‌هایی را دریافت نمایند.

به گفته غنی‌آبادی، این در شرایطی است که علیرغم وجود این تعریف، تعاونی‌های اعتبار طی سالهای اخیر برخی ضوابط را رعایت نکرده و نابسامانی‌هایی که اکنون در برخی شرکت‌های تعاونی اعتبار بروز کرده و امروز مشاهده آن هستیم، ثمره همین عملکرد است که چالش‌هایی را گریبانگیر تعاونی‌های اعتبار کرده است.

وی اظهار داشت: در این راستا تمام تلاش بانک مرکزی حذف نهادهای پولی فاقد مجوزی بوده که در نظام پولی و بانکی کشور اختلال ایجاد کرده و منجر به بروز نگرانی‌هایی در میان سپرده‌گذاران شده بودند. در حالیکه تا پیش از اینکه دهه ۷۰ به نیمه برسد، این تعاونی‌ها منحصر به اعضای خود خدمت می‌دادند؛ اما از اواسط دهه هفتاد به بعد، یکسری شرکت‌های تعاونی اعتبار آزاد با مجوز وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وقت مجوز دریافت کرده و از ضوابط و فلسفه وجودی این تعاونی‌ها تخطی کرده و منشأ بسیاری از مشکلات شدند.

این مقام مسئول در بانک مرکزی خاطر نشان کرد: بعد از سال ۸۶ که تعاونی‌های اعتبار با دستور العمل مصوب شورای پول و اعتبار، تحت نظارت بانک مرکزی قرار گرفتند، دو گروه دوگروه شرکت تعاونی اعتبار تشکیل شد که یکسری از آنها مرتبط با کارگران و کارمندان بودند که تقریباً ساماندهی آنها به خوبی پیش رفت و چالشی در این رابطه وجود نداشت، ولی تعاونی‌های اعتبار آزاد به عنوان دسته دوم، مشکل آفرین شده و گرفتاری‌های زیادی را برای شبکه پولی و بانکی کشور ایجاد کردند. که با توجه به همه اقداماتی که در بانک مرکزی رخ داد، تا حدود زیادی کار ساماندهی آنها به سرانجام رسیده است.

وی گفت: البته بانک مرکزی نگاه پیشگیرانه را نسبت به ساماندهی موسسات اعتباری انجام داده تا از فعالیت چنین نهادهایی ممانعت ورزد که البته به این امر بسنده نشده و قرار بر جلوگیری از ایجاد این موسسات است؛ بر همین اساس با همکاری وزارت تعاون، بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار، تشریک مساعی در خصوص ساماندهی این موسسات صورت گرفته و دستور العمل‌های جدیدی اصلاح، تدوین و به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده که چند ویژگی مهم دارد.

ایمانی‌راد: افزایش رشد اقتصادی در گرو آزادسازی‌ها و روان‌سازی قوانین است

مرتضی ایمانی‌راد بر این باور است که اقتصاد جهانی بر سر دوراهی است؛ یا این رکود دامن‌گیر و نرخ تورم بسیار پایین استمرار پیدا می‌کند و یک رکود گسترده‌تری حاکم خواهد شد، یا اینکه با تعدیل‌های جدی ساختاری می‌تواند به نرخ‌های رشد بالاتری منجر شود.

تحلیلگر ارشد اقتصاد بین‌الملل با تحلیل تصمیمات اخیر گروه ۲۰ و تأثیری که بر اقتصاد جهانی می‌گذارد، گفت: «اخیرا گروه کشورهای موسوم به G۲۰ که از ۲۰ کشور صنعتی و کشورهای در حال ظهور تشکیل شده‌اند، در هامبورگ آلمان در ۷ و ۸ جولای سال ۲۰۱۷ نشست بر گزار کردند. کشورهای گروه ۲۰ اساسا به این دلیل به وجود آمده‌اند که کشورهای در حال ظهور و صنعتی گردهم بیایند تا مسائل همدیگر و مسائل جهانی را بتوانند به اشتراک بگذارند.»

وی افزود: «هدف این جهت‌گیری بررسی سه حوزه است؛ نخست توجه به نرخ رشد جهانی، دوم توجه به تجارت جهانی و قوانین آن و سوم توجه و بررسی بازارهای مالی جهانی. هسته اصلی ایده حاکم بر G۲۰ عمدتا سیال کردن و روان کردن ارتباطات بین‌المللی است.»

این کارشناس اقتصادی بیان کرد: «به‌عنوان مثال آرژانتین، برزیل، اندونزی، هند، آفریقای جنوبی، مکزیک و ترکیه کشورهای در حال ظهور هستند، اما در این اجلاس شرکت می‌کنند و موضع خودشان را اعلام می‌کنند. بنابراین مسئله اصلی G۲۰ تسهیل روابط بین‌المللی از طریق مشارکت این دو گروه کشور برای دست‌یابی به نرخ رشد اقتصادی بالاست و اساسا این گروه تأکید بسیار زیادی بر جهانی‌شدن و روان‌سازی ارتباطات بین‌المللی دارد.»

ایمانی‌راد اظهار کرد: «در کنار بحث G۲۰ شاهد هستیم که جناحی تحت عنوان جناح راست یا راست افراطی در برخی از کشورها از جمله انگلستان، مجارستان، آمریکا و در بعضی کشورها اروپایی شکل گرفته و به سرعت هم در حال رشد است. در انتخابات اخیر فرانسه که خانم لوپن که به‌عنوان رقیبی قدرتمند حضور داشت، هر چند که انتخاب نشد، اما رای بی‌سابقه‌ای بدست آورد. بنابراین به موازات یک جریان موافق جهانی شدن را داریم و از طرف دیگر قدرت‌گیری جناح راست را داریم که اساس تفکرشان توجه به ملی‌گرایی، اقتصاد داخلی، تکیه کمتر به سازمان‌های بین‌المللی است که به‌طور طبیعی در رشد کشورهای گروه ۲۰ تأثیر خواهد گذاشت.»

سایه جناح راست بر اجلاس جی ۲۰

ایمانی‌راد خاطر نشان کرد: «در اجلاس اخیری که در

هامبورگ برگزار شد، کاملا نشان داده شد که آمریکا یک ساز کاملاً مخالفی را در اجلاس می‌زند و به همین جهت برخی‌ها با کنایه اعلام کردند که دیگر این کشورهای G۲۰ نیست و به گروه کشورهای G۱۹ تبدیل شده است. به عبارتی دیگر نمی‌توان انتظار داشت که آمریکا به‌طور جدی وارد مباحث G۲۰ شود. به این دلیل که دولت ترامپ موضع کاملاً راست و افراطی دارد که با مواضع کشورهای ۲۰ سازگار است. بنابراین طبیعی است که باید آماده باشیم تغییراتی در سازمان‌های جهانی داده شود.»

او اضافه کرد: «در هر حال جناح راست با شعار حمایت‌های تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، حمایت از اقتصاد داخلی، مبارزه با تروریسم، مبارزه با جهانی‌شدن به هر قیمت، مبارزه با تشکیل سازمان‌های مختلف جهانی به میدان آمده و مخالفت‌های خود را با جریان‌ها حاکم بر جهانی شدن اعلام کرده است. اما باید دید که این حرکت‌ها به عنوان یک پدیده در سطح جهانی شکل می‌گیرد یا نه.»

این کارشناس اقتصادی خاطر نشان کرد: «اما نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که چرا این جناح علی‌رغم عدم آشنایی با مسائل تخصصی و روندهای جهانی در حال قدرت گرفتن هستند. چند دلیل برای قدرت گرفتن جناح راست وجود دارد. قدرت‌گیری جناح راست در جهان منجر به تضعیف گروه کشورهای ۲۰ خواهد شد. یکی از علت‌هایی که جناح راست بسیار با سرعت قدرت گرفت مشکلاتی است که در اقتصاد جهانی وجود دارد.»

این تحلیل‌گر مسایل اقتصادی یاد آور شد: «در واقع بعد از بحران سال ۲۰۰۸ اقتصاد جهانی نتوانست خود را به شرایط قبل از ۲۰۰۸ برگرداند. یعنی بحران به بدنه اقتصاد هانفوذ کرده و هنوز این اقتصادها نتوانسته‌اند وضعیت عادی خود را به دست آورند. همین مسئله باعث شده است تا جناح راست این مشکل را به عنوان دلیلی برای

در واقع بعد از بحران سال ۲۰۰۸ اقتصاد جهانی

نتوانست خود را به شرایط قبل از ۲۰۰۸ برگرداند.

یعنی بحران به بدنه اقتصاد هانفوذ کرده و هنوز

این اقتصادها نتوانسته‌اند وضعیت عادی خود

را به دست آورند. همین مسئله باعث شده است

تا جناح راست این مشکل را به عنوان دلیلی

برای موجودیت خود مطرح کند و با توجه به اینکه

موج بیکاری نیز در جهان به شکل گسترده‌ای

افزایش یافته و طبعاً مخالفت زیادی با بیکاری

وجود دارد. تحركات جناح راست را توجیه‌پذیر

کرده است

موجودیت خود مطرح کند و با توجه به اینکه موج بیکاری نیز در جهان به شکل گسترده‌ای افزایش یافته و طبعاً مخالفت زیادی با بیکاری وجود دارد. تحركات جناح راست را توجیه‌پذیر کرده است. گذشته از بیکاری، نرخ‌های پایین تورم و کاهش سرمایه‌گذاری در کشورهای صنعتی جهان محرك‌های اساسی قدرت‌گیری جناح راست بوده‌اند. در واقع جناح راست این مشکلات را ناشی از روند بی‌رویه جهانی شدن می‌داند.»

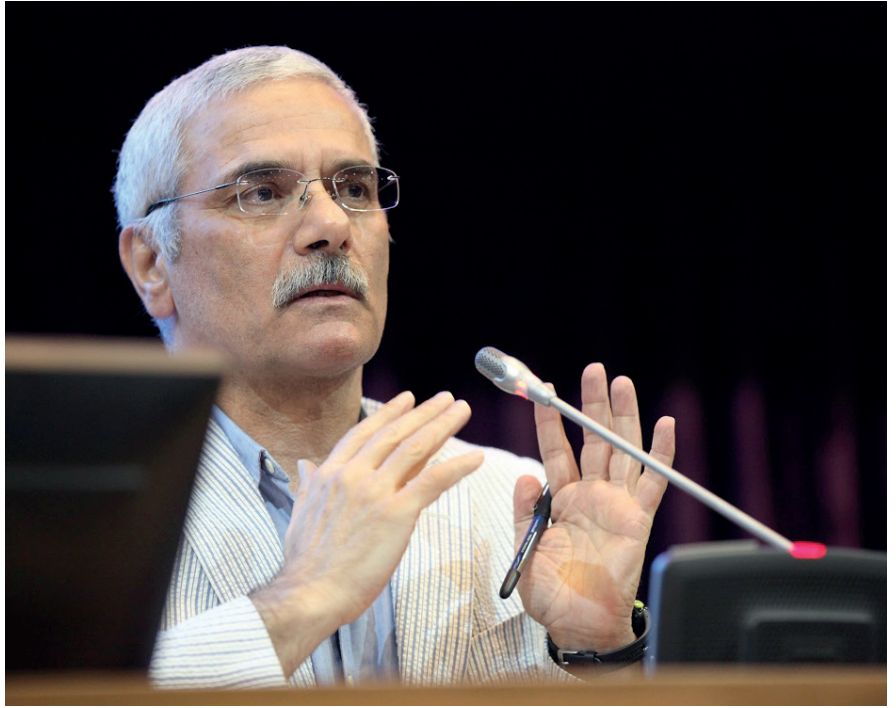
ایمانی‌راد عنوان کرد: «گذشته از این‌ها مسئله تروریسم و مسئله کند شدن نرخ اقتصادی هم موضوع مهم دیگری است که دست‌انویز این گروه شده است. در واقع گسترش این مشکلات باعث شده تا جناح راست شکل بگیرد. نتیجه‌ای که می‌توان از این بحث گرفت، این است که کشورهای گروه ۲۰ علی‌رغم هماهنگی‌هایی سازنده‌ای که با یکدیگر دارند، با همدیگر روی این خط‌مشی سیاست‌های جهانی هم‌فکری می‌کنند. لذا به نظر می‌رسد که از این به بعد دچار یک سری مشکلات جدی شوند که این مشکلات جدی از امسال شروع شده است و باید انتظار داشت در اجلاس‌های بعدی هم ادامه پیدا کند.»

توجه به نرخ رشد اقتصادی

رییس موسسه مطالعات اقتصادی با مدامد با تأکید بر اینکه توجه به نرخ رشد اقتصادی از ویژگی‌های این اجلاس بود، عنوان کرد: «هر چند که مسائل نابر ابری‌های جنسیتی و نابر ابری‌های اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفت، اما مسئله اصلی این بود که چگونه می‌توان نرخ رشد اقتصادی را افزایش داد. با توجه به اینکه جدا از ۲۰ کشور چند کشور دعوت‌شده دائمی نیز حضور دارند و از سازمان‌های بین‌المللی نیز شرکت‌کنندگانی حاضر می‌شوند، لذا اهمیت بحث‌ها سبب شده تا G۲۰ یکی از اجلاس‌های مهم جهانی به حساب آید و لذا زمانی که در رابطه با نرخ رشد اقتصادی بحث می‌شود، از جنبه‌های مختلف اقتصادی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.»

او اضافه کرد: «نتایج بحث‌ها نشان داد که نرخ رشد اقتصادی کمی سرعت خواهد گرفت، اما این موضوع احتیاج به روان‌سازی ارتباطات در سطح بین‌المللی دارد. از سوی دیگر یک سری سیاست‌های ملی مطرح شد که باید با سیاست‌های جهانی هماهنگ باشد. در مجموع با آزاد سازی‌ها و روان‌سازی‌های اقتصادی بین‌المللی می‌توان نرخ رشد اقتصادی را افزایش داد. این مهم‌ترین نکته‌ای بود که در این اجلاس به آن توجه کردند.»

ایمانی‌راد گفت: «اجلاس امسال جدا از نرخ رشد



سیاست‌های پولی در این کشورها به شدت پایین آمده است. به طور مثال در ماه گذشته که فدرال رزرو آمریکا نرخ بهره را ۰.۲۵ درصد بالا برد؛ اما این تصمیم یک‌الی دوروز بیشتر دوام نیاورد و دلار آمریکا مجدداً ضعیف‌تر شد. در چند سال گذشته ژاپن نیز چندین بار سیاست پولی خود را به شکل تزریق یین در بازارهای داخلی و خارجی اعمال کرده و جالب این است که هر چه این سیاست را بیشتر اعمال می‌کند اثرپذیری آن کم می‌شود. اخیراً بحث خرید اوراق قرضه ژاپن توسط بانک مرکزی مطرح شده است. جالب این است که در یک مدت زمان کوتاهی یین ژاپن کاهش پیدا کرده، اما مجدداً به وضعیت سابق خودش بازگشته است. بنابراین معتقدم که اثرگذاری این سیاست‌ها در حال کم شدن است. به طوری که خود اقتصاددانان طرفدار سیاست‌های پولی هم به این سیاستها با دیده تردید نگاه می‌کنند. این یکی از نقاط حمله جدی جناح‌های راست به سیاست‌های اقتصادی حاکم است. به همین دلیل است که آنها بیشتر روی سیاست‌های مالی متمرکز هستند تا پولی.»

وی بیان کرد: «از یک طرف مشکل اقتصاد جهانی به طور ساختاری وجود دارد و از طرف دیگر سیاست مناسب برای فائق شدن برای مشکلات هنوز توسط کشورهای صنعتی جهانی ارائه و پیشنهاد نشده است؛ لذا اثرگذاری موثر نداشته است. تنها کشوری که توانسته کمی مشکلات خود را حل کند و بیکاری را کاهش دهد آمریکا بوده که اگر بیشتر توجه کنید، آمریکا نیز در برخی مواقع آمارهای مثبت و در برخی دیگر آمارهای منفی دارد. در مجموع موفق شده است بخشی از مشکلات خود را حل کند اما کاملاً مشکلات جدی دارد. در جمعه هفته گذشته آمار تورم و خرده‌فروشی آمریکا بسیار ناامیدکننده بود.»

این کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه سیاست‌هایی که برای رویارویی با این مشکلات اتخاذ شده به نظر نمی‌رسد که بتواند مشکلات اقتصاد جهانی را حل کند، متذکر شد: «نتیجه‌ای که می‌توان گرفت، این است که سازمان‌ها یا گروه‌های G۲۰ دیگر قادر نخواهند بود که اقتصاد جهانی را به این راحتی تحت تأثیر قرار دهند.»

ایمانی‌راد گفت: «اقتصاد جهانی بر سر دوراهی است؛ یا این رکود دامن گیر و نرخ تورم بسیار پایین استمرار پیدا می‌کند و یک رکود گسترده تری را بر نظام جهانی حاکم خواهد کرد، یا اینکه با تعدیل‌های جدی ساختاری اقتصاد جهانی می‌تواند تکان بخورد و نرخ‌های رشد بالاتری را تجربه کند.»

او تأکید کرد: «تجربه سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که اثرگذاری این سیاست‌ها وجود داشته، ولی نتوانسته مسائل اساسی را حل کند و باید منتظر باشیم در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ آیا اقتصاد جهانی قادر خواهد بود مسائل خودش را با سیاست‌های پولی حل کند یا نه؟ اگر نتوانست تردیدی باقی نخواهد ماند که نفوذ و گسترش جناح راست بیشتر خواهد شد و کشورهای دیگری زیر پوشش سیاسی این جناح قرار خواهند گرفت.»

چنین بدهی‌هایی نداشتند. جالب این است که در کشورهای صنعتی خانوارها نیز حجم بدهی بالایی دارند. به طور کل حجم بدهی شرکت‌ها، دولت‌ها و در خانوار بسیار بالا است. همین موضوع باعث شده است که یک مشکل جدی برای تقاضا ایجاد شود. آن هم یک نوع انقباض تقاضا در سطح جهانی ایجاد شده که همین مسئله موجب شده است تقاضا را برای کالاها کاهش دهد.»

وی بیان کرد: «کاهش تقاضا برای کالاها باعث شده است که قیمت کالاها از جمله نفت در سطح بسیار پایین تاریخی قرار بگیرد. چون این مشکل به طور ساختاری در اقتصاد جهان وجود دارد و وجود خواهد داشت، بنابراین این هیچ‌گونه چشم‌اندازی مثبتی برای بالا رفتن قیمت اولیه در سطح جهان وجود ندارد.»

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه سیاست‌هایی که در خصوص این مشکل در کشورهای صنعتی اتخاذ شده سیاست‌های پولی بوده است، گفت: «در ۹ سال گذشته این سیاست‌ها توسط کشورهای شبیه آلمان، ژاپن و آمریکا و در کل منطقه اروپا سیاست‌های تحت عنوان سیاست‌های انبساط پولی و سیاست‌های کاهش نرخ بهره اتخاذ شده که به طور معمول نتوانستند آثار بحران سال ۲۰۰۸ را از بین ببرند و یک محرک خوبی برای رشد اقتصادی قابل قبول برای کشورها باشد.»

کمرنگ شدن اثرگذاری سیاست‌های پولی در جهان

ایمانی‌راد خاطر نشان کرد: «مطلوبیت اثرگذاری

اقتصادی دستیابی به این نرخ از طریق تجارت آزاد را نیز مورد تأکید قرار داد. همچنین با توجه به حمایت از تولید داخل به عنوان موتور توسعه داخل و سپس حمایت از تجارت آزاد به عنوان موتور توسعه بین‌المللی می‌توان انتظار داشت که پیش‌بینی‌ها محقق شود. نکته بسیار مهم این است که اساساً گردهمایی‌هایی شبیه گروه کشورهای ۲۰ نمی‌توانند خیلی اثرگذار بر روی نرخ رشد اقتصادی باشند. به این دلیل که یک گردهمایی‌های دو روزه است و یک سری مواضع و تفاهات نوشته و نانوخته ایجاد می‌شود و یک سری گفت‌وگوها انجام می‌شود. بیشتر به نظر می‌رسد که یک نوع نزدیک کردن مواضع به یکدیگر است.»

او عنوان کرد: «کانون نرخ رشد اقتصادی نمی‌تواند در این مکان‌ها باشد. این اجلاس‌ها بیشتر به عنوان کاتالیزور اثر می‌گذارند و انصافاً کشورهای گروه ۲۰ در این نقش خود در ده سال گذشته موفق بوده است.»

افزایش بی‌سابقه بدهی دولت‌ها

این کارشناس اقتصادی اظهار کرد: «نکته‌ای که وجود دارد این است که مشکلات اقتصاد جهانی بسیار جدی‌تر از این حرف‌ها است که گروه‌هایی مانند G۲۰ بتوانند این مشکلات را از سر راه بردارند. به طور جدی برای اولین بار بدهی دولت‌ها در سطح جهان بسیار بالا است. برای اولین بار بدهی شرکت‌های تولیدی در سطح جهان رو به افزایش است. برای اولین بار کشورهای نوظهور بدهی‌های بالایی پیدا کردند که در طول تاریخ سابقه توسعه اقتصادی‌شان

پیشنهاد ایجاد تشکیلات جدید در وزارتخانه‌ها

در حال حاضر تعریف روشنی از وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری وجود ندارد

متین دخت والی‌نژاد

خبرنگار

با استفاده از آسیب‌شناسی و تجربه گرانسنگ دولت اول اعمال اصلاحات و جراحی در بخشی از ساختار اجرایی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی، ورزش و جوانان را ضروری تشخیص داده‌اند و البته علت و ضرورت و اولویت این تصمیم هم تا حدودی روشن است. امروز مسئله اقتصاد بویژه تولید و اشتغال، همچنین موضوع جوانان از مهمترین مسائل کشور هستند و در رأس تأکیدات مقام معظم رهبری و مطالبات مردم شریف کشورمان هستند. لذا آقای روحانی برای سرعت بخشیدن به رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال مخصوصاً اشتغال جوانان تحصیل کرده و بهبود معیشت مردم تفکیک این وزارتخانه‌ها را در اولویت قرار داده‌اند.

تفکیک وزارت بازرگانی از صنعت، معدن و تجارت در شرایط فعلی چه میزان در اعمال سیاست‌های دولت دوازدهم و رئیس‌جمهور مؤثر است؟

این موضوع از چند منظر حائز اهمیت است. قبل از هر چیز توجه به اصل سوم قانون اساسی، ماده ۵۳ قانون برنامه پنجم، سیاست‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی، دولت‌ها را مکلف به پیمودن مسیری کرده که در سال ۱۴۰۴ کشور ایران به قدرت اول علمی، اقتصادی کشورهای منطقه تبدیل شود. متأسفانه در حال حاضر که کمتر از ۸ سال از مسیر باقیمانده به دلیل مشکلات ناشی از تحریم‌های ظالمانه و سوءمدیریت و تصمیمات غلط و غیر کارشناسی دولت‌های نهم و دهم، در بسیاری از شاخص‌ها از کشورهای منطقه فاصله معنی‌داری داریم و لازم است در سال‌های پیش رو با سرعت و شتاب بیشتری عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم. مخصوصاً در حوزه اقتصاد به دلیل رشد منفی و پائین سال‌های ۸۴ تا ۹۲ و نرخ بیکاری بالا که در حوزه جوانان بیش از ۲۵ درصد برآورد می‌شود تلاش مضاعفی نیاز هست، به همین منظور درون‌زایی و برون‌نگری دو پایه مهم اقتصاد مقاومتی هستند که اولی به معنی تولید رقابت پذیر کالا و خدمت در داخل و دومی نیازمند دسترسی و تعامل و فتح بازارهای جهانی است. به این منظور باید با تخصصی کردن حوزه‌های اجرایی تولید و تجارت بتوانیم ضمن حمایت و پشتیبانی و رفع موانع تولید رقابت پذیر و صادرات محور، حمایت‌های موثر، برقراری مشوق‌های صادراتی بر گزاری نمایشگاه‌های اختصاصی جمهوری اسلامی در بازارهای هدف، ارتقاء سطح مشارکت در اتحادیه‌های تجاری، منطقه‌ای و بین‌المللی، توسعه تجارت الکترونیکی و استفاده از فناوری‌های نوین، مبارزه با قاچاق کالا و مبادلات غیررسمی، بازرگانی

محسن بهرامی ارض اقدس عضو هیات نمایندگان اتاق تهران معتقد است: «بیشتر نگرانی‌ها از ایجاد وزارت بازرگانی با رویکرد حمایت از واردات بی‌رویه کالاها است و تنزل جایگاه یک وزارتخانه در حدمدیریت صرف واردات بی‌انصافی است.» ۲۲ روز بعد از انتخاب مجدد حسن روحانی به عنوان دوازدهمین رئیس‌جمهور در انتخابات ریاست جمهوری، لایحه‌ای با قید و فوریت از سوی دولت به مجلس ارسال شد تحت عنوان «اصلاح ساختار دولت». از پیشنهاد فوریت برای این لایحه چنین برمی‌آید که روحانی در نظر دارد، پیش از تشکیل دولت دوازدهم اصلاحات مورد نظر را در ساختار دولت انجام داده و با وزارتخانه‌های جدید کار خود را آغاز کند. چه آنکه در این لایحه پیشنهاد شده است که وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت مجدداً تفکیک شده و به دو وزارتخانه صنایع و معادن و وزارت بازرگانی تبدیل شوند. چنین پیشنهادی هم برای وزارت راه و شهرسازی با تبدیل شدن به دو وزارتخانه راه و ترابری و مسکن و شهرسازی پیشنهاد شده است. البته جداسازی وزارت ورزش به صورت مستقل و تشکیل سازمان ملی جوانان هم بخش دیگری از این لایحه است. با این حال مجلس به دو فوریت رای نداد و لایحه به کمیسیون تخصصی ارجاع شد تا مورد بررسی قرار بگیرد. آنطور که در اعلام شده قرار است به زودی بررسی این لایحه در صحن علنی مجلس آغاز شود. هر چند که این روزها اخبار ضد و نقیضی هم از منتفی شدن نظر رئیس‌جمهور درباره تفکیک‌ها منتشر شده، اما هنوز به صورت رسمی هیچ مقام دولتی این موضوع را تأیید نکرده است. هم‌زمان با آرایه این لایحه موجی از نقدها، توصیه‌ها و پیشنهادها در رسانه‌ها مطرح شد. برخی‌ها عنوان کردند که این جداسازی در شرایط فعلی وقت دولت‌رانی می‌گیرد و هزینه مضاعف ایجاد می‌کند. برخی‌ها هم موافق عنوان کردند که باید هر چه سریعتر این اتفاق بیفتد به این دلیل که بخش تجارت در ادغام‌ها مغفول مانده است. محسن بهرامی ارض اقدس یکی از موافقان سرسخت تفکیک وزارتخانه‌ها و در رأس آنها تفکیک وزارت صنعت و معدن از تجارت است. او عنوان کرد: «داشتن یک وزارتخانه تخصصی فرابخشی که بتواند تجربه تجارت فرامرزی را که حلقه‌های پیشین و پسین تولید هستند، پوشش دهد، می‌تواند به جذب سرمایه‌گذار خارجی نیز کمک کند. به ویژه در موضوع صادرات غیر نفتی این وزارتخانه می‌تواند تمرکز ویژه‌ای داشته باشد و همچنین در جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی اقدامات اصولی و متمرکز را انجام دهد.»

با توجه به اینکه جناب‌عالی از حامیان جدی لایحه دولت در خصوص تفکیک وزارت بازرگانی از صنعت، معدن و تجارت هستند، ممکن است بفرمایید علت این حمایت بر چه اساسی است؟

بنده به عنوان کسی که نزدیک به سی سال از مدیریت میانی تار شد بعنوان مدیر کل بازرگانی در استانهای خراسان و خوزستان و در بخش‌های مختلف وزارت بازرگانی سابق از جمله شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی، سازمان غله کشور، مراکز تهیه و توزیع، معاونت صادراتی، سازمان بازرسی و نظارت، مشاورت و معاونت وزیر، ستادها و شوراهای مختلف وزارت بازرگانی سابقه مسئولیت و خدمت دارم. همچنین هم‌زمان با بیش از بیست سال عضویت در هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران و ایران از نزدیک با کار آفرینان، تولیدکنندگان، تجار و بازرگانان بخش خصوصی حشر و نشر دارم و از نزدیک با مشکلات و مطالبات آنها آشنا هستم و بخوبی گرفتاری بخش خصوصی و علت بی‌اعتمادی آنها به دولت‌ها را درک می‌کنم. امروز بعد از گذشت شش سال که از ادغام وزارت بازرگانی و صنعت و معدن می‌گذرد، ارزیابی بسیار

دقیقی از نتیجه ادغام و میزان تحقق اهداف اولیه ادغام دارم و می‌توانم صادقانه اذعان کنم که در نتیجه ادغام تقریباً هیچ یک از اهداف اولیه حاصل نشده است و به همین دلیل از پیشنهاد رئیس‌جمهور استقبال و از آن حمایت می‌کنم.

به نظر شما چرا دولت پیشنهاد تفکیک مجدداً وزارتخانه‌های بازرگانی از صنعت و معدن، مسکن و شهرسازی از راه و شهرسازی، سازمان ملی جوانان از وزارت ورزش را در شرایط حاضر دنبال می‌کند؟

پاسخ بسیار روشن است. آقای روحانی که در دوم بار رأی اکثریت قاطع و کم سابقه مردم فهیم میهن اسلامی بعنوان رئیس‌جمهور برگزیده شده‌اند و علیرغم اینکه معمولاً روسای جمهور در دوره دوم با ریزش آراء مواجه می‌شوند. ایشان با همه تخریب‌هایی که متأسفانه بعمل آمد با اقبال بیشتر مردم و با ۲۴ میلیون رأی که حاکی از رضایت نسبی از عملکرد دور اول و ابراز اعتماد به برنامه‌های ایشان که در مناظره‌های انتخاباتی و دوره تبلیغات منتشر و به اطلاع مردم رسید، است، مجدداً بعنوان رئیس‌جمهور ایران اسلامی انتخاب و برای تحقق وعده‌هایی که به مردم داده‌اند.



شبکه‌های توزیع وحذف واسطه‌های غیر ضرور، تقویت ناوگان حمل و نقل ولجستیک مورد نیاز برای صادرات کالا و خدمات و از همه مهمتر اصلاح ساختار و کارآمد نمودن تشکیلات از جمله تأسیس سازمان یا وزارتخانه‌ای که بتواند این امور را در بالاترین سطح با هماهنگی سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی عملیاتی کند هستیم. بنابراین با احترام به رأی آگاهانه اکثریت مردم به دکتر روحانی، امروز که ایشان برای تحقق وعده‌های خود مجوز قانونی اصلاحات ساختاری را از مجلس محترم درخواست نموده‌اند نمایندگان مردم نیز این خواسته را انشاءالله اجابت و مسیر را برای تحقق وعده‌های رئیس جمهور بازسازی خواهند کرد. اگر چه بنده اعتقادی به تفکیک باقی‌مانده مضمحل شده وزارت بازرگانی سابق از صنعت و معدن ندارم.

پیشنهاد می‌کنم تشکیلات جدیدی با هر اسم و عنوان دیگری که قادر باشد رئیس جمهور را در پی‌موندن این مسیر همراهی کند با جداسازی بخش‌های متجانس از سایر وزارتخانه‌ها از جمله گمرک، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی برخی از بانک‌های تجاری و جمع‌کلیه وظایف مربوط به تجارت فرامیزی به این تشکیلات جدید متناسب با اقتضات فعلی کشور و شرایط بین‌المللی و فرصت‌های پیش آمده پس از برجام و با نگاه به آینده طراحی شود که بار دیگر مجبور به اعمال تغییرات نشویم.

آیا با این تفکیک‌ها مشکل اقتصاد حل می‌شود و امکان پاسخ‌گویی به مطالبات مردم فراهم می‌شود؟

قطعا با تصویب لایحه پیشنهادی رئیس جمهور محترم نباید انتظار حل همه مشکلات اقتصادی را داشت اگر چه حتما بخشی از مشکلات مرتفع خواهد شد. متأسفانه در حال حاضر تعریف و تفکیک دقیق و روشنی از وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری وجود ندارد و لازم است هر چه سریعتر این تفکیک انجام شود، کلیه وظایف تصدی‌گری و قابل واگذاری با سرعت به بخش خصوصی منتقل و برای اجرای وظایف حاکمیتی نیز هدف‌گذاری و اولویت‌بندی بعمل آید و برای رسیدن به اهداف پس از توزیع متناسب و متعادل سازی وظایف همگن به سازمان‌های اجرایی کارآمد، چابک محول گردد. در حال حاضر برخی از وزارتخانه‌ها وظایف متنوع و بعضا متناقض و بسیار سنگین را عهده‌دار هستند. آبر وزارتخانه‌های مثل اقتصاد و دارایی متکفل سازمان‌های بزرگ امور مالیاتی کشور، سازمان اموال تملیکی، سازمان خصوصی‌سازی، سازمان سرمایه‌گذاری و کمپهای فنی، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و... یاراه و شهرسازی مسئول راهبری و مدیریت حوزه‌های متعددی نظیر راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران، سازمان زمین‌شناسی، سازمان هواشناسی، آزمایشگاه مکانیک خاک، سازمان ساختمان‌های دولتی ایران، سازمان راه‌داری کشور، سازمان ملی زمین و مسکن و ... چندین سازمانی که هر یک در حد و اندازه یک وزارتخانه

اند، را تشکیل می‌دهند.

در همین دولت وزارتخانه‌هایی داریم که کل وظائف آنها در يك سازمان با مسئولیت حد اکثر يك معاون وزیر قابل مدیریت است، بنابراین این لازم است دولت پس از تفکیک وظائف تصدی‌گری و انتقال سریع آن به بخش خصوصی، اولویت‌بندی و تمرکز به بخشی از وظائف حاکمیتی بویژه تجمیع امکانات در حوزه اقتصاد برای برون‌رفت از مصائب فعلی، ساختاری متناسب را طراحی و ساختار فعلی را باز مهندسی کنند. اگر به سابقه وزارت بازرگانی سابق نگاه کنید متوجه می‌شوید از سال ۱۳۸۵ که بعنوان یکی از قدیمی‌ترین تشکیلات دولتی تحت عنوان وزارت تجارت تأسیس می‌شود. در دوره‌های ۱۳۰۲، ۱۳۰۸، ۱۳۱۶، ۱۳۲۰، ۱۳۲۶ و... آخرین بار در سال ۱۳۹۰ تاکنون ادغام، تفکیک و تغییر عنوان پیدا کرده و اصولا در حال حاضر به دلیل سرعت تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دولتها نیز باید با تأکید بر تقویت ظرفیت و توان برنامه‌ریزی و نظارت و کنترل خود، تغییرات متناسب را در ساختار کلان دولت اعمال نمایند و از این بابت بشرطی که موجب بی‌ثباتی نشود. نباید نگران بود و از آنجا که در شرایط فعلی و آینده پیش رو موضوع معیشت مردم از جمله مطالبات اصلی آنان است تلاش برای دفاع از حقوق مصرف‌کنندگان، تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری مورد نیاز با قیمت مناسب، هدفمند کردن یارانه‌ها، ساماندهی و اصلاح شبکه‌های توزیع، حمایت منطقی، هدفدار و مدت‌دار از تولید، توجه به مزیت‌های نسبی با نگاه به مطالعات آمایش سرزمین از جمله تصمیماتی است که باید در کوتاه‌مدت اتخاذ شود و البته قوای سه‌گانه و صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز همراه با خواسته اکثریت مردم، رئیس جمهور محترم را در تحقق برنامه‌هایشان همراهی نمایند. خوشبختانه بعد از برجام و در سایه تلاش‌های دیپلماتیک، ایران هر اسبی به ایران دوستی تبدیل و حقانیت جمهوری اسلامی برای جهانیان اثبات شده و رویکرد کشورهای توسعه یافته در همکاری با جمهوری اسلامی ایران تغییر نموده و با امکان جذب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های مختلف نفت و گاز، معادن، حمل و نقل، صنعت، کشاورزی، دامپروری فضای مناسبی برای بکارگیری ۳/۵ میلیون جمعیت

بیکار بازمانده از اشتغال طی سالهای ۸۴ تا ۹۲ که سالیانه صدها هزار نفر نیز به آنها اضافه می‌شود فراهم شده است. با توجه به اینکه هم‌راه با سرمایه‌ خارجی معمولا تکنولوژی، دانش فنی و تجهیزات مورد نیاز برای تولید صادرات محور به داخل کشور منتقل می‌شود، انشا... علاوه بر تأمین نیازهای داخلی امکان افزایش صادرات به کشورهای منطقه، خاورمیانه و حتی کشورهای توسعه یافته فراهم خواهد شد.

چه عاملی سبب شد که در دولت دهم این ادغام‌ها ناگهان اجرایی شود؟

متأسفانه به بهانه کوچک‌سازی دولت و با هدف برون‌سپاری وظایف تصدی‌گری و خصوصی‌سازی و بنگاه‌های دولتی، جلوگیری از فعالیتهای موازی، ساده‌سازی و کاهش بروکراسی، سرعت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، یکپارچه‌سازی فرآیندهای انجام کار و دهها هدف کوچک و بزرگ بر اساس ماده ۵۳ قانون برنامه پنجم دولت دهم مکلف به کاهش تعداد وزارتخانه‌ها می‌شود لکن در يك فرآیند غیر کارشناسی و عجولانه در يك مورد به دلیل اختلاف نظر جدی فیما بین وزرای وقت بازرگانی، صنعت و معدن و در مورد وزارت راه به دلیل مخالفت مجلس با وزیر پیشنهادی، شوربختانه کاهش تعداد وزارتخانه‌ها و ادغام شامل این وزارتخانه‌ها می‌شود.

امروز پس از ۶ سال که از ادغام می‌گذرد اکثریت کارشناسان معتقدند نه تنها توفیقی به دست نیامده بلکه پس از ادغام بخش‌هایی قربانی بخش‌های دیگر شده و در مجموع اقتصاد دچار آسیب شده است و یکی از دلایل تورم ۴۶.۵ درصدی و رشد منفی ۷ درصدی در سالهای ۹۰ و ۹۱ را همین موضوع می‌دانند.

آنطور که متوجه شدیم، از نظر شما تفکیک‌ها چندان اهمیت ندارد و بیشتر اصلاح ساختار کلان دولت، اولویت‌بندی و توزیع متوازن وظایف را مدنظر دارید؟

کاملادرس است؛ نباید روی عناوین پافشاری کرد اهداف، برنامه‌ها و روش‌های اجرای برنامه و تحقق اهداف بسیار مهم هستند البته موضوع نظارت و ارزیابی مستمر عملکردها نیز همزمان باید دنبال شود نگاهی به برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب حاکی از آنست که به دلیل کم توجهی به منابع و توزیع غیر هدفمند آن

در بخش‌های مختلف بدون در نظر گرفتن اولویت‌ها و اهداف بخش عمده‌ای از سرمایه‌های مادی و معنوی کشور بویژه در سالهای ۸۴ تا ۹۲ که درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت تقریباً به اندازه مجموع درآمدهای دولت‌های قبل بعد از انقلاب بر آورد می‌شود تبدیل به صدها هزار طرح و پروژه نیمه تمام شده که بسیاری از آنها حتی در صورت تکمیل به دلیل گذشت زمان قابلیت بهره‌برداری و استفاده اقتصادی ندارند.

بنابر این همانگونه که قبلاً اشاره شد در این موضوع خاص تأسیس تشکیلاتی چابک و هوشمند و سپردن مسئولیت وظایف همگن در بخشهای بازرگانی داخلی و خارجی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گمرک، بانکهای تخصصی مثل بانک توسعه صادرات، صندوق ضمانت صادرات، خدمات بازرگانی شرکت‌های بخش و شبکه توزیع و اصناف، تنظیم بازار داخلی، حمایت از مصرف کنندگان، بهبود فضای کسب و کار، توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی و آماده‌سازی بنگاه‌های تولیدی جهت مواجهه هوشمندانه و رقابت در بازارهای بین‌المللی با تأکید بر راهبرد توسعه صادرات غیر نفتی و خدمات فنی و مهندسی باید در تشکیلات جدید تجمیع شود تا هماهنگ و همراه با سایر بخش‌های اقتصادی دولت موجب توسعه اقتصادی کشور و جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته برای رسیدن به جایگاه مناسب در افق ۱۴۰۴ فراهم شود.

این «بایدها و نبایدها» که بدان اشاره کردید، دقیقاً منظور چیست؟ بیشتر توضیح می‌دهید؟

اگر هر فرد، سازمان، دولت... قبل از اینکه کاری را انجام دهد تکلیف کارهایی که نباید انجام دهد را روشن کند بهتر می‌تواند کارهایی را که باید انجام دهد ساماندهی کند، بطور قطع و یقین دولت با توجه به سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی که تبدیل به قانون شده است و همچنین سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی که چراغ راه حرکت در حوزه اقتصاد است.

باید در اسرع وقت کلیه کارها و اقداماتی که انجام آن خارج از دولت و توسط بخش خصوصی مقدور است را به تشکیلاتی صنفی ذیربط واگذار و در این مسیر از ظرفیتهای اتاقهای بازرگانی، اصناف و تعاون حداکثر استفاده را بعمل آورد. فراموش نکنیم در گذشته نزدیک برای دریافت گذرنامه، شناسنامه، عدم سوء پیشینه، مردم با چه مشکلاتی مواجه بودند و امروز با توسعه دولت الکترونیک و فعالیت دفاتر خدماتی توسط بخش خصوصی به چه میزان کارها سریعتر، ساده‌تر حتی ارزان‌تر انجام می‌شود و نظارت و کنترل دولت هم با دقت اعمال می‌شود نظیر اینگونه وظایف که قبلاً تابوده بودند کماکان نمونه‌های زیادی هستند. بسیاری از مجوزها غیر ضرور و قابل تفویض به تشکیلاتی صنفی است، بخش خصوصی آمادگی تکمیل بسیاری از پروژه‌های نیمه تمام، مدیریت بسیاری از بنگاه‌های دولتی و کارخانجات تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های جدید را دارد.

اجرای هرگونه پروژه و سرمایه‌گذاری جدید توسط دولت باید متوقف شود و این موارد با امکانات دولت توسط بخش خصوصی صالح صورت پذیرد.

خصوصی سازی واقعی شود، انحصارات و تبعیض‌های موجود حذف، زمینه رانت‌جویی، رانت‌خواری مرتفع و با فساد اداری و اقتصادی با قاطعیت برخورد شود، اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی با حمایت از رسانه‌ها دنبال شود با اعمال اصلاحات ساختاری و شایسته‌سالاری در حوزه بازار کار، پول و سرمایه، کالا با حذف و لغو قوانین و مقررات مزاحم و تصویب مقررات پشتیبان بهبود فضای کسب و کار و امنیت اقتصادی برقرار شود تا دولت کار آفرین شکل بگیرد.

موضوع بخش خصوصی در مورد لایحه پیشنهادی دولت به ویژه در مورد تفکیک وزارت بازرگانی چیست؟

همانطور که متأسفانه در دولت هم به دلیل حاکم بودن نگاه بخشی برخی از وزراء از جمله وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت که صریحاً مخالفت خود را ابراز کرده و در وزارتخانه جهاد کشاورزی نیز از طریق تشکیلاتی تحت پوشش لابی گسترده‌ای را در مخالفت با لایحه دولت شکل داده‌اند. در مجلس و بخش خصوصی هم این لایحه مخالفانی دارد. به عنوان مثال کمیسیون توسعه تجارت و تسهیل صادرات که یکی از مهمترین و پر تعدادترین کمیسیونهای اتاق بازرگانی است با لایحه دولت کاملاً موافق و برخی از اعضاء کمیسیون صنعت که نگران آسیب دیدن تولید داخلی هستند، با لایحه مخالفت کرده‌اند. لکن اتاق بازرگانی تهران در جلسه اخیر هیأت نمایندگان در بیانیه‌ای بر ضرورت استمرار تدبیر در تصمیمات اقتصادی تأکید کرد. هر چند به دلیل عدم بررسی کارشناسانه موضوع نفیاً و اثباتاً اظهار نظری نشد، اما بیشتر نگرانی‌ها از ایجاد وزارت بازرگانی با رویکرد حمایت از واردات بی‌رویه کالاهاست و تنزل جایگاه یک وزارتخانه در حدمدیریت صرف واردات بی‌انصافی است. وزارت بازرگانی می‌تواند در حلقه‌های پیشین و پسین تولید در خدمت تولید داخلی باشد. تأمین و تدارک سرمایه، ماشین آلات، تجهیزات، مواد اولیه واحدهای تولیدی، انبارداری، خدمات بسته‌بندی، بازاریابی و تبلیغات، حمایت‌تصرفه‌ای مناسب، مدیریت واردات، کنترل و مبارزه با قاچاق و تجارت غیر رسمی، در خدمت تولید و اشتغال ملی باشد ظاهر آنظر رئیس جمهور محترم نیز تأسیس چنین وزارتخانه‌ای است.

برخی منتقدان این لایحه عنوان می‌کنند که در سایر کشورهای جهان این تفکیک‌ها دیده نمی‌شود. نظر شما چیست؟

اصولاً اکثر کشورهای جهان با توجه به قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی و اولویت‌بندی اهداف و وظایف دولت از ساختارهای متفاوتی برخوردار هستند مقایسه کشورمان با کشورهای صنعتی و توسعه یافته و مقایسه با کشورهای نوظهور نمی‌تواند ملاک عمل قرار گیرد. طبق بررسی‌های بعمل آمده در بیش از ۵۰ درصد

کشورها وزارت بازرگانی مستقل وجود و گمرک نیز تحت پوشش این وزارتخانه قرار دارد که البته موضوع اخیر در گزارشات رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز به صراحت تصریح شده است.

بهرتر نیست هزینه‌هایی که صرف تفکیک می‌شود، برای اصلاح وضع موجود در همین وزارتخانه‌ها صورت پذیرد؟

حساسیت‌ها نباید متوجه عناوین باشد تجربه نشان داده در تشکیلات بزرگ با مسئولیت‌های متنوع و متناقض تدریجاً نگاه تبعیض آمیز حاکم و بخش‌هایی در سایه بخش‌های دیگر قرار می‌گیرند بعنوان مثال در وزارت نیرو حوزه انرژی‌های نو تحت تأثیر حوزه آب به محاق می‌رود. در وزارت صنعت، معدن و تجارت حمایت از تولید در جایگاه نخست و اصناف در مراحل بعدی، و حمایت از مصرف کنندگان بسیار کم رنگ می‌شود. در وزارت جهاد کشاورزی در حمایت از گندم کاران و شالیکاران نرخ خرید تضمینی گندم در مدت کوتاهی از سیصد تومان به هزار و سیصد تومان و قیمت برنج داخلی و حبوبات، گوشت قرمز، لبنیات بعد از قانون تمرکز وظایف چند برابر می‌شود و از سوی دیگر معیشت مردم و سبب غذایی آنان به مرحله‌ای می‌رسد که دولت چاره‌رادر تأسیس وزارتخانه‌ای فربخششی با هدف حمایت متعادل از تولید کنندگان و مصرف کنندگان می‌بیند لذا در حال حاضر چاره‌ای جز تفکیک نیست.

باتوجه به نزدیکی بودن ایام تنفیذ، تحلیف و زمان معرفی کابینه چه پیشنهادی دارید؟

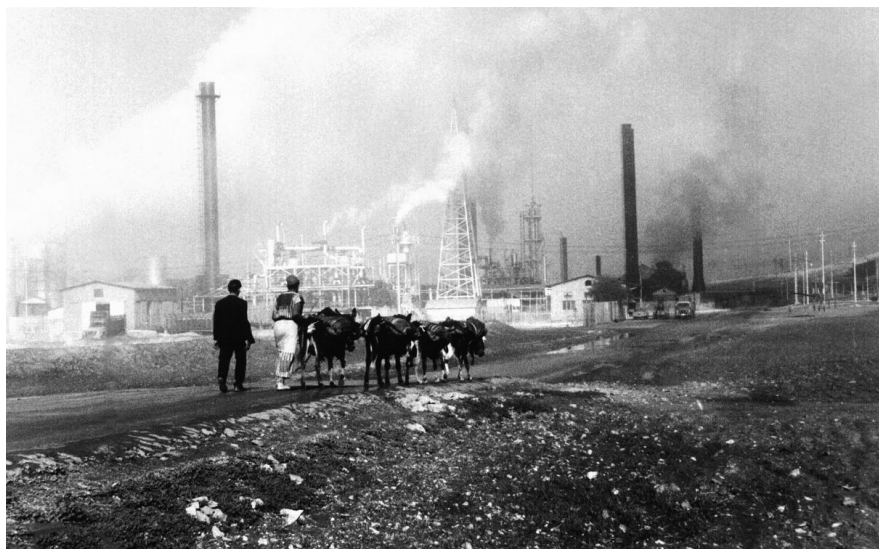
به نظر من با توجه به رأی قاطع مجلس به فوریت لایحه پیشنهادی دولت، بهتر است مجلس محترم با کلیات لایحه موافقت و به دولت اجازه دهد وزارتخانه‌ها را با تأکید بر ممنوعیت گسترش تشکیلاتی و پرسنل و اعتبارات جاری تفکیک کنند و با تعیین ضرب‌الاجل و فرصت مناسب در شورایی عالی اداری و هیأت دولت شرح وظایف، ساختار و تشکیلات وزارتخانه‌های جدید را تصویب و حذف و اضافات را با توجه به اولویت‌ها و احکام برنامه ششم در ساختار کلان دولت اعمال کنند. ذکر این نکته ضروری است که هم اکنون بلا تکلیفی و انتظار در وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی، ورزش و جوانان، تشکیلات و سازمان‌های وابسته از مدیران میانی و ارشد به سطوح کارکنان منتقل و دوقطبی‌هایی شکل گرفته و بخشی‌نگری و اختلافات در حال گسترش است که باید هر چه سریعتر تعیین تکلیف و این شرایط خاتمه یابد. در پایان لازم می‌دانم بعنوان یک کارشناس که سالها در وزارت بازرگانی خدمت و فقط در دولت مهرورزان در بخش خصوصی فعال و تجربیات ارزشمندی در هر دو حوزه دولت و بخش خصوصی دارم و با شناختی که از شرایط کنونی اقتصاد داخلی و بین‌المللی وجود دارم تأسیس وزارت تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را تصمیم اصولی می‌دانم و از آن حمایت می‌کنم.

نگاهی به تجربه قرارداد نفتی در دوران قاجار

آیا قرارداد داری خانثانه بود؟

مهدی ییاسی

خبرنگار



مسیر بهبود قرارداد های نفتی همزمان با رشد دانش فنی، مالی و حقوقی ایران در یک قرن گذشته تداوم داشته است و به قراردادهای بهتر و مناسبتری تبدیل شد. مسیری که پیمودن آن کماکان ادامه دارد.

«قرارداد خانثانه داری و چپاول نفت ایران توسط روباه پیر»، این تعبیر و تعبیر مشابه رادر تحلیل رویدادهای تاریخ معاصر بسیار شنیده ایم به نحوی که کمتر کسی در بدیهی بودن آن تردید دارد. اما آیا به راستی امتیاز داری قرارداد داری ننگین بود که در دوران قاجار توسط عمال بیگانه به کشور تحمیل شد؟ بررسی قرارداد داری مانند هر رویداد تاریخی دیگر، نیازمند توجه به زمان و جغرافیا است که قرارداد در آن تاریخ و جغرافیا منعقد شد.

نگاهی به قرارداد داری

به موجب قرارداد داری دولت شاهنشاهی قاجار به ویلیام ناکس داری به مدت ۶۰ سال اجازه مخصوص جهت نفتیش، تفحص، استخراج و فروش نفت، گاز طبیعی، قیر و موم طبیعی در تمام وسعت ممالک ایران (به جز ولایات آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان و استرآباد) را داد. دولت ایران به ازای این قرارداد ۲۰۰ هزار لیره انگلیسی پیش دریافت گرفت و مقرر شد داری از منافع خالص خود سالانه ۱۶ درصد به ایران بپردازد.

همچنین در قرارداد آورده شد: عمده و فعله که در تأسیسات فوق کار میکنند باید رعیت اعلیحضرت شاهنشاه ایران باشند. در بند دیگر تاکید شد: بعد از انقضای مدت معین این قرارداد، تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجود به جهت استخراج و انتفاع معادن متعلق به دولت ایران خواهد بود و شرکت داری حق هیچ گونه غرامت از این بابت نخواهد داشت.

از حمل تجهیزات با قاطر تا فقدان راه برای انتقال نفت به خلیج فارس

سهم خالص ۱۶ درصدی ایران از فروش نفت، امتیاز استفاده از کارگران ایرانی در اکتشاف و استخراج نفت و حق تملک ابنیه و ادوات استخراج نفت در امتیاز نامه داری نصیب ایران شد. بسیاری قرارداد داری و سهم ۱۶ درصدی را خانثانه می دانند. این در حالی است که اساسا امتیاز نامه داری اولین تجربه ایران در انعقاد قرارداد نفتی است، آن هم در شرایطی که در کشور حتی نسبت

نکته جالبتر این که داری در سال ۱۹۰۸ به نفت رسید و اما صادرات نفت کشف شده حدودا چهار سال بعد انجام شد زیرا در ایران اصلا جاده ای برای حمل نفت به خلیج فارس وجود نداشت و ایجاد راه و زیر ساخت برای حمل نفت به خلیج فارس توسط داری نزدیک به چهار سال زمان برد.

در چنین شرایطی آیا به راستی می توان قراردادی که مظفرالدین شاه با داری امضا کرد را ننگین و خانثانه نامید؟ فراموش نکنیم که اساسا با همان مختصر درآمد نفتی امکان شکل گیری نوعی دولت مدرن در ایران فراهم شد و یک سازمان اداری، مالی، امنیتی و پلیسی در اواخر دوران قاجار و دوران پهلوی شکل گرفت که موتور محرک توسعه در ایران شد.

قراردادهای نفتی، بهبود مستمر

با توجه به جمیع مواردی که در بالا اشاره شد نمی توان قرارداد داری را خانثانه نامید. این قرارداد اولین تجربه در انعقاد قرارداد نفتی در ایران بود که در آن شرایط قرارداد بدی نبود. قرارداد داری از آغاز یک راه بود. مسیری که در چارچوب قرارداد ۱۹۳۳ در دوران پهلوی اول، بهبود پیدا کرد و به سهم ۲۵ درصدی ایران از فروش نفت تبدیل شد. مسیر بهبود قرارداد های نفتی همزمان با رشد دانش فنی، مالی و حقوقی ایران در یک قرن گذشته تداوم داشته است و به قراردادهای بهتر و مناسبتری تبدیل شد. مسیری که پیمودن آن کماکان ادامه دارد.

به ماهیت ماده مورد معامله، دانشی وجود نداشت. در آن زمان اساسا در ایران اطلاعی راجع به وجوه فنی، تجاری و حقوقی نفت موجود نبود. ایران در آن دوران امکانات، انگیزه ریسک، پول، دانش فنی و نیروی انسانی برای اکتشاف و استخراج نفت را مطلقا دارا نبود.

داری در حالی ریسک بزرگ قرارداد نفتی با ایران و ریسک پرداخت هزینه هنگفت برای اکتشاف نفت در ایران را پذیرفت که این قرارداد در سال ۱۹۰۱ منعقد شد و داری در سال ۱۹۰۸ به نفت رسید. یعنی کشف نفت در ایران ۷ سال زمان برد. در میانه راه، داری که هزینه بسیاری را محتمل شده بود، مایوس شده و در آستانه رها کردن کار بود و پس از آن که توانست در انگلستان اسپانسر دیگری برای ادامه فعالیت پیدا کند به کار ادامه داد.

در آن دوران به دلیل فقدان راه قابل حمل و نقل در مناطق جنوبی ایران، تمام تجهیزات اکتشافی با قاطر یا با کوله پشتی به مناطق مورد اکتشاف ارسال می شد آن هم در شرایطی که برای حفاظت از این تجهیزات، در ایران نیروی پلیس برای تامین امنیت وجود نداشت و هر لحظه امکان غارت تجهیزات و اموال توسط راهزنان و غارتگران وجود داشت. شرکت تحت مدیریت داری برای تامین امنیت ناچار بود با سران عشایر محلی مذاکره کرده و با پرداخت پول از قدرت آنان برای تامین امنیت استفاده کند.

حتی بعضا ناچار بودند برخی تجهیزات نفتی را در همان محل اکتشاف نفت، بسازند.

دولت دوازدهم فرا جناحی است

رییس جمهور با اشاره به اینکه دولت دوازدهم دولتی فرا جناحی خواهد بود، گفت: شیوه و تفکری که از مردم رای گرفته باید در اولویت و سرلوحه دستگاه‌های اجرایی در سراسر کشور باشد.

حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی در جلسه هیات دولت، درباره رفتار ناصحیح آمریکا در قبال تعهدات بین‌المللی اش گفت: عظمت و جایگاه سیاسی هر کشوری در دنیا، به اعتماد نسبت به آن کشور و احترامی که آنان به تعهدات خودشان دارند، مربوط می‌شود.

رییس جمهور با بیان اینکه آمریکایی‌ها در دوران جدید، بسیاری از تعهداتشان را زیر پا می‌گذارند، افزود: آنها تعهد پاریس، تعهد با کوبا و بسیاری از تعهداتی که در قرار دادهایشان با آمریکای شمالی و نیز بخشی از تعهداتی که نسبت به آسیای شرقی دارند را زیر پا گذاشته‌اند و این نشان می‌دهد که آمریکا نمی‌تواند مروج حقوق بشر، قانونگرایی و ثبات و امنیت در جهان باشد.

روحانی تأکید کرد: کسی که خودش دارای ثبات نبوده، به قوانین و مقررات احترام نگذاشته و به امضای خودش پایبند نیست، نمی‌تواند دیگران را دعوت به ثبات، امنیت و آرامش کند.

رییس جمهور حضور آمریکایی‌ها در منطقه را موجب تشدید اختلافات و درگیری‌ها دانست و گفت: آنها نتوانستند در برابر تروریست‌ها اقدام خاصی انجام داده و ثبات را به منطقه بیاورند، بلکه این ملت عراق و سوریه بود و کشورهای همجوار و رزمندگان فدائیان بودند که با همه وجود این مردم مظلوم را یاری و کمک کردند و منطقه را از تروریسم نجات داده و در آینده به طور کامل نجات خواهند داد. روحانی خاطر نشان کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره نسبت به تعهدات خود پایبند بوده و خواهد بود. رییس جمهور با اشاره به اینکه امروز یکی از توطئه‌های آمریکایی‌ها این است که به گونه‌ای برخورد کنند که ایران بگوید دست از تعهدات خود برداشته و به امضای خود متعهد نیست، اظهار داشت: این توطئه اخیر است که آمریکا طراحی کرده و به اعتقاد من هرگز موفق نخواهد بود. روحانی تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره به تعهدات بین‌المللی خود پایدار خواهد ماند هر چند که آمریکایی‌ها با دست‌پس‌می‌زنند و با پا به پیش می‌کشند و از سوئی با گزارش رسمی به کنگره اعلام می‌کنند که ایران به تعهداتش کاملاً متعهد بوده و بنا بر این ناچارند به برجام احترام بگذارند و نمی‌توانند برجام را نقض کنند و از سوئی دیگر به بهانه‌های مختلف بدنبال اعمال یکسری تحریم‌های جدید هستند که با هیچ منطق و روح و متن برجام هم سازگار نبوده و در تعارض است.

رییس جمهور با اشاره به اینکه باید هوشیار باشیم تا در دام آنها نیفتاده و در زمین آمریکا بازی نکنیم و در عین حال متعهد به تعهداتمان بوده و راه خودمان که مسیر پیشرفت است ادامه دهیم، افزود: امروز آمریکایی‌ها از فضایی که بعد از برجام ایجاد شده ناراحتند و نسبت به اینکه ایران با آسیا و اروپا روابط اقتصادی بهتری دارد نگران هستند و طبیعی هم هست که نگران باشند چون از این وادی سودی نصیب آنها نمی‌شود.

روحانی خاطر نشان کرد: خوشحالیم که تا امروز شرکای ما در ۱۵۰ با قدرت برای حراست از برجام ایستادگی کردند و آمریکایی‌ها هم مثل همیشه، دوپهلوی و دوچهره وارد عمل شدند، اما مطمئنم اگر آمریکایی‌ها بخواهند تحریم‌هایی را تحت هر عنوان و بهانه علیه ما اعمال کنند، ملت بزرگ ایران پاسخ مناسب به آنها داده و نسبت به مصوبات کنگره، مجلس شورای اسلامی نیز متقابلاً مصوباتی خواهد داشت.

رییس جمهور اظهار داشت: از تخلفات آمریکایی‌ها نمی‌گذریم و در برابر آنها می‌ایستیم اما در عین حال حواسمان جمع است که باید چگونه از این فضای بوجود آمده بهره برداری کنیم.

روحانی تأکید کرد: ملت ایران با رهنمودهای مقام معظم رهبری و با حمایت‌های کار بزرگی را در زمینه برجام انجام دادند و توانستند با یک قرارداد چندجانبه و بین‌المللی موفقیت بزرگ و کم‌نظیر و حتی بی‌نظیری را در تاریخ سیاسی ایران بدست آورده و در برابر قدرتهای بزرگ از حقوق خودشان دفاع کنند.

رییس جمهور ادامه داد: ملت ایران با برجام توانستند قطعنامه‌های ظالمانه شورای امنیت و مصوبات شورای حکام را لغو و موضوع PMD را حل و فصل کرده و مساله تحریم‌های تسلیحاتی را محدود کنند و تحریم‌هایی که نسبت به پرنامه موشکی بود را به صورت دیگری در آورند که تحریم قبلی را از بین ببرند.

روحانی گفت: ملت ایران کار بسیار بزرگ و عظیمی انجام داد و امروز فضای خوبی برای ما ایجاد شده است که باید ملت و مسئولین از این فضا به خوبی استفاده کنند و نباید تحت تاثیر توطئه‌های آمریکا قرار بگیریم. رییس جمهور با بیان اینکه امروز برخی از اینکه می‌خواهیم از این فضا به درستی استفاده کنیم، ناراحت می‌شوند، ادامه داد: چرا باید از بهره برداری درست از فضایی که ملت ایجاد کرده ناراحت شویم؟ نباید چنین باشد و همه باید نسبت به منافع ملی متحد باشیم و راهی را که انتخاب کردیم به خوبی ادامه دهیم.

روحانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به

تشکیل دولت دوازدهم در آینده نزدیک گفت: به هر حال کابینه دوازدهم در چارچوب مقررات در حال شکل گرفتن است و رییس جمهور موظف است در این راستا با افراد مختلف مشورت کند و بنده هم با افراد مختلف در جناح‌های گوناگون اصولگرا، اصلاح طلب، میانه رو یا اعتدالیون مشورت کرده و نظرات آنها را جویا شده‌ام و همچنین به دوستان دیگر هم گفتم اگر نظر خاصی نسبت به کابینه دوازدهم دارند، بگویند و این در حالی است که نظرات برخی افراد در بعضی از روزنامه‌ها، سایتها و رسانه‌ها منعکس شده اما در عین حال باید همه بدانند که دولت دوازدهم مانند دولت یازدهم، دولتی تک جناحی نبوده و فرا جناحی خواهد بود.

رییس جمهور اظهار داشت: افرادی که در دولت دوازدهم عهده دار مسئولیت می‌شوند باید خواسته و نظر اکثریت مردم که در انتخابات رای دادند را به طور کامل باور و قبول داشته باشند و اگر کسی اینطور نیست نمی‌تواند مسئولیت سنگین را بر عهده بگیرد.

روحانی با تأکید بر اینکه مبنای دولت بر دموکراسی، رای مردم و قانون اساسی است، گفت: بحث این و آن جناح نیست، اما شیوه و تفکری که مردم در انتخابات به آن رای دادند باید در دولت، استنادارها، فرماندارها، مدیرکل‌ها و در مسئولیت‌های سنگین و حساس حاکم شود. این بدان معنا نیست که غیر از ۲۴ میلیونی که به دولت تدبیر و امید رای دادند، حق حیات ندارند؛ آنها هم حقوق دارند و حقوق اساسی‌شان محفوظ می‌تواند فعالیت کنند، اما امروز در مسئولیت‌های رده بالا نوبت این ۲۴ میلیون است و اگر غیر از این باشد پس برای چه رای دادیم و انتخابات برگزار کردیم.

رییس جمهور افزود: انتخابات برای آن بود که دو تفکر به رای مردم گذاشته شود. مردم به این دو تفکر رای دادند یکی شد اقلیت و دیگری اکثریت و ما طبق قانون اساسی و طبق رویه دموکراسی باید به رای اکثریت احترام بگذاریم و بر مبنای آن عمل کنیم. اقلیت هم حقوق دارد و باید به حقوق او احترام بگذاریم.

روحانی با اشاره به اینکه همه حق صحبت و انتقاد دارند اما هیچ کس حق تخریب ندارد، گفت: تخریب هیچ کس نسبت به دولتی که از طرف ملت انتخاب شده و نماینده مردم است، قابل قبول نیست. رییس جمهور تنها کسی در کشور است که با آرای مستقیم مردم از سراسر کشور انتخاب می‌شود و ما دیگر چنین انتخاباتی نداریم.

رییس جمهور با تأکید بر اینکه فردی که به عنوان رییس جمهور و بارای اکثریت برگزیده می‌شود، منتخب و نماینده کل ملت ایران است، گفت: رییس جمهور از طرف مردم حرف می‌زند و اقدام می‌کند و وظیفه اش نیز احترام به افکار عمومی است.

روحانی افزود: درست است که ۲۴ میلیون نفر به رییس جمهور رای دادند، اما رییس جمهور، نماینده همه ملت است هر چند که باید این نکته نیز مورد توجه قرار گیرد که ما در انتخابات، اندیشه، راه و تفکری را به رای گذاشتیم و



امام صادق (ع) علوم و دانش‌های مختلف تدریس می‌شد، خاطر نشان کرد: افتخار ما این است که پیرو مذهب شیعه جعفری اثنی عشری هستیم و این به صراحت در قانون اساسی کشور آمده و یکی از وظایفی که در قسم نامه برای رئیس جمهور تعیین شده، پاسداری از این مذهب رسمی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی است.

رئیس جمهور افزود: حراست از استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور هم بر اساس قسم نامه بر عهده رئیس جمهور است.

روحانی با بیان اینکه نام امام صادق (ع) با انقلاب اسلامی عجین است، گفت: روز شهادت امام صادق (ع) در سال‌های ۴۲ و ۵۶ از روزهای اوج نهضت و انقلاب اسلامی به شمار می‌رود و اولین خونی که در راه نهضت اسلامی بر زمین ریخته شد در مدرسه فیضیه در ایام شهادت امام صادق (ع) در سال ۴۲ بود.

رئیس جمهور با اشاره به اینکه نام امام صادق (ع) همواره در انقلاب برای ما پیام داشته و راه را به سمت پیروزی گشوده است، تصریح کرد: امروز یاد، نام و مکتب امام صادق (ع) می‌تواند بهترین راهنما برای حوزه‌های علمی و دانشگاه‌های ما باشد. روحانی با بیان اینکه ما باید بتوانیم همان شیوه و سعه صدری که امام صادق (ع) نسبت به افکار و مذاهب دیگر داشتند را در جمهوری اسلامی داشته باشیم، گفت: باید بیاوریم که با هم به خوبی و بالحنی دوستانه و برادری سخن گفته و از هم فاصله نگیریم و اختلافات جزئی را که معمولاً به خاطر اساس انقلاب، دین و منافع ملی نیست و بیشتر در راستای منافع حزبی، گروهی و جناحی است، فراموش کرده و در مسیر اهداف اصلی انقلاب تلاش کنیم و گام برداریم.

که پسندیده نیست و ما همه یکی هستیم و یا اینکه قوه قضاییه بیاید حاشیه سازی کند.

روحانی تصریح کرد: اکنون وقت حاشیه سازی نیست. باید حاشیه‌ها را کنار بگذاریم و به فکر وحدت، مردم و آینده مملکت باشیم. همانطور که مقام معظم رهبری تأکید فرمودند اولویت ما تولید، رونق اقتصادی و اشتغال است و همه باید اهداف و منافع ملی را مدنظر قرار دهیم و اگر هم کسی خواست بر ایمان حاشیه بسازد در متن حرکت کنیم و بدون توجه به جاده‌های فرعی، به راهمان تار سیدن به مقصد ادامه دهیم.

رئیس جمهور در ابتدای سخنان خود نیز با تسلیت شهادت بنیانگذار مذهب شیعه امام جعفر صادق (ع)، گفت: امام صادق (ع) در دوران امامت خود با استفاده از شریعتی که در دنیای اسلام وجود داشت، توانستند راه امام باقر (ع) را برای ترویج اسلام واقعی در فقه، کلام و تفسیر و حتی علوم طبیعی با تربیت شاگردانی همچون جابر ابن حیان ادامه دهند.

روحانی با اشاره به اینکه امام صادق (ع) در مدینه کرسی‌های بحث در زمینه‌های گوناگون و افراد مختلف برگزار می‌کردند، اظهار داشت: آزادی اندیشه و فکر و فضای علمی که در مدینه آن دوران بود و افرادی که حتی به خدا و پیامبر اعتقادی نداشتند می‌آمدند با امام صادق (ع) و شاگردان ایشان بحث می‌کردند و امام نیز با احترام پاسخ آنها را می‌دادند و بسیاری از آنها را اقلع می‌کردند.

رئیس جمهور ادامه داد: امام صادق (ع) به ما یاد داد که چگونه باید عمل کنیم و ما باید امروز آن راه و شیوه را مورد عمل قرار دهیم.

دکتر روحانی با اشاره به اینکه در مکتب علمی و سیاسی

بارها در مناظرات و سخنرانی‌ها نیز گفته‌ام که انتخابات، انتخاب بین دو یا چند فرد نیست بلکه انتخاب بین دو تفکر و اندیشه است و مردم به یکی از دو اندیشه رای دادند و ما بر اساس آن اندیشه، پیش خواهیم رفت.

رئیس جمهور در ادامه با اشاره به موضوع انتخاب کابینه دوازدهم، اظهار داشت: معرفی کابینه به مجلس و در نهایت رای نمایندگان محترم و تشکیل دولت، باید مایه امید، آرامش و وحدت بیشتر برای مردم ما باشد و نباید به یک اختلاف و فاصله تبدیل شود و همه باید تسلیم افکارمان باشیم. روحانی افزود: به عنوان رئیس جمهور، وزیران انتخاب و در نهایت به مجلس معرفی می‌کنم و این حق نمایندگان مجلس است که به وزیران رای بدهند و یا رای ندهند. رئیس جمهور با بیان اینکه "ما تسلیم قانون اساسی هستیم و بر مبنای قانون اساسی حرکت می‌کنیم"، گفت: همه باید به پیام انتخابات توجه داشته باشیم. در این انتخابات بزرگ و عظیم بیش از ۴۱ میلیون نفر به پای صندوق‌های رای آمدند و اگر اجازه می‌دادیم یک ساعت دیگر هم مردم رای بدهند حتماً این آمار به ۴۵ میلیون نفر می‌رسید. این افتخار بزرگ برای کشور و ملت ما است.

روحانی در ادامه همگان را به پرهیز از حاشیه سازی فرا خواند و تأکید کرد: در این ایام از همه دوستان، قوای مختلف و رسانه‌ها خواهش می‌کنم که لطفاً حاشیه نزنند.

رئیس جمهور افزود: خیلی از اقدامات را می‌توان در موقع خود انجام داد. ما که با قوای دیگر مخالف نیستیم و با همه رابطه خوب داریم. فرض کنید امروز که نزدیک دولت است مجلس طرح سه فوریتی بدهد که دولت را به هم بریزد. البته به هر حال اکثریت مجلس که به سه فوریتی رای نمی‌دهد، اما آیا این حرکت خوب است؟ معلوم است

آزیرزد مصرف بنزین به صدا درآمد

خواهد ماند که با احتساب قیمت حداقلی ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ تومانی برای هر لیتر بنزین وارداتی، در سال جاری بیش از ۲ میلیارد دلار، معادل ۵ تا ۹ هزار میلیارد تومان به واردات بنزین اختصاص خواهد یافت.

این در حالی است که شرایط مشابهی در وضعیت مصرف گاز کشور برقرار است، امسال کل تولید گاز کشور به چیزی حدود ۷۵۰ میلیون متر مکعب در روز رسید. از این مقدار تولید روزانه گاز در کشور حدود ۴ درصد به صادرات ترکیه، ارمنستان و آذربایجان اختصاص داده می‌شود. در این میان سهم مصرف بخش خانگی گاز در ایران حدود ۴۰ درصد است که با توجه به برنامه‌های دولت برای گسترش گاز به مناطق بیشتری از کشور، در سال‌های آینده با افزایش بیشتری نیز همراه خواهد بود. محاسبات نشان می‌دهد با صرفه‌جویی تنها ۱۰ درصدی بخش خانگی و اختصاص آن به صادرات، بین ۸ تا ۴ هزار میلیارد تومان به درآمدهای گازی کشور افزوده می‌شود. بر اساس تحقیقات موجود، کم کردن تنها یک درجه از دمای محیط‌های بسته در فصل زمستان منجر به صرفه‌جویی ۶ درصدی می‌شود. اما رقم ۸ تا ۴ هزار میلیارد تومان با در نظر گرفتن سود خالص ۱۰ تا ۲۰ سنت حاصل از صادرات هر متر مکعب گاز به کشورهای همسایه و با توجه به نوسان قیمت نفت به دست می‌آید که عددی قابل توجه است. این میزان افزایش در آمد در شرایطی تنها از صرفه‌جویی ۱۰ درصدی در بخش خانگی قابل دست یافتن است که در بخش‌های دیگر مانند خطوط انتقال گاز در سراسر کشور و نشتی آنها و گازهایی که در مشعل‌های واحدهای پالایش و پتروشیمی سوزانده می‌شود نیز شاهد هدر رفت گاز هستیم.

پای بنزین روی پدال گاز

همان‌طور که گفته شد، مصرف بنزین در چند ماه ابتدای سال بیش از ۸/۵ درصد رشد داشته است، مدیرعامل شرکت پالایش و پخش با اشاره به ۸ درصد رشد اقتصادی و ۱۰ درصد مصرف برق کشور، بخشی از رشد مصرف بنزین را طبیعی می‌داند. وی افزایش مسافرت‌های جاده‌ای را یکی از عوامل افزایش مصرف بنزین کشور می‌داند و بر این باور است که مصرف بنزین تا ۱۵ مهر یعنی زمان بازگشایی مدارس در همین سطوح باقی بماند و سپس کاهش یابد. به گفته کاظمی در سال ۶ پیک تعداد مسافرت‌های جاده‌ای وجود دارد که نسبت به استانداردهای جهانی بسیار بالا است. کارشناسان بر این باورند اگر تعطیلات آخر هفته به ۲ روز افزایش یابد به طوری که توزیع تعطیلات در طول سال اصلاح شود، می‌تواند به کاهش مصرف بنزین کمک کند. اما جواد نوفرستی، کارشناس انرژی نیز با طبیعی خواندن بخشی از رشد مصرف بنزین کشور به دلیل قرار گرفتن در فصل گرما که افزایش مسافرت‌های جاده‌ای و استفاده از دستگاه تهویه هوا در خودروها را به دنبال داشته، بخش مهمی از رشد مصرف بنزین را به الگوی غلط مصرف کنندگان مرتبط می‌داند. نوفرستی با انتقاد از اینکه کشور نتوانسته بر نامه مدونی برای بهینه‌سازی

نتیجه این شده است که هر چه گاز بیشتری در کشور تولید می‌شود، به همان نسبت گاز بیشتری نیز مصرف می‌شود. حال ممکن است، الگوی غلط مصرف در کشور در کنار نبود سیاست‌گذاری‌های مداوم و پایدار برای کاهش مصرف، بنزین را به سر نوشت مشابهی دچار کند. در واقع برنامه این بود که امسال ایران از واردات بنزین بی‌نیاز شود، اما با وجود رشد سریع مصرف به نظر می‌رسد برنامه‌های افزایش تولید بنزین همچنان یک گام از مصرف عقب است و در صورت تداوم این روند، می‌توان انتظار داشت مانند معادله عرضه و تقاضای گاز کشور که حاصلی جز تر از بسیار پایین تجارت گازی در پی نداشته است، بنزین نیز نه تنها هیچ‌گاه فرصتی برای عرضه اندام در بازارهای جهانی نیابد، بلکه سایه واردات این سوخت همواره روی کشور سنگینی کند. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد تداوم رشد مصرف، موجب می‌شود که امسال نیز حداقل ۵ هزار میلیارد تومان از درآمدهای دولت صرف واردات شود.

زیان‌های میلیارد دلاری از رشد مصرف بنزین

نتیجه رشد سریع مصرف بنزین این شده که با وجود رشد تولید، همچنان واردات نیز در مسیر صعودی قرار داشته باشد. آن‌طور که مدیرعامل شرکت پالایش و پخش روز گذشته به «دنیای اقتصاد» گفته است، مجموع تولید کنونی بنزین کشور با تولید روزانه ۵/۵ میلیون لیتر بنزین در پالایشگاه ستاره خلیج فارس، به ۶۷ میلیون لیتر رسیده است. این در حالی است که معاون شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، شاهرخ خسروانی به «ایسنا» گفته است که متوسط مصرف بنزین کشور بعد از ماه رمضان به بیش از ۸۳ میلیون لیتر رسیده است. از این رو می‌توان انتظار داشت این روزها حداقل ۱۶ میلیون لیتر بنزین وارد کشور شود.

آن‌طور که عباس کاظمی، مدیرعامل شرکت پالایش و پخش می‌گوید از ابتدای سال مصرف بنزین کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از ۸/۵ درصد رشد داشت. در حالی که پیش‌بینی می‌شد، امسال حداکثر رشد ۵ درصدی را تجربه کند. بنابراین با توجه به اینکه متوسط روزانه مصرف بنزین سال گذشته بیش از ۷۴ میلیون لیتر بوده است، می‌توان انتظار داشت مصرف امسال حداقل ۷۹ میلیون لیتر باشد که با توجه به رشد مصرف بنزین در ۴ ماه ابتدای سال می‌تواند حداکثر به ۸۳ میلیون لیتر در روز برسد. بنابراین حتی با وجود بهره‌برداری کامل از فاز اول ستاره خلیج فارس می‌توان پیش‌بینی کرد که واردات بنزین همچنان در سطح بالایی باقی بماند. بنابراین متوسط واردات بنزین بین ۱۲ تا ۱۶ میلیون لیتر در روز باقی

بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود آنکه سرانه خودرو (تعداد خودرو به ازای هر نفر) در ایران پایین است، اما مصرف بنزین نسبت به استانداردهای جهانی به شدت بالا است. موضوعی که به کیفیت پایین خودروها، عدم وضع مالیات و عوارض شهری به‌ویژه در کلان‌شهرها و همچنین ناهمگنی سفرها در تعطیلات مربوط می‌شود. بنابراین در صورتی که قیمت‌ها آزاد نشوند، این احتمال وجود دارد که بنزین نیز به سر نوشتی مشابه گاز مبتلا شود و دائماً با سیاست‌گذاری نامناسب، تمامی رشد تولید جذب مصرف کنندگان داخلی شود.

«مصرف بنزین از ۸۳ میلیون لیتر در روز عبور کرد» این خبر کوتاه روز گذشته در شرایطی اعلام شد که پیام «لزوم واقعی‌سازی قیمت سوخت» و هشدار پیشگیری از «ابتلای سر نوشت بنزین به روزگار گاز» را با خود به همراه دارد. قیمت بنزین طی دو سال گذشته ثابت مانده و اکنون باعث شده با وجود تولید روزانه ۶۷ میلیون لیتر بنزین در کشور همچنان نیاز به واردات ۱۶ میلیون لیتری وجود داشته باشد؛ یعنی هزینه‌ای حداقل برابر ۵ هزار میلیارد تومان در سال برای تامین بنزین به کشور تحمیل می‌شود. گرچه به گفته مسوولان «با افزایش تولید بنزین تا انتهای امسال ایران به جمع صادر کنندگان بنزین خواهد پیوست» اما با توجه به قیمت غیر واقعی بنزین در کشور و مصرف غیر معمول آن ممکن است کشورمان همچنان واردکننده سوخت باقی بماند. بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود آنکه سرانه خودرو (تعداد خودرو به ازای هر نفر) در ایران پایین است، اما مصرف بنزین نسبت به استانداردهای جهانی به شدت بالا است. موضوعی که به کیفیت پایین خودروها، عدم وضع مالیات و عوارض شهری به‌ویژه در کلان‌شهرها و همچنین ناهمگنی سفرها در تعطیلات مربوط می‌شود. بنابراین در صورتی که قیمت‌ها آزاد نشوند، این احتمال وجود دارد که بنزین نیز به سر نوشتی مشابه گاز مبتلا شود و دائماً با سیاست‌گذاری نامناسب، تمامی رشد تولید جذب مصرف کنندگان داخلی شود.

«آیا سر نوشتی که گاز کشور به آن دچار شده، در کمین بنزین است؟» این سوالی است که با انتشار خبر «اوج گرفتن مصرف بنزین کشور» و رسیدن آن به بیش از ۸۳ میلیون لیتر در روز، مطرح می‌شود. ماجرا به آنجا بازمی‌گردد که ایران با وجود داشتن بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان و داشتن رتبه سوم در تولید این ماده، سهم بسیار اندکی در تجارت گاز دارد چرا که شبکه وسیع گازرسانی کشور، در کنار الگوی غلط و عدم بهینه‌سازی مصرف، ایران را به یکی از بزرگ‌ترین مصرف کنندگان گاز جهان تبدیل کرده و موجب عقب افتادن کشور در بازار جهانی گاز شده و



قیمت‌های فوب خلیج فارس و دیگر کشورهای منطقه اصلاح نشود، فرقی ندارد در تولید بنزین خودکفا شده باشیم یا اینکه بخشی از نیاز کشور به سوخت را وارد کنیم. با عدم اصلاح قیمت‌ها در هر دو حالت به واسطه ارزان بودن قیمت سوخت و یارانه‌ای که دولت از محل درآمدهای نفتی برای ثابت نگه داشتن قیمت آن پرداخت می‌کند، متحمل زیان اقتصادی و از دست رفتن سرمایه‌های نفتی خواهیم بود.

علی شمس اردکانی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به اینکه قانون کنترل قیمت سوخت در کشور وجود دارد، در رابطه با لزوم اصلاح قیمت بنزین گفت: امروزه به علت گسترش شهرها، کاهش روستا نشینی، جوانی جمعیت و میلی که به تحرک در مسیرهای شهری و بین شهری وجود دارد، تولید خودرو با رشد همراه شده است. طبیعتاً رشد روزافزون خودروهایی تولیدی (بدون در نظر گرفتن اینکه میزان مصرف سوخت آنها استاندارد است یا خیر) به سوخت نیاز دارند، در این میان باید توجه کرد که برای تولید هر یک لیتر بنزین، چیزی حدود ۲/۲ لیتر نفت خام مورد نیاز است؛ این در حالی است که قیمت هر لیتر بنزین در داخل کشور حدود ۳۰ سنت است اما هر ۲/۲ لیتر نفت خام با در نظر گرفتن قیمت حدود ۵۰ دلاری چیزی حدود ۷۰ سنت می‌شود. در

بنزین از سوی کارشناسان مطرح می‌شود. نوفرستی در این خصوص با بیان اینکه طی دو سال گذشته قیمت روی یک هزار تومان ثابت مانده است، می‌گوید: در دو سال گذشته حداقل ۱۰ درصد تورم داشته ایم و ثابت ماندن قیمت بنزین به این معناست که هر سال حداقل ۱۰ درصد قیمت بنزین برای مصرف کننده کاهش یافته است. به گفته وی، ثابت ماندن قیمت سوخت موجب شده که جامعه به قیمت یک هزار تومانی عادت کند و حساسیت به این سطح قیمتی از بین برود که این خود به عنوان محرکی برای رشد قیمت‌ها عمل می‌کند. وی با بیان اینکه تنها افزایش قیمت‌ها مانع از رشد مصرف نمی‌شود، می‌گوید: «اما رشد قیمت‌ها شرط ضروری برای کنترل مصرف است.»

چرا قیمت بنزین باید اصلاح شود؟

اما کارشناسان عقیده دارند «واقعی کردن قیمت بنزین» راهکاری است که دولت‌ها باید با جسارت و آینده‌نگری به آن ورود کنند. از نگاه این کارشناسان اگرچه اصلاح قیمت بنزین منجر به رشد آن خواهد شد و این امر از نگاه دولت‌ها «حساسیت برانگیز» است و ممکن است نمره‌های منفی در کارنامه آنها به شمار برود، اما از دیگر سوسوزاندن «بنزین ارزان» مصداق بارز «آتش زدن مال است.» بنابراین تا زمانی که قیمت بنزین در داخل کشور بر اساس

مصرف انرژی کشور داشته باشد، می‌گوید: در ایران همه تمرکز بر تولید انرژی اعم از تولید بیشتر نفت و گاز است و این در حالی است که ارزان‌ترین راه تامین مصرف انرژی بهینه‌سازی مصرف است. در این میان افزایش تعداد خودرو در سال جاری که پیش بینی می‌شود رشد ۱۱ درصدی معادل ۶۰۰ هزار خودرو را تجربه کند، یکی دیگر از دلایل مهم رشد مصرف بنزین است، این در حالی است که عدم نظارت کافی بر ساخت خودرو، رشد مصرف بنزین را تشدید کرده است.

در این میان کارشناسان نامناسب بودن قوانین شهری را یکی از دلایل مهم رشد مصرف بنزین در ایران می‌دانند. بررسی قوانین شهری و مقایسه آن با استانداردهای قوانین شهری در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد، نبود عوارض برای استفاده از خودرو در داخل شهرها، ساخت بیش از حد استاندارد بزرگراه‌های درون شهری و نبود سیستم حمل و نقل عمومی مناسب از دیگر موارد تحریک رشد مصرف بنزین در داخل کشور است. اما آن‌طور که کارشناسان می‌گویند مهم‌ترین عامل رشد مصرف بنزین در قیمت پایین این سوخت خلاصه می‌شود که این علاوه بر رشد مصرف، انگیزه‌ای برای قاچاق سوخت به کشورهای همسایه شده است. «عدم رشد قیمت بنزین» در کشور ظرف دو سال گذشته به عنوان یکی از عوامل رشد مصرف



انرژی دلیل موثر نبودن کاهش قیمت سسی ان جی در اقبال به مصرف این سوخت را، وجود مشکلات دیگر می‌داند. به گفته وی، برخی قوانین سختگیرانه که سال گذشته از سوی وزارت نفت وضع و موجب بسته شدن تعداد بسیاری از کارگاه‌های ساخت مخزن سسی ان جی شد، مصرف‌کنندگان را با مشکل مواجه کرده و یکی از عوامل عدم استقبال از سوخت سسی ان جی است.

نوفرسستی که یکی از مدافعان تداوم استفاده از کارت سوخت در جایگاه‌ها است، بر قراری مجدد سامانه کارت سوخت را در کنترل مصرف بنزین مفید می‌داند. وی بر این باور است که با حذف کارت سوخت، قاچاق در مرزهای کشور افزایش یافته و حدود ۵ میلیون لیتر از ۸۳ میلیون لیتر آمار مصرف روزانه مربوط به قاچاق بنزین است. این در حالی است که مدیرعامل پالایش و پخش فرضیه افزایش قاچاق را رد کرده و می‌گوید: «در شهرهای مرزی مصرف بنزین تنها ۳ تا ۴ درصد رشد داشته که از متوسط رشد مصرف بنزین کشور بسیار پایین‌تر است، از این رو نمی‌توان گفت که قاچاق موجب رشد مصرف بنزین شده است.» در مجموع باید گفت اصلاح قیمت سوخت در کنار اصلاح قوانین شهری، اصلاح الگوی مصرف، بهینه‌سازی مصرف سوخت و تقویت استفاده از سوخت‌های جایگزین از جمله سسی ان جی از مهم‌ترین راه‌های برون رفت از دام رشد مصرف بنزین کشور است.

و در مقابل به جای پول نقد، کالا و پوشاک ترکیه‌ای به داخل کشور قاچاق می‌شود و این معادله‌ای دوسر زبان برای اقتصاد کشور و در جهت از بین رفتن مشاغل است.

راه‌حل‌های کنترل مصرف

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش استفاده کامل از ظرفیت ۴۰ میلیون مترمکعبی سسی ان جی کشور را از راه‌حل‌های معضل رشد مصرف بنزین کشور می‌داند. به گفته وی در حال حاضر تنها نیمی از این ظرفیت یعنی ۲۰ میلیون مترمکعب در روز مورد استفاده است. نوفرسستی نیز مانند مدیرعامل پالایش و پخش توسعه استفاده از سوخت CNG را یکی از محرک‌های مهم کاهش مصرف بنزین می‌داند. وی با بیان اینکه طی سال‌های گذشته میزان مصرف این سوخت از ۲۰ میلیون مترمکعب فراتر نرفته است، می‌گوید: قرار بود تا پایان دولت یازدهم مصرف CNG به ۳۰ میلیون مترمکعب در روز برسد و در صورت عملی شدن این برنامه حدود ۱۰ میلیون لیتر از مصرف روزانه بنزین کاسته می‌شد. نوفرسستی با بیان اینکه قیمت این نوع سوخت به نسبت قیمت بنزین بسیار کاهش یافته است، می‌گوید: زمانی که قیمت بنزین آزاد ۷۰۰ تومان بود، هر مترمکعب سسی ان جی ۵۰۰ تومان عرضه می‌شد، اما در حال حاضر در حالی که بنزین ۱۰۰۰ تومان است، قیمت هر مترمکعب سسی ان جی ۴۵۰ تومان است. این کارشناس

واقع‌روایی که در کشور وجود دارد، هزینه کردن بیش از ۷۰ سنت برای تولید یک لیتر بنزین و فروش آن با قیمت حدوداً ۳۰ سنت است. این روش نه تنها به معنای از بین بردن نفت خام به معنای سرمایه ملی و سوخت کردن آن است، بلکه با توجه به ارزان‌تر بودن قیمت آن نسبت به فوب خلیج فارس یا ترکیه، منجر به قاچاق آن می‌شود.

شمس اردکانی در ادامه با اشاره به اینکه اختصاص بیش از اندازه نفت خام به تولید بنزین می‌تواند تولید دیگر محصولات را با عدم توازن همراه سازد، گفت: حتی اگر بخواهیم میعانات گازی را جایگزین نفت خام کنیم و از این محصول به بنزین دست پیدا کنیم، بازماند بیشتری نیز همراه خواهیم بود زیرا میعانات گازی در هر بشکه حدود ۶۰ دلار است و محاسبات نشان می‌دهد با قیمت فعلی سوخت در کشور، برای تولید بنزین از هر یک بشکه میعانات گازی با ۳۰ دلار زیان همراه هستیم. از نگاه رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران در کنار توجه به نوع تولید، قیمت‌گذاری همچنان از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا این قیمت از آن است که باعث رشد تقاضا می‌شود. شمس اردکانی در این زمینه می‌گوید: ما باید دست‌کم در بخش‌هایی مانند مرز ترکیه، قیمت سوخت را به ۸۰ درصد قیمت در این کشور برسانیم تا از قاچاق سوخت جلوگیری شود زیرا در حال حاضر اختلاف قیمت باعث قاچاق سوخت به عنوان سرمایه ملی به این کشور می‌شود

۷ تا ۱۰ سال زمان نیاز است تا سطح درآمد خانوار به سال ۸۶ برسد



مسعود نیلی مشاور اقتصادی رییس جمهور گفت: «امروز ظرفیت صنعت کشور تقریباً دو برابر سال ۸۱ شده، اما سطح تقاضا به اندازه سال ۸۱ است.»

نیلی در همایش پنجاهمین سالگرد تاسیس سازمان گسترش با اعلام این که هنوز یک مدل توسعه صنعتی در کشور وجود ندارد، اظهار داشت: در سال ۸۰ اقداماتی برای تهیه یک مدل صنعتی برای کشور انجام شد، اما هنوز نتوانسته ایم یک سند یکپارچه در این بخش مصوب کنیم. وی به نقش سازمان گسترش و نوسازی به توسعه صنایع کشور اشاره کرد و عنوان کرد: از گذشته تا به امروز یک استراتژی نانوشته در صنعت تعریف شد که بر اساس آن، اولویت دادن به بازار داخلی بود. این موضوع حتی در بدو تاسیس ایدروحتی بر نامه ششم توسعه نیز مورد توجه قرار گرفته بود.

مشاور اقتصادی رییس جمهور اضافه کرد: متأسفانه تاکنون صنعت برونگرد و صادرات محور نداشته ایم؛ صنعت باید برای توسعه خود علاوه بر بازار داخلی به فکر حضور پررنگ در بازارهای صادراتی نیز باشد. امروز باید به این موضوع توجه شود که تا چه میزان تقاضا با ظرفیت های فعلی صنعت مطابقت دارد.

نیلی در رابطه با واژه رکود و تعریف های مختلفی که از آن در سال های اخیر انجام می شود، اظهار داشت: بازار داخلی در سال های ۸۶ تا ۹۲ شاهد اتفاقاتی بود که اثرات ماندگاری آنها به این سادگی رفع نخواهد شد.

وی تصریح کرد: در سال ۹۲ متوسط درآمد خانوارهای شهری نسبت به سال ۸۶ حدود ۲۲ درصد کاهش پیدا کرده بود که این موضوع اصلاً سابقه نداشت. در آن شرایط بخش بزرگی از محصولات صنعتی با یک کاهش درآمد روبه رو شد. حتی متوسط درآمد خانوارهای روستایی نیز در سال ۹۲ نسبت به سال ۸۶ حدود ۳۸ درصد کاهش پیدا کرد. این موضوع نشان می دهد سطح تقاضا برای محصولات مختلف صنعتی کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است.

نیلی عنوان کرد: در حوزه سرمایه گذاری نیز میزان سرمایه گذاری ها در سال ۹۲ تقریباً به میزان سال ۸۰ بوده است. در همین راستا میزان تقاضا برای کالای سرمایه ای نیز روند نزولی داشته است. در این شرایط دولت میزان مخارج دولت نیز مثل سال های ۸۰ و ۸۱ بود.

وی افزود: به عبارتی صنعت به اندازه سال ۸۰ و ۸۱ متقاضی داشتند؛ در حالی که ظرفیت این حوزه از آن سال ها تا به امروز افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. البته باید تاکید کنم با اضافه شدن پول این تقاضا افزایش پیدا نمی کند. ۷ تا ۱۰ سال زمان نیاز است تا سطح درآمد خانوار به

سال ۸۶ برسد.

مشاور اقتصادی رییس جمهور با تاکید بر این که روند افزایش ظرفیت صنعت با میزان تقاضا همخوانی ندارد، گفت: در سال ۹۰ و ۹۱ ما شاهد رشد منفی صنعت بودیم که این میزان در زمان جنگ نیز بی سابقه بوده، اما در حال حاضر ظرفیت صنعت کشور تقریباً دو برابر سال ۸۱ شده، اما سطح تقاضا به اندازه سال ۸۱ است.

نیلی متذکر شد: امروز شکاف بین ظرفیت صنعت و تقاضا وجود دارد که اثر عینی آن بروز مشکلات برای واحدهای تولیدی است، البته واحدهای تولیدی می گویند با کمبود نقدینگی روبه رو هستند و متقاضی منابع مالی هستند، اما مشکل جدی تر از این حرف ها است. اگر فکری به حال صنعت نشود، این بخش نصف شده و به مرور کوچک خواهد شد و مشکل بیکاری و مسایل دیگر اتفاق خواهد افتاد.

وی تنها راه افزایش تقاضا در بازار را توجه به بازار داخلی

مسعود نیلی مشاور اقتصادی رییس جمهور

گفت: به عبارتی صنعت به اندازه سال ۸۰ و ۸۱ متقاضی داشتند؛ در حالی که ظرفیت این حوزه از آن سال ها تا به امروز افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. البته باید تاکید کنم با اضافه شدن پول این تقاضا افزایش پیدا نمی کند

و خارجی دانست و گفت: صنعتگران ما اولویت را روی صادرات بگذارند، اما عمل به این مساله راحت نیست و با دشواری های زیادی همراه است.

وی افزود: صنعتی که فقط به بازار داخلی اکتفا کرده، به راحتی نمی تواند وارد بازار صادراتی، آن هم بدون تکنولوژی شود. در این مسیر باید اقدامات لازم انجام شود.

نیلی تصریح کرد: علاوه بر کاهش تقاضا در اقتصاد کشور، ترکیب تقاضا نیز تغییر کرده است. ما برای رفع مشکلات نیازمند یک دوره گذر هستیم تا بنگاه ها به سمت بنگاه های صادراتی پیش بروند.

مشاور اقتصادی رییس جمهور با اعلام این که خود به ود اشتغال به وجود نمی آید، تصریح کرد: برای این که بنگاه ها به سمت صادرات پیش بروند، باید تغییری در آنها ایجاد شود. در همین زمینه نقش سازمان گسترش و نوسازی بسیار پررنگ است و باید از این فرصت استفاده کند و با بهبود کسب و کار و جذب سرمایه گذاری خارجی اقدامات لازم را برای ارتقای بنگاه ها برای رقابت در بازارهای صادراتی انجام دهد.

نیلی خاطر نشان کرد: اقتصاد ما چاره ای جز برونگرداری ندارد. نمیتوانیم به بانک ها فشار بیاوریم که پول به واحدهای تولیدی بدهند و از آن طرف واحدهای تولیدی نتوانند پول بانک ها را بازگردانند. بازارهای بازاریابی صادراتی را گسترش دهیم.

مسیر یاب فصلی خانه‌اولی‌ها

متقاضیان خرید مسکن معمولاً سه مولفه «قیمت»، «متر اژ» و «محل» را در اولویت جست‌وجو قرار می‌دهند که از بین آنها، نحوه «انتخاب محل» نقشی تعیین‌کننده در طول زمان جست‌وجو، کیفیت خرید و تحرک کل بازار دارد. نسخه مسیر یاب خانه‌اولی‌ها نشان می‌دهد برای اطمینان از موجودی «کوچک‌متر اژ»‌ها در محله مورد نظر باید «پیش‌انتخاب» جایگزین «انتخاب قطعی» محل شود تا جست‌وجوی فرسایشی اتفاق نیفتد.

وقوع یک خطا در جست‌وجوی ملک از سوی متقاضیان مصرفی خرید مسکن در فصل حساس کنونی که فرصت طلایی بخش مسکن برای خروج از رکود محسوب می‌شود، ممکن است مسیر بازار را با پنج آسیب مواجه کند که نتیجه آن تاخیر در حرکت بازار از فاز «پیش‌رونق» به «رونق» است. تحقیقات میدانی از دلان ملک نشان می‌دهد با وجود تقاضای موثر در بازار مسکن، حجم معاملات ماهانه مسکن هنوز به میزان مورد انتظار بالانرفته است.

هر چند هنوز آمار رسمی معاملات تیر ماه منتشر نشده است اما واسطه‌ها از میزان مراجعات و نیز حجم فروش، تغییر فاز بازار از «پیش‌رونق» به «رونق» را احساس نمی‌کنند و در بهترین حالت، شاهد ارتقای حجم معاملات در سطح پیش‌رونق هستیم. دلایل متعددی برای این درجا زدن بازار در فاز پیش‌رونق وجود دارد که فعالان بازار به آن اشاره می‌کنند. نوسان افزایشی قیمت نوسازها یکی از این عوامل است و از آن مهم‌تر نرخ بازدهی بالای بازار رقیب مسکن است که موجب شده کسانی که اندوخته‌ای مناسب برای ورود به بازار مسکن دارند، موجودی خود را در بانک‌ها که سود بالایی می‌پردازند، سپرده‌گذاری کنند و بعد از طی دوره زمانی، با پول بیشتری وارد فضای خرید شوند؛ به ویژه از این بابت که چشم‌اندازی از افزایش قیمت مسکن در بازار مشاهده نمی‌کنند. اما در کنار این عوامل اثرگذار بر تاخیر رونق معاملات، یک «رفتار آسیب‌رسان» در خریداران نیز بر میزان رخوت بازار مسکن اثر گذاشته است.

در حال حاضر متقاضیان خرید مسکن قبل از ورود به بازار برای جست‌وجوی ملک سه مولفه را در نظر می‌گیرند که نخستین مولفه، «قیمت» است. آنها بر اساس منابع مالی و تسهیلاتی که می‌توانند فراهم کنند، درباره مولفه قیمت ملک مورد جست‌وجوی خود تصمیم می‌گیرند. مولفه دوم که بلافاصله بعد از قیمت لحاظ می‌شود، «متر اژ» است که خریداران بعد از تعیین قدرت خرید خود، دامنه آن را تعیین می‌کنند. البته برای تعیین این مولفه عمر بنا نیز باید لحاظ شود تا متر اژ قابل تملک مشخص شود. هر چند در گام اول و بدون لحاظ شرایط، همه خریداران

آپارتمان‌نوساز را ترجیح می‌دهند اما ممکن است با عبور از این شرط بتوانند متر اژ مناسب‌تری برای ملک خود تعیین کنند که با نیازشان تناسب بیشتری داشته باشد. مولفه سوم که پیش از ورود به بازار باید لحاظ شود، «محل» مورد نظر برای خرید یا سکونت است. برای تصمیم‌گیری درباره این مولفه پیش‌شرطی وجود دارد که از سوی عده‌ای رعایت آن می‌تواند مسیر خرید آنها در نهایت مسیر بازار معاملات مسکن را دچار انحراف کند. این مسیر انحرافی می‌تواند پنج آسیب به خریدار و بازار مسکن وارد کند و از این رو حذر کردن از آن ضروری است.

بسیاری از خانه‌اولی‌ها یا کسانی که برای تبدیل به احسن کردن ملک خود قصد تملک خانه‌های ۷۰ تا ۵۰ متر مربعی را دارند، بیش از سایر متقاضیان خرید دچار نوعی رفتار اشتباه درباره تعیین مولفه سوم یعنی مشخص کردن محل مورد نظر خود برای خرید آپارتمان می‌شوند و به خود و بازار معاملات آسیب وارد می‌کنند. ۴۰ درصد از متقاضیان خرید آپارتمان مسکونی در شهر تهران به دنبال تملک واحدهای حداکثر ۷۰ متر مربعی هستند که ۳۰ درصد از آن مربوط به واحدهای ۷۰ تا ۵۰ متر مربعی است که تقاضای بیشتری از ریزمتر اژها دارند. در حالی که عمده تقاضا در این دامنه مساحت وجود دارد، اما تعداد آپارتمان‌های با این متر اژ در محله‌ها و مناطق مختلف تهران با نوسان شدید روبه‌رو است.

در تهران محله‌هایی وجود دارد که عمده آپارتمان‌ها در آن بیش از ۱۰۰ متر مربع مساحت دارد و حجم تخریب و نوسازی در آنها کمتر از دیگر مناطق و محله‌ها بوده است.

در حال حاضر متقاضیان خرید مسکن قبل از ورود به بازار برای جست‌وجوی ملک سه مولفه را در نظر می‌گیرند که نخستین مولفه، «قیمت» است. آنها بر اساس منابع مالی و تسهیلاتی که می‌توانند فراهم کنند، درباره مولفه قیمت ملک مورد جست‌وجوی خود تصمیم می‌گیرند. مولفه دوم که بلافاصله بعد از قیمت لحاظ می‌شود، «متر اژ» است که خریداران بعد از تعیین قدرت خرید خود، دامنه آن را تعیین می‌کنند. البته برای تعیین این مولفه عمر بنا نیز باید لحاظ شود تا متر اژ قابل تملک مشخص شود. هر چند در گام اول و بدون لحاظ شرایط، همه خریداران آپارتمان‌نوساز را ترجیح می‌دهند اما ممکن است با عبور از این شرط بتوانند متر اژ مناسب‌تری برای ملک خود تعیین کنند که با نیازشان تناسب بیشتری داشته باشد

در این نقاط واحدهای ۷۰ تا ۵۰ متر مربعی «تک فایل» محسوب می‌شود و این در حالی است که محله‌های بسیار دیگری در شهر تهران حاوی بیشترین آپارتمان‌های کوچک و حداکثر میان‌متر اژ هستند و اتفاقاً واحدهای بزرگ‌متر اژ در آنها بسیار کمتر است.

برای اینکه این خطا از سوی خریداران در حال جست‌وجو تکرار نشود، کارشناسان یک نسخه مسیر یاب را توصیه می‌کنند که در قالب آن به جای اینکه از ابتدا برای مولفه «محل» مورد نظر برای خرید، تصمیم‌گیری قطعی شود، ابتدا یک «پیش‌انتخاب» صورت می‌گیرد. این پیش‌انتخاب به معنای این است که خریدار ابتدا بررسی کند دامنه متر اژی که در نظر دارد، در محله‌ای که مدنظر دارد وجود دارد. برای پی بردن به این موضوع علاوه بر روش سنتی مراجعه به بنگاه‌ها و پرس‌وجو از مشاوران املاک، می‌توان از طریق موتورهای جست‌وجوی معتبر ملکی و نیز آگهی‌های تبلیغاتی مندرج در نیازمندی‌های مسکن نیز به تحلیلی از وجود داشتن یا نداشتن واحدهای ۵۰ تا ۷۰ متر مربعی در یک محله رسید. اگر نتیجه این تحقیق مثبت بود، آنگاه این محله را به‌عنوان انتخاب قطعی خود برای جست‌وجوی آپارتمان انتخاب کنند و مسیر یافتن واحد مسکونی متناسب با بودجه و ویژگی‌های مدنظر خود را دنبال کنند. ورود به فاز جست‌وجو بدون طی مسیر این پیش‌انتخاب، رفتاری است که پنج آسیب را متوجه خریدار و بازار می‌کند. به اعتقاد کارشناسان، اگر در فصل تابستان که فرصت طلایی خروج کامل از رکود محسوب می‌شود، موتور معاملات مسکن به شکل پایدار روشن شود، بازار مسکن فاز پیش‌رونق را ترک می‌کند و معاملات وارد فاز رونق می‌شود.

اما انتخاب محله بدون توجه به وجود آپارتمان‌های در دامنه متر اژ مدنظر خریدار که رفتاری است که عموماً از خانه‌اولی‌ها سر می‌زند، موجب وقوع پنج آسیب به خریدار و بازار مسکن می‌شود که می‌تواند رونق معاملات را به تاخیر بیندازد و اگر فرصت تابستانی بازار ملک از دست برود، بعید است در نیمه دوم امکان تغییر فاز بازار به رونق فراهم شود. نخستین آسیب «طولانی شدن فرآیند جست‌وجو و بازارگردی متقاضیان خرید مسکن» است. طبقا کسانی که از کم و کیف متر اژ غالب واحدهای مسکونی در محله مورد جست‌وجوی خود مطلع نباشند، ممکن است زمان زیادی را به جست‌وجوی واحدهایی با دامنه متر اژ کوچک و میان‌متر اژ اختصاص دهند و نتیجه‌ای عایدشان نشود؛ بنابراین آنها ناچار می‌شوند بازارگردی طولانی‌تری داشته باشند تا واحد مدنظر خود را بیابند.

دومین آسیب ناشی از غفلت از پیش‌انتخاب محله،



میان فایل‌های متعدد، ملک مورد نظر خود را جست‌وجو و معامله خواهند کرد و ممکن است زمانی که متقاضی خرید به خطای خود پی می‌برد، عملاً بسیاری از املاک متناسب با جنس تقاضای او فروش رفته باشد.

غفلت از پیش‌انتخاب محله برای متقاضیان مصرفی و عموماً خانه اولی مسکن که اکنون بیش از دیگر گروه‌های خریدار مسکن در بازار حضور دارند، می‌تواند آسیب دیگری را هم متوجه بازار مسکن کند و مانع از حرکت رو به جلوی بازار از فاز پیش رونق به رونق شود. طبعاً خطا در انتخاب محله با توجه به اینکه ممکن است موجب طولانی شدن فرآیند بازار گردد خریداران، ناگزیری نسبت به خرید به قیمت‌های بالا و نامتعارف، از دست رفتن شانس دسترسی به فایل مناسب و حتی انصراف موقت از خرید توسط متقاضیان خرید آپارتمان شود، در نتیجه تاخیر در رونق رانیز به دنبال خواهد داشت. بنابراین به منظور تسریع در بازگشت رونق به بازار، کارشناسان مسکن استفاده از نسخه مسیریاب برای جست‌وجوی ملک را که مبتنی بر پیش‌انتخاب محله و تحقیق درباره تعداد واحدهای کوچک و میان‌متر از در آنها قبل از جست‌وجوی نهایی است را به متقاضیان خرید مسکن به ویژه خانه‌اولی‌ها توصیه می‌کنند.

باشد، این رویه متعارف بازار به شکل عمیق‌تری مصداق پیدا می‌کند و خریداران ناچار می‌شوند قیمت‌های بالاتری بابت تملک هر متر مربع آپارتمان مسکونی در محله‌ای که کوچک‌متر ازها نادر هستند، بپردازند. به بیان دیگر، خریداران در مسیر جست‌وجوی خود در محله‌ای که فاقد آپارتمان‌های ۷۰ تا ۵۰ متر مربعی است، دچار خطا شده و تصور می‌کنند فایل قیمت مناسب در این دامنه مساحت پیدا نمی‌شود و با پرداخت بهای بالاتر، ناگزیر اقدام به تملک تک‌فایل‌های موجود با قیمت نامتعارف می‌کنند.

«از دست رفتن شانس دسترسی به فایل مناسب و در نتیجه خرید مناسب در بازار مسکن» آسیب چهارمی است که خریداران را در صورت بی‌توجهی به پیش‌انتخاب محله، تهدید می‌کند. در صورتی که خریداران زمان زیادی را متأثر از مسیر انحرافی جست‌وجو در بازار هدر دهند، طبعاً فرصت ارزیابی و خرید آپارتمان در محله‌های دیگر که فایل‌های کوچک و میان‌متر از به لحاظ تعداد به دیگر بازه‌های متر از غالب هستند را از دست می‌دهند. هنگامی که آنها زمان طولی را صرف یافتن تک‌فایل‌های ۷۰ تا ۵۰ متری در محله‌های میزبان آپارتمان‌های بالای ۱۰۰ متر مربع می‌کنند، خریداران دیگری در محله‌های دیگر به راحتی از

«ناکامی در انتخاب نهایی و در نتیجه تقویت احتمال انصراف از خرید» است. طبعاً بی‌توجهی به نبود فایل‌های ۷۰ تا ۵۰ متر مربعی در یک محله، جست‌وجو را با شکست روبه‌رو می‌کند و متقاضیان خرید مسکن از نتیجه‌بخش بودن تلاش برای خانه‌دار شدن دلسرد می‌شوند و ممکن است حتی با این تصور که بودجه آنها برای خانه‌دار شدن کافی نیست، بازار را برای مدت نامعلومی ترک کنند.

«قیمت بالا و نامتعارف تک‌فایل‌ها» آسیب دیگری است که خریداران واحدهای ۷۰ تا ۵۰ متر مربعی را تهدید می‌کند. به طور کلی قیمت فایل‌های ریز و کوچک‌متر از که تا ۶۰ متر مربع مساحت دارند، نسبت به قیمت متعارف هر محله قدری بیشتر است. این بالاتر بودن قیمت از نوعی ناگزیری خریداران املاک ریز‌متر از به دلیل بودجه محدودی که در اختیار دارند نشأت می‌گیرد. در واقع فروشندگان با اطلاع از محدودیت خریداران متقاضی این واحدها و با توجه به اینکه اگر متقاضیان خرید این قیمت را نپذیرند، به دلیل محدودیت مالی گزینه دیگری در واحدهای بزرگ‌تر ندارند، قیمت پیشنهادی خود را قدری بالاتر اعلام می‌کنند. این وضعیت به عرف بازار مسکن تبدیل شده است اما اگر در محله‌ای تعداد واحدهای کوچک و میان‌متر از اندک، استثناً و در واقع «تک‌فایل»

اقتصاد «بانک محور» جواب می‌دهد یا «بازار محور»؟



بانک‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا نیز موید این موضوع است که اساساً مهم نیست که سهم بازار سرمایه یا بانک از تامین مالی چقدر است و این موضوع به عنوان یکی از معیارهای پیشرفت اقتصاد مطرح نمی‌شود، بلکه مهم این است که کیفیت خدمات مالی ارائه شده در هر بازاری بالا باشد و هر بازار کار خود را به درستی انجام دهد. بانک محور یا بازار محور بودن به دلیل شرایط اقتصادی هر کشور است و به نوعی معلول شیوه‌ها و ابزارهای تامین مالی است. علاوه بر این به نظر می‌رسد در هر اقتصادی، نخست بانک محور بودن ملاک قرار گرفته؛ اما با پیشرفت ابزارهای مالی، سهم بازار سرمایه نیز از میزان تامین مالی به خصوص در بنگاه‌های بزرگ افزایش یافته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، بیش از آنکه حجم بازار سرمایه در تامین مالی

در بازار سرمایه و در بازار پول، می‌تواند بر توسعه مالی اثر مثبت بگذارد و در نتیجه توسعه مالی نیز بستر لازم را برای تقویت رشد اقتصادی مهیا می‌کند.

ابهام در اندازه بازار

یکی از موضوعات مطرح در مورد نظام پولی و بانکی کشور، بانک محور بودن آن است و برخی از کارشناسان یکی از راهکارهای عبور از بحران بانکی را افزایش سهم بازار سرمایه در تامین مالی عنوان می‌کنند. این تغییر در ساختار تامین مالی انتقادهایی نیز در پی داشته است؛ به طوری که معتقدند تنها با فاصله گرفتن از بانک محوری و عمیق کردن بازار سرمایه نمی‌توان بر مشکلات سیستم بانکی فائق آمد. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» از ساختار مالی

به استناد تجربه ۴۸ کشور پیشرفته و در حال توسعه، بانک محور یا بازار محور بودن اقتصاد رابطه مستقیمی بر رشد اقتصادی ندارد، بلکه کارایی و توسعه یافتگی بخش‌های تامین مالی اعم از بانک یا بازار سرمایه اهمیت دارد. مطابق یافته‌های این پژوهش، بستر اصلی رشد اقتصادی وجود یک چارچوب مناسب حقوقی و شفاف در بازار سرمایه و در بازار پول است.

یافته‌های یک پژوهش با بررسی ۴۸ کشور «پیشرفته» و «در حال توسعه» نشان می‌دهد که بانک محور یا بازار محور بودن اقتصاد رابطه مستقیمی بر رشد اقتصادی ندارد، بلکه مهم این است که بخش‌های تامین مالی اعم از بانک یا بازار سرمایه، توسعه یافته و کارآ باشند. مطابق یافته‌های این پژوهش، وجود یک چارچوب مناسب حقوقی و شفاف

اقتصاد کشور مهم باشد، بهره‌گیری از ابزارها و ظرفیت‌های جدید به شیوه درست در اقتصاد اولویت دارد. مطابق این بررسی‌ها برخی کشورهای توسعه‌یافته مالی مانند ژاپن و آلمان بانک محور و کشورهایمانند انگلستان و آمریکا بازار محور هستند و هر دو گروه نیز نظام مالی پیشرفته‌ای دارند.

سهم بانک در اقتصاد ایران

تامین مالی به شکل عمده در اقتصاد کشور از سه طریق بازار پول یا همان نظام بانکی، بازار سرمایه و تامین مالی خارجی انجام می‌شود. بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده در سال ۹۴، از ۵۳۰ هزار میلیارد تومان کل تامین مالی از طریق این سه بازار، حدود ۴۲۰ هزار میلیارد تومان آن از طریق شبکه بانکی، ۱۰۳ هزار میلیارد آن از طریق بازار سرمایه و ۷ هزار میلیارد آن از طریق تامین مالی خارجی انجام شده است. به این ترتیب، سهم بازار پول از تامین مالی کشور، در سال ۹۴ حدود ۷۹/۱ درصد و سهم بازار سرمایه تقریباً ۱۹/۱ درصد بوده است. این در حالی است که سهم بازار سرمایه در سال ۹۳ حدود ۹/۲ درصد بوده است. این افزایش حدود ۱۰ واحد درصدی به دلیل افزایش سهم صندوق‌های سرمایه‌گذاری در کشور بوده که در صورت حذف آن، سهم بازار سرمایه در کشور به حدود ۹ درصد در سال ۹۴ کاهش پیدای می‌کند که تغییر چشمگیری با سال‌های گذشته نداشته است. سهم تامین مالی خارجی نیز در سال ۹۴ حدود ۱/۴ درصد بوده که به نسبت سال قبل از آن ۰/۲ واحد درصد کمتر شده است. بنابراین، با توجه به سهم بالایی که بانک‌های کشور در تامین مالی دارند اقتصاددانان سیستم تامین مالی کشور را بانک محور دانسته و برخی کارشناسان همین امر را سبب افزایش فشار به شبکه بانکی کشور می‌دانند. در این راستا، یکی از راهکارهای پیشنهاد شده برای حل معضل نظام بانکی کشور تغییر ساختار تامین مالی کشور از بانک محوری به بازار محوری عنوان شده است. از سوی دیگر این تغییر ساختار با انتقادهایی نیز روبرو است. صاحب نظران این حوزه معتقدند اینکه با افزایش سهم بازار سرمایه از تامین مالی مشکلات بخش بانکی کمتر می‌شود، تصور اشتباهی است. این اشتباه از اینجا نشأت می‌گیرد که فعالان بخش بانکی گمان می‌کنند با فاصله گرفتن از تامین مالی بانک محور، قرار است بدون اینکه منابع مالی از بانک‌ها به سمت بازار سرمایه برود، بخشی از بار تامین مالی بر عهده بازار سرمایه گذاشته شود. این در حالی است که وقتی ساختار مالی یک کشور به سمت بازار سرمایه سوق پیدا کند، در واقع تجهیز و تخصیص منابع با ابزار بهتری در این بازار شکل می‌یابد. در نتیجه بدون حل مشکلات بانکی، نمی‌توان با عمیق‌تر کردن بازار سرمایه و کاهش سهم بازار پول از تامین مالی، مشکلات سیستم بانکی را حل کرد و باید در کنار آن سیاست‌های مکملی در راستای بهبود کارایی فرآیند بانکی نیز در دستور کار قرار گیرد.

تفاوت نسبت تامین مالی در دنیا

نگاهی به ساختار تامین مالی در سایر کشورها

به خصوص کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که بیش از آنکه حجم بازار سرمایه در تامین مالی اقتصاد کشور مهم باشد، بهره‌گیری از ابزارها و ظرفیت‌های جدید به شیوه درست در اقتصاد اولویت دارد. مطالعات نشان می‌دهد که هر چند ابزارهای بازار سرمایه مانند سهام یا اوراق قرضه منتشر شده سهم معناداری در منابع تامین مالی برای بعضی سیستم‌های مالی داشته‌اند، اما همچنان تسهیلات بانکی بزرگ‌ترین منبع تامین مالی در کشورهای پیشرفته هستند.

بررسی ساختار نظام مالی ایالات متحده و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که این دو ساختار مالی تفاوت‌های آشکاری از لحاظ حجم بازار سرمایه و همین‌طور اندازه نظام بانکی دارند. به صورت اجمالی می‌توان گفت که ایالات متحده دارای بازار سرمایه بزرگ و بخش بانکی کوچک است در حالی که اتحادیه اروپا بخش بانکی بزرگی دارد و سهم بازار سرمایه آن از تامین مالی به مراتب کوچک‌تر است. مطالعات نشان می‌دهد که اندازه بازار سرمایه یا بخش بانکی در این زمینه اهمیت چندانی ندارد و گاهی بزرگ‌ترین شرکت‌ها در ایالات متحده و اتحادیه اروپا، از هر دو طریق تامین مالی می‌کنند. اما به‌طور کلی نتایج مطالعات نشان می‌دهد اگرچه تامین مالی در بازار سرمایه آمریکا، شفاف‌تر و آسان‌تر صورت می‌گیرد، اما همچنان به دلیل وجود ریسک در تامین مالی بلندمدت، به خصوص در زمان بروز یک بحران در اقتصاد و اثر آن بر نوسان شاخص بازارها، در حال حاضر بسیاری از بنگاه‌ها تمایل دارند تامین مالی را از طریق بازار پول انجام دهند. همچنین باید اشاره کرد که تامین مالی شرکت‌ها از بازار سرمایه نیاز به ارزیابی ریسک با استفاده از ابزار پیشرفته است، در غیر این صورت ریسک بازار سرمایه به شرکت‌ها منتقل خواهد شد.

تفاوت نسبت تامین مالی در آمریکا و اروپا

به‌طور میانگین، مقایسه نسبت بازار سرمایه به مجموع بازار سرمایه و تامین مالی بانک‌ها بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که در آمریکا این نسبت ۶۹ درصد و در بریتانیا ۶۶ درصد بوده است. علاوه بر این، بیشتر کشورهای اروپایی زیر آستانه ۵۰ درصد قرار دارند، این نسبت در آلمان ۴۳ درصد، ایتالیا ۳۳ درصد و اسپانیا تنها ۲۷ درصد است. در این زمینه، نسبت فرانسه با ۵۵ درصد یک استثنا است. در حالی که بنگاه‌های کوچک و متوسط

یکی از موضوعات مطرح در مورد نظام پولی و بانکی کشور، بانک محور بودن آن است و برخی از کارشناسان یکی از راهکارهای عبور از بحران بانکی را افزایش سهم بازار سرمایه در تامین مالی عنوان می‌کنند. این تغییر در ساختار تامین مالی انتقادهایی نیز در پی داشته است؛ به طوری که معتقدند تنها با فاصله گرفتن از بانک محوری و عمیق کردن بازار سرمایه نمی‌توان بر مشکلات سیستم بانکی فائق آمد

ترجیح می‌دهند برای تامین مالی خود حدود ۶۰ درصد از وام‌های بانکی استفاده کنند. علاوه بر این آمارها نشان می‌دهد که در این نوع شرکت‌ها، سهام تنها ۱۷ درصد و اوراق بدهی مبتنی بر وثیقه، تنها ۳ درصد از سهم تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط را به خود اختصاص می‌دهد.

بانک محور بهتر است یا بازار محور؟

یک پژوهش با بررسی داده‌های کشورهای مختلف این فرضیه را مطرح کرده است که رشد اقتصادی بالا به وسیله اقتصاد بانک محور ایجاد می‌شود یا بر اساس سیستم اقتصادی بازار محور. «لویسن و راس» در این مقاله دو دیدگاه در خصوص رابطه عملکرد اقتصادی و ساختار مالی مطرح کردند. این مقاله نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه نخست، سیستم‌های مبتنی بر بانک - به ویژه در مراحل اولیه توسعه اقتصادی - رشد اقتصادی را به میزان بیشتری از سیستم مالی مبتنی بر بازار ایجاد می‌کنند. در مقابل، دیدگاه مبتنی بر بازار تأکید می‌کند که خدمات مالی در بازار سرمایه، به‌عنوان یک تامین مالی کلیدی، اثر قابل توجهی در نوآوری و رشد بلندمدت دارد.

این پژوهشگران در مقابل این دو دیدگاه، یک دیدگاه سومی را مطرح می‌کنند که نظام حقوقی پیشرفته باعث افزایش کیفیت تامین مالی می‌شود. این دیدگاه که مورد تأیید پژوهشگران است استدلال می‌کند که نظام حقوقی با کیفیت، بر خدمات مالی اثر می‌گذارد. دیدگاه قانونی بر این نکته تأکید می‌کند که توسعه سیستم‌های حقوقی در سیستم‌های مالی به‌طور چشمگیری بر رشد طولانی مدت مالی باید سرمایه محور یا بانک محور باشد، روی ایجاد یک محیط قانونی شفاف تمرکز داشته باشیم. یافته‌های این پژوهش در کشورهای متمایز حاکی از آن است که تفاوت در ساختار مالی باعث اثر پذیری در رشد اقتصادی نمی‌شود. اما نکته مهم این است که تمایز کشورها بر اساس میزان توسعه یافتگی بازارهای مالی ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، کشورهایی با درجه بالاتری از توسعه مالی که بر اساس شاخص‌های توسعه بازار یا بانک اندازه‌گیری می‌شود، اثرگذاری بیشتری روی رشد اقتصادی داشته‌اند. علاوه بر این، اجزای توسعه مالی با افزایش کارایی نظام حقوقی و قوانین شفاف برای سرمایه‌گذار خارجی، با رشد رابطه بلندمدت و قوی دارد. سیستم حقوقی به‌طور عمده بر توسعه بخش مالی و این به نوبه خود بر رشد بلندمدت تأثیر می‌گذارد. این پژوهش تصویر واضحی با دلایل منطقی را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد. بهبود عملکرد بازار سرمایه و نظام بانکی از راهکارهای حیاتی برای رشد اقتصادی در بلندمدت است. بنابراین سیاست‌گذاران باید بر تقویت حقوق قانونی سرمایه‌گذاران خارجی و افزایش کارایی در ضمانت اجرای قراردادها تمرکز کنند. از سوی دیگر، می‌توان توصیه کرد که از داشتن یک ساختار مالی خاص (بانک محور یا بازار محور) جلوگیری کنند.

رشد اقتصادی اشتغال را تکان می‌دهد؟

ناهماهنگی بین رشد اقتصادی و اشتغال

شاغلان در سال ۱۳۹۳ حدود ۲۱ میلیون و ۳۰۱ هزار نفر بوده و به ۲۱ میلیون و ۹۶۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته و همین رقم در سال ۱۳۹۵ به ۲۲ میلیون و ۵۸۴ هزار نفر رسیده است.

جست‌وجوی ریشه بیکاری در ۳۵ سال قبل

مسعود نیلی، مشاور ارشد اقتصادی رییس‌جمهور ریشه بیکاری کنونی کشور را مربوط به ۳۵ سال قبل می‌داند. به باور نیلی، «جمعیت کشور در آن زمان ۱۶ میلیون نفر از سال‌های ۶۰ تا ۶۵ افزایش یافت و از سال ۶۵ تاکنون به طور میانگین سالی یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شده است.»

این در شرایطی است که به گفته وی، «در نیمه دهه ۸۰ شغلی ایجاد نشده، اما در مقابل در نیمه دوم دهه ۸۰ درآمد ارزی کشور به ۸ هزار و ۴۵۵ میلیارد دلار رسید، بنابراین با این منابع می‌شد برای همه کسانی که به بازار کار وارد می‌شوند، شغل ایجاد کرد.»

مشاور اقتصادی رییس‌جمهور متذکر می‌شود: «در این دوره به دلیل زیاد نبودن متقاضیان اشتغال، نرخ بیکاری در این سال‌ها افزایش نیافته است؛ دلیل اصلی این موضوع، گسترش آموزش عالی و افزایش بسیار تعداد دانشجویان کشور بود. اما هم‌اکنون این فارغ‌التحصیلان وارد بازار کار شده‌اند و از پاییز سال ۹۳ یک‌بار به یک میلیون نفر به متقاضیان کار افزوده شده است. این در حالی است که از سال ۸۴ تا ۹۱ ورودی بازار کار تقریباً صفر بوده است.»

عدم همراهی رشد اقتصادی و اشتغال با یکدیگر

بررسی نرخ رشد اقتصادی و میزان اشتغال ایجاد شده طی یک دهه اخیر نشان می‌دهد که همبستگی مثبتی میان این دو شاخص هیچ‌گاه وجود نداشته است. به عبارت دیگر، گاهی مشاهده شده در سال‌هایی که رشد اقتصادی منفی بوده، اشتغال زایی وجود داشته و در سال‌هایی که رشد اقتصادی بالایی وجود داشته، اشتغال زایی اتفاق نیفتاده است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نرخ رشد اقتصادی به ترتیب ۶٫۸-، ۱٫۹- و ۱- درصد بوده است؛ این در شرایطی است که در همین سال‌ها به ترتیب ۱۱۸ هزار نفر، ۷۰۰ هزار نفر و ۶۷۰ هزار نفر به جمعیت شاغلان اضافه شده است. در مقابل در سال ۱۳۸۹ نرخ رشد اقتصادی به ۶٫۵ درصد رسیده، در حالی که نرخ بیکاری در این سال افزایش داشته و به ۱۳٫۵ درصد رسیده و اشتغال زایی در این سال صفر بوده است.



روی افزایش نرخ اشتغال.»

شرایط بیکاران و شاغلان کشور

آمارهای منتشر شده از وضعیت نرخ بیکاری در کشور نشان می‌دهد که جمعیت بیکار در سال ۱۳۸۴ از ۲ میلیون و ۶۷۴ هزار و ۸۶۶ نفر به ۲ میلیون و ۳۹۲ هزار و ۱۷۹ نفر در سال ۱۳۸۷ افت پیدا کرده، اما با افزایش این رقم در طول سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به ۳ میلیون و ۲۱۸ هزار و ۳۲۹ نفر رسیده است. جمعیت بیکار کشور در سال ۱۳۸۸ نیز ۲ میلیون و ۸۳۹ هزار و ۹۷۳ نفر گزارش شده است.

از سال ۱۳۸۹ دوباره روند جمعیت بیکاران کشور نزولی بوده؛ به طوری که در سال ۱۳۹۰ این تعداد در حدود ۲ میلیون و ۸۷۷ هزار و ۶۰۸ نفر، در سال ۱۳۹۱ حدود ۲ میلیون و ۸۴۸ هزار و ۲۳۷ نفر و در سال ۱۳۹۲ در حدود ۲ میلیون و ۴۸۸ هزار و ۳۷۲ نفر اعلام شده بود. اما از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵ جمعیت بیکاران دوباره افزایش یافته و به ۳ میلیون و ۲۰۳ هزار و ۳۹۸ نفر رسیده است.

گزارش‌ها درباره وضعیت شاغلان نیز نشان می‌دهد که تعداد شاغلان کشور طی یک دهه اخیر افزایش پیدا کرده؛ به طوری که از ۲۰۶ میلیون نفر در سال ۱۳۸۴ به ۲۲٫۵ میلیون نفر رسیده است. به این ترتیب، تعداد شاغلان سال ۱۳۸۴ از ۲۰ میلیون و ۶۱۴ هزار نفر به ۲۱ میلیون نفر در سال ۱۳۸۶ رسیده است و این رقم در سال ۱۳۸۷ به ۲۰ میلیون و ۴۸۳ هزار نفر کاهش داشته و در سال ۱۳۸۸ با کمی افزایش به ۲۱ میلیون نفر رسیده است. دوباره این رقم تا سال ۱۳۹۱ روند کاهشی داشته و در سال ۱۳۹۲ به ۲۱ میلیون و ۳۳۷ هزار نفر افزایش داشته است. تعداد

بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر اگر چه روند رشد اقتصادی کشور از حالت منفی خارج و مثبت شده، اما همچنان نرخ بیکاری بالا می‌رود.

«رشد بدون اشتغال»، پدیده‌ای است که این روزها زیاد در رابطه با آن می‌شویم. اولین بار علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از بروز این پدیده خبر داد و گفت امروزه اشتغال در کشور مانا نشی از سرمایه‌گذاری و رشد به سرعت به دست نمی‌آید و ما با پدیده رشد بدون اشتغال مواجه هستیم. به گزارش اقتصاد آنلاین به نقل از خبر آنلاین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر اگر چه روند رشد اقتصادی کشور از حالت منفی خارج و مثبت شده، اما همچنان نرخ بیکاری بالا می‌رود. آخرین گزارش بانک مرکزی از نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که رشد تولید ناخالص داخلی با نفت ۱۲٫۵ درصد و بدون نفت ۳٫۳ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ بیکاری به ۱۲٫۴ درصد افزایش یافته است. بر اساس این گزارش، نرخ بیکاری در مناطق شهری ۱۳٫۷ درصد و در مناطق روستایی ۸٫۹ درصد بوده است. به این ترتیب، نرخ بیکاری زنان ۲۰٫۷ درصد و مردان ۱۰٫۵ درصد گزارش شده است.

این اتفاق حاکی از آن است که سیاست‌هایی که در حوزه اشتغال زایی اتخاذ شده، با وجود تاثیرگذاری روی روند تولید، اما نتوانسته نرخ اشتغال را بالا ببرد و نامعادله رشد بدون اشتغال ایجاد شده است. بر اساس تحلیل‌های کارشناسی، این نامعادله سه دلیل دارد: «پایین بودن نرخ بهره‌وری نیروی کار»، «سرمایه‌پر بودن مشاغل ایجاد شده» و «عدم تاثیر اعطای تسهیلات به بنگاه‌های تولیدی»

رئیس کل بانک مرکزی: موسسات غیرمجاز ۶۰ درصد پول سپرده گذاران را در بخش مسکن حبس کردند



رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد: دست اندرکاران موسسات غیرمجاز با سرمایه گذاری بی برنامه در بخش مسکن، بیش از ۶۰ درصد سپرده ها را با سودای افزایش قیمت توری و کسب سودهای نجومی حبس کردند.

ولی الله سیف با مداد چهارشنبه در یادداشتی آورده: بنا به اذعان همه کارشناسان و متخصصان امر، توفیق سیاست های پولی و اعتباری در مهار تورم، کمک به رشد اقتصادی و سلامت وثبات مالی در کشور، نیازمند بستر اجرایی مناسب، نظم و انضباط و عملکرد شفاف بانکها، مؤسسات اعتباری و فعالان بازار پول است.

«لیکن سالهاست نظام بانکی کشور با یک معضل اساسی و یک بیماری مزمن به نام نهادهای پولی غیرمجاز دست به گریبان است که بی انضباطی و اخلاص ناشی از فعالیت آنها، منبع تهدید جدی و آسیب به نظام مالی، امنیت وثبات اقتصادی و اجتماعی کشور است.»

سیف در یادداشت خود می افزاید: به رغم اینکه بر اساس ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور و ماده ۹۶ قانون برنامه پنجم توسعه تنها مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری بانک مرکزی است و ایجاد، ثبت و هرگونه تغییرات در نهادهای پولی و اعتباری صرفاً با مجوز این بانک میسر است، طی سه دهه اخیر تعداد زیادی از موسسات با اخذ مجوز از نهادهایی غیر از بانک مرکزی تشکیل و به موازات شبکه بانکی، مانند یک بانک تمام عیار برخلاف قوانین و مقررات و حتی خارج از مفاد اساسنامه خود به فعالیت گسترده پولی و بانکی مشغول شدند.

«این مؤسسات، در حالی که واجد کمترین صلاحیت، تخصص و تجربه در زمینه اداره واحدهای پولی بودند، به دور از هرگونه نظارتی از سوی صادرکنندگان مجوز، ناخردانه اقدام به گسترش فعالیت خود کرده و اقدامات اشتباهی را مرتکب شدند که گسترش بی رویه شعب در اقصی نقاط کشور یکی از آنها بود. تا جایی که شبکه شعب تعدادی از این مؤسسات حتی از برخی بانکهای مطرح کشور نیز گسترده تر شد.» به عقیده رئیس شورای پول و اعتبار، «مورد دیگر که به مشکلات ساختاری این مؤسسات دامن زد، بی توجهی در بکارگیری نیروی انسانی بود که از کمترین دانش، تخصص و تجربه در امور پولی و بانکی بی بهره بودند و غالباً بواسطه توصیه و سفارش به استخدام درآمدند و مهمترین مشکل، جذب سپرده های بیشتر از مردم با اتکا به پرداخت سودهای بالا، از طریق تبلیغات گسترده، پرهزینه و گمراه کننده و پرداخت این سودها از محل جذب سپرده های جدید بود که اضمحلال تدریجی این مؤسسات را سبب شد.»

این یادداشت می افزاید: بروز این شرایط و گسترش دامنه فعالیت این مؤسسات جذب نقدینگی قابل توجهی

توسط آنها را باعث و رقابتی دیگر در بین شبکه بانکی برای جذب این منابع را سبب شد و عملاً پول مردم که قرار بود برای سرمایه گذاری در تولید و اشتغال استفاده شود، مبدل به وسیله های برای سودجویی ناصواب آنها گردید. سرمایه - گذاری بی برنامه در بخش مسکن و حبس بیش از ۶۰ درصد سپرده گذاران در این بخش با سودای افزایش قیمت توری و کسب سودهای نجومی و بیزحمت، نمونه های دیگر از این دست اقدامات است که کاهش تورم وثبات قیمتها در این بازار، سودجوییهای آنها را با مانع جدی مواجهه در نهایت بحران نقدینگی و ناتوانی مؤسسات را در پرداخت وجوه سپرده گذاران رقم زد.

سیف در ادامه می نویسد: علاوه بر آنچه شرح داده شد، ورود غیر تخصصی به بازارهای گوناگون نظیر طلاوارز، اختفای اطلاعات مالی و عملکرد و سودده نشان دادن غیر واقعی صورتهای مالی، ارزیابی بیش از واقع داراییها و ده ها تخلف ریز و درشت دیگر که از حوصله این مقال بیرون است نیز از

رئیس کل بانک مرکزی: به رغم اینکه بر اساس ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور و ماده ۹۶ قانون برنامه پنجم توسعه تنها مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری بانک مرکزی است و ایجاد، ثبت و هرگونه تغییرات در نهادهای پولی و اعتباری صرفاً با مجوز این بانک میسر است

دیگر اقدامات مخرب این مؤسسات به شمار می آید. «در این میان بانک مرکزی با هدف شفافسازی و ایجاد فضای سالم رقابتی و با ثبات در اقتصاد کشور، دستیابی به اهداف متعالی اقتصاد مقاومتی در مدیریت مخاطرات اقتصادی، سالم سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینه های فساد از حوزه های پولی، اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور و نیز به منظور نظارت مؤثر بر بانکها و مؤسسات اعتباری و صیانت از حقوق سپرده گذاران: بر اساس تکالیف و وظایف قانونی، از طریق اقداماتی مانند اطلاع رسانی به هنگام و کارآمد، پایش فعالیتها و بازرسی عملکرد، اعمال محدودیت دریافت خدمات بانکی، ممانعت از بسط و توسعه شعب و جمع آوری سپرده، جلب همکاری نیروی انتظامی و نیز معرفی مؤسسات متخلف و فاقد مجوز به مراجع قضایی؛ ساماندهی شرایط نابسامان موجود را با جدیت پیگیری نمود و عزم آن کرد تا این معضل را به یکباره و یکبار برای همیشه حل و فصل نماید.»

«با عنایت به مواردی که ذکر شد و با وجود تمامی مشکلات ناشی از فعالیت مؤسسات غیرمجاز؛ امیدواریم با هماهنگی بوجود آمده بین مجموعه حاکمیت نظام و همیاری و همدلی مردم عزیز که نویدبخش حل و فصل اصولی و تام و تمام معضل مؤسسات غیرمجاز در نظام پولی و بانکی کشور است؛ دغدغه مردم و سپرده گذاران محترم به زودی رفع شده و شاهد ثبات، شفافیت، سلامت و صحت عملکرد در بازار پولی کشور باشیم.»

زمانی برای بازنگری سیاست‌های حمایتی



حمید آذرمند

خبرنگار

این شرایط دولت‌ها برای حمایت از کشاورزان و جلوگیری از ضرر و زیان آنان و کاهش روند مهاجرت روستاییان به شهرها و همچنین ملاحظاتی مانند خودکفایی و امنیت غذایی، سعی در حمایت گسترده از بخش کشاورزی داشته‌اند.

بخشی از سیاست‌های حمایتی که در ادوار مختلف در بخش کشاورزی اجرا شده است، عوارض و هزینه‌های بسیار بالایی برای کشور داشته است. به عنوان مثال سیاست خرید تضمینی محصولات کشاورزی در مقیاسی کلان و به قیمتی بالاتر از قیمت‌های جهانی، عوارضی مانند تخلیه منابع زیرزمینی آب داشته است و جدا از فشار مالی بر بودجه عمومی کشور، نظام بانکی و بانک مرکزی را هم دچار چالش کرده است. علاوه بر آن، هر چند در این زمینه اطلاعاتی در دست نیست، ولی خرید تضمینی محصولات با نرخ بسیار بالاتر از قیمت‌های جهانی به طور طبیعی انگیزه قاچاق محصولات کشاورزی به داخل کشور را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، فراهم ساختن نهاده‌های ارزان برای کشاورزان، به‌ویژه آب و برق، انگیزه جایگزین کردن شیوه‌های سنتی آبیاری را از بین برده است. جای تعجب نیست که در کشور، با وجود کم‌آبی، روش‌های سنتی آبیاری همچنان سهم بالایی دارد و همچنان محصولات پر مصرف کشاورزی تولید و حتی صادر می‌شود. در مورد تسهیلات بانکی ارزان نیز، تخصیص منابع بانکی مازاد بر ظرفیت جذب بخش کشاورزی، موجب خروج منابع مالی از بخش کشاورزی و ورود آن به سایر فعالیت‌های اقتصادی پر بازده‌تر و حتی بازار دارایی‌ها مانند مستغلات می‌شود. در مورد حمایت‌های بخش کشاورزی، انواع حمایت‌های دیگر مانند عدم سخت‌گیری در بهره‌برداری غیر مجاز از آب‌های

تجربه چند دهه گذشته اقتصاد ایران نشان داده است که به استثنای مواردی محدود، سیاست‌گذاران و مسوولان بخش کشاورزی با هدف حمایت و تقویت این بخش، اغلب به سراغ سهل‌ترین و ناکار آترین شیوه‌های حمایتی رفته‌اند، شیوه‌هایی مانند خرید تضمینی محصول، توزیع تسهیلات بانکی ارزان، فروش آب و انرژی ارزان و نظایر آن در اولویت بوده است. در مقابل، سیاست‌های پایدار و راهبردی به حاشیه رفته است. در واقع اصولی مانند افزایش مقیاس کشت و مقیاس تولید، اصلاح شیوه‌های آبیاری، افزایش سهم منابع انرژی تجدیدپذیر، اصلاح الگوی کشت و افزایش سهم محصولات کشاورزی سازگار با اقلیم، استفاده از فناوری‌های نوین و سیاست‌هایی نظیر آن، معمولاً به دلیل پیچیدگی و مشکلات اجرایی و نیاز آن به تقویت توان اجرایی و کارشناسی دستگاه‌های مسوول، کمتر مورد توجه قرار گرفته و توفیق چندانی نداشته است.

در بخش کشاورزی ایران، عواملی مانند مقیاس کوچک زمین‌های کشاورزی، ساختار غیر شرکتی واحدهای کشاورزی، فقدان بیمه فرآیند و سازوکارهای جبران زیان کشاورزان، ضعف تشکلهای صنفی کشاورزی، ظرفیت پایین جذب فناوری، دخالت دولت در قیمت‌گذاری محصول، در کنار شرایط اقلیمی خاص کشور، بخش کشاورزی را با مشکلاتی مانند بازده و سودآوری پایین و ریسک بالای فعالیت‌های کشاورزی مواجه کرده است. در

زیرزمینی، عدم سخت‌گیری در رعایت استانداردها و ضوابط سلامت محصولات کشاورزی، ایجاد موانع تجاری برای کاهش واردات و معافیت‌های مالیاتی را نیز باید افزود. ساختار فعلی حمایت‌ها، به جای تشویق به افزایش بهره‌وری در استفاده از نهاده‌ها، کشاورزان را تشویق به استفاده هر چه بیشتر از مزیت آب و انرژی و تسهیلات و سایر نهاده‌های ارزان و تولید محصولات با پایین‌ترین بهره‌وری می‌کند.

سرزمین ایران به‌طور جدی با مساله کم‌آبی مواجه است و سیاست‌های فعلی حاکم بر بخش کشاورزی، چالش کم‌آبی کشور را تشدید کرده است. هم‌بحران کم‌آبی و هم تنگنای مالی دولت و هم مشکلات نظام بانکی، جدی‌تر از آن است که بخواهیم با ساده‌نگری نسبت به بحث حمایت از بخش کشاورزی، کشور را در معرض چالش‌های پیچیده قرار دهیم. تداوم سیاست‌های حمایتی فعلی، نه به صلاح کشور است و نه اساساً منابعی برای ادامه آن سیاست‌ها وجود دارد. نگاهی به تجربه جهانی نشان می‌دهد بخش کشاورزی همچنان مورد حمایت دولت‌ها است؛ ولی در اغلب کشورها، ساختار حمایت‌ها به جای خرید محصول یا فروش آب و نهاده ارزان و نظایر آن، به سمت حمایت‌های سازگار با محیط‌زیست و حمایت‌هایی که منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری بخش کشاورزی می‌شود، تغییر جهت داده است. تجربه‌ها و نوآوری‌های بسیار موفق و قابل توجهی در کشورهای مختلف در زمینه افزایش راندمان کشت و مدیریت مصرف آب و انرژی وجود دارد؛ ولی پیش‌نیاز آن اصلاح سیاست‌های حمایتی و در رأس آن اصلاح قیمت‌ها است. به نظر می‌رسد زمان بازنگری سیاست‌های حمایتی در ایران فرا رسیده است. بخش کشاورزی باید همچنان مورد حمایت دولت‌ها باشد؛ ولی لازم است رویکرد این حمایت‌ها به‌طور کامل تغییر کند. محورهای کلی در بازنگری سیاست‌های کشاورزی می‌تواند در چهار محور زیر تعریف شود:

- ◀ کشاورزی پایدار و صیانت از منابع آب
- ◀ حفظ سلامتی مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی
- ◀ حفاظت اشتغال موجود در بخش کشاورزی
- ◀ جلوگیری از گسترش فقر در مناطق روستایی.

بر اساس محورهای چهارگانه فوق، سیاست‌هایی به این ترتیب پیشنهاد می‌شود: اصلاح قیمت آب و برق کشاورزی، بازنگری در تعریف امنیت غذایی و خودکفایی محصولات اساسی بر اساس ملاحظات توسعه پایدار، سیاست‌گذاری در جهت افزایش مقیاس تولید و مقیاس کشت، کاهش سالانه و پلکانی خرید تضمینی محصولات، کمک‌های مالی و فنی به کشاورزان برای تغییر سیستم‌های آبیاری و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش دانش و مهارت شاغلان بخش کشاورزی، نظارت جدی و بدون اغماض دولت بر استانداردهای تولید محصولات کشاورزی، افزایش سهم محصولات ارگانیک، ثبات در سیاست‌های تجاری ناظر بخش کشاورزی، افزایش پوشش بیمه محصولات کشاورزی و افزایش حمایت‌های مستقیم از خانواده‌های روستایی آسیب‌پذیر.

دو ضربه گیر در برابر تورم



شورای رقابت پس از بررسی مولفه‌های اثرگذار در فرمول قیمت گذاری خودرو شامل نرخ تورم بخشی، نوسان کیفی و ضریب بهره‌وری، دستورالعمل جدید قیمت گذاری خودروها را تدوین و اعلام کرده است. شورای رقابت به این نتیجه رسید که مجوز افزایش قیمت برخی خودروهای داخلی را با توجه به مولفه‌های سه‌گانه، صادر کند.

رئیس شورای رقابت دیروز در حالی میزبان خبرنگاران شد که ضمن اعلام جزئیات افزایش قیمت خودروهای داخلی، از آزاد بودن قیمت گذاری محصولات پسابرجامی خبر داد. آن طور که رضا شیوا رئیس شورای رقابت اعلام کرد، برای خانواده پراید و تیبا متوسط افزایش قیمت ۲۵٪ درصد در نظر گرفته شده و دو عضو خانواده تندر-۹۰ (شامل تندر معمولی و پارس تندر) نیز مجوز افزایش قیمت ۱۵۷٪ درصدی را دریافت کرده‌اند. شیوا بیان اینکه نرخ تورم بخشی برای محصولات سایپا کمتر از ۶ درصد و برای محصولات ایران خودرو کمی بیشتر از ۶ درصد بوده، تاکید کرد: طبق بررسی‌های انجام شده، متوسط افزایش قیمت برای خانواده پژو و سمند (شامل پارس، پژو ۲۰۶، پژو ۴۰۵ و انواع سمند) ۶۹٪ درصد است. رئیس شورای رقابت اما نامی از رانا به عنوان یکی از خودروهای حاضر در بازه قیمتی ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان بازار نبرد و مشخص نیست این محصول با تثبیت قیمت مواجه شده یا شورا آن را به دلیل اشتراک پلت فرم با پژو ۲۰۶ صندوقدار، جزو گروه پژو و به حساب آورده است. اما اظهارات شیوا درباره نرخ تورم بخشی خودروسازان در حالی است که مقایسه نرخ فعلی با نرخ قبلی نشان از افزایش تورم دارد. اوضاع به شکلی است که سال گذشته نرخ تورم بخشی ایران خودرو و سایپا به ترتیب ۳/۷۲٪ و ۲/۸٪ بود، اما طی امسال به حدود شش درصد رسیده است. شیوا اما در ادامه با اشاره به اینکه بهره‌وری تولید خودروسازان سهم ۲/۵ درصدی در قیمت گذاری دارد، گفت: شرکت‌های خودروساز در این بخش نمره منفی گرفته‌اند؛ به نحوی که این موضوع اثر کاهشی خود را در قیمت جدید خودروها گذاشته است. به گفته وی، شورای رقابت به اندازه ۲/۵ درصد (سهم بهره‌وری) از نرخ تورم بخشی کاسته است و اگر این اقدام صورت نمی‌گرفت، باید به اندازه این ۲/۵ درصد به قیمت‌ها اضافه می‌کردیم. شیوا همچنین در مورد تاثیر نوسان کیفی بر دستورالعمل جدید قیمت خودروها نیز تاکید کرد: طبق مصوبه شورا، خودروسازان باید حداقل ۷۰ درصد از هدف تعیین شده از سوی وزارت صنعت در حوزه ارتقای کیفی را محقق کنند تا مشمول جریمه نشوند و این در حالی است که در حال حاضر چون به هدف مورد نظر دست نیافته‌اند، جریمه شده‌اند. به گفته وی، هر چند تورم بخشی حدود ۶ درصد بوده، اما با توجه به تاثیر کیفیت و بهره‌وری در فرمول قیمت گذاری،

شرایطی که بازار پراید در انحصار است، درست مانند خانواده پژو و سمند که آنها هم بازاری انحصاری دارند. وی در نهایت تاکید کرد که ورود شورای رقابت به بازار خودرو و سبب بهبود اوضاع در این بازار شده و همچنین قرار دادهای فروش خودرو را نیز منصفانه کرده است.

این بخش از گفته‌های رئیس شورای رقابت اما واکنش خبرنگاران را در پی داشت و آنها با اشاره به حواشی ماجرای پیش فروش پژو ۲۰۰۸، خواستار توضیح شیوا در مورد منصفانه بودن یا نبودن این پیش فروش شدند. این در حالی بود که رئیس شورای رقابت پاسخ روشنی در این مورد نداد، اما عنوان کرد که از نظر شورا، قیمت سه خودرو پسابرجامی شامل پژو ۲۰۰۸، پژو ۳۰۱ و پژو ۵۰۸ آزاد است. وی با بیان اینکه قیمت گذاری این سه محصول از دستور کار شورا خارج شده است، تاکید کرد: هر چند هنوز قیمت دقیق خودروهای مورد نظر مشخص نشده، با این حال با توجه محدود قیمت‌های احتمالی و وجود رقابتی در آن محدوده‌ها، قیمت گذاری این سه محصول آزاد است. این اظهار نظر شیوا ا به نوعی می‌تواند موضع کلی شورای رقابت در مورد خودروهای پسابرجامی دانست؛ به نحوی که به نظر می‌رسد شورا در قیمت آنها ورود نخواهد کرد. اما بخشی از نشست خبری دیروز رئیس شورای رقابت به بازار خودروهای وارداتی اختصاص یافت و شیوا ضمن تاکید بر اینکه این بازار را انحصاری می‌داند، از عدم ورود شورا به قیمت گذاری در این بازار صحبت به میان آورد. به گفته وی، در حال حاضر ۸۰ درصد بازار خودروهای وارداتی در دست محصولات هیوندایی و کیا است که البته برخی ادعا می‌کنند واردکنندگان آنها بیش از چند ده نفر هستند، ولی این معیار مهم نیست بلکه سهم بازار اهمیت دارد.

شورا در نهایت با افزایش قیمت در حد ۱/۲۵ و ۱/۵۷ و ۱/۶۹ درصد موافقت کرد. اما اعلام دستورالعمل جدید قیمت خودروها از سوی شورای رقابت در حالی است که هنوز هم بحث بر سر دخالت این شورا در قیمت گذاری خودرو داغ بوده و برخی موافق این موضوع هستند و برخی نیز مخالف. از نظر موافقان، شورای رقابت به دلیل انحصار در بازار خودرو، باید در قیمت گذاری دخالت کرده و از این راه بازار را کنترل کند. با این حال مخالفان نیز معتقدند شورا نتوانسته مطابق با وظیفه ذاتی خود (مقابله با انحصار) عمل کند و وقت خود را صرف قیمت گذاری کالاها به خصوص خودرو کرده است. مخالفان همچنین بر این باورند که قیمت خودرو در ایران باید مانند بسیاری از کشورهای آزاد بوده و «بازار» قیمت‌ها را تعیین کند نه رگولاتوری‌هایی مانند مثل شورای رقابت. این در شرایطی است که به اعتقاد شیوا، «قانون» اختیار تدوین دستورالعمل قیمت گذاری در بازار خودرو را به شورای رقابت داده و چون در این بازار همچنان انحصار وجود دارد، شورا می‌تواند کماکان نسبت به تهیه دستورالعمل مورد نظر اقدام کند.

به گفته شیوا، هیچ کس نمی‌تواند در این رابطه (حذف شورای رقابت از قیمت گذاری خودرو) حرفی بزند مگر اینکه مجلس قانون را تغییر دهد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا شورای رقابت توانسته اوضاع بازار خودرو را به واسطه ابلاغ دستورالعمل قیمتی، بهبود ببخشد، گفت: اقدامات شورای رقابت سبب حذف حاشیه بازار شده است، به نحوی که در حال حاضر دلال بازی وجود ندارد و بازار شرایطی آرام را به خود می‌بیند. شیوا همچنین با تاکید بر انحصاری بودن بازار برخی خودروها، افزود: من نمی‌دانم چرا می‌گویند مثلاً قیمت گذاری پراید را به سایپا واگذار کنیم؟ آن هم در

دسترسی عموم به آمار تجارت خارجی

داده و دسترسی سریع به آنها امکان پذیر شده است. بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی، سازمان ملی استاندارد، اتاق بازرگانی ایران، سازمان غذا و دارو، سازمان توسعه تجارت، محیط زیست، سازمان حفظ نباتات و سازمان دامپزشکی از جمله سازمان هایی هستند که از این طریق تبادل اطلاعات می کنند.

سامانه آنلاین ارزش کالا

تجار می توانند به صورت آنلاین از ارزش کالاها با خبر شوند و بدانند که ارزش گمرکی برای کالاهای مختلف چقدر است. راه اندازی سامانه جامع الکترونیکی، ارائه لحظه ای ارزش کالا را نیز امکان پذیر کرده و پروژه ای با عنوان "تعیین ارزش کالا" (TSC) که در آن ارزش کالاها با استفاده از سامانه جامع الکترونیکی به صورت آنلاین امکان پذیر است، این پروژه نه تنها در بازار گانان که می تواند منبعی برای اطلاع از ارزش گذاری کالا برای مصرف کنندگان نیز باشد. این حرکت در جهت یکسان سازی ارزش کالای وارداتی و رعایت عدالت مالیاتی در دریافت حقوق ورودی است. سامانه آنلاین ارزش به آدرس epl.irica.ir در دسترس همگان است.

پروانه الکترونیکی

بر اساس روندی که در گمرک پیش از الکترونیکی شدن اعمال می شد، وارد کننده پیش از آنکه محموله خود را از گمرک خارج کند می بایست، برگ سبزی گمرکی تهیه می کرد. برگ سبزی که تهیه آن نیاز به حضور فیزیکی و صرف زمان زیادی بود. با اجرای سامانه جامع گمرکی، پروانه (برگ سبزی) به شکل الکترونیکی صادر می شود. ضمن اینکه امکان استعلام الکترونیکی پروانه هادر هر زمان و مکانی برای عموم مردم از طریق پنجره واحد تجاری فراهم شده و به طور میانگین فقط نیروی انتظامی برای تعیین تکلیف محموله ها روزانه ۱۰۰۰۰ مورد استعلام الکترونیکی از گمرک می گیرد. پروانه های الکترونیکی در آدرس epl.irica.ir/ecl در دسترس است.

کیف پول الکترونیکی

سامانه جامع گمرکی با کیف پول الکترونیکی متصل به کارت های هوشمند شریطی را برای کابرنانش فراهم کرده که سامانه به صورت هوشمند از کیف پول الکترونیک آنها برداشت می کند. مراجعین باید مبلغی را بابت حقوق و عوارض گمرکی، تویزن و... پرداخت کنند و این کار از طریق کیف پول الکترونیکی و به صورت هوشمند انجام می شود. این نوع پرداخت علاوه بر ایجاد کنترل های دقیق

محموله ای که قرار است به قصد ترانزیت به کشور وارد و سپس خارج شود، کاملاً مشخص و زمان لازم برای آن پیش بینی شده است. این سامانه که در دل سامانه جامع گمرکی جای گرفته، ترانزیت را رد کرده و مانیتورینگ محموله های ورودی و خروجی را انجام می دهد. دریافت خدمات ترانزیت الکترونیکی از طریق سایت گمرک ایران به آدرس www.irica.ir و لینک پنجره واحد تجارت فرامرزی امکان پذیر است.

کارشناسی مجازی

در سامانه جامع گمرکی با راه اندازی کارشناسی متمرکز در گمرک، بعد از اینکه خدمت گیرندگان اظهار نامه خود را ارائه کردند، کارشناسی بدون ارتباط مستقیم میان کارشناس و ارباب رجوع و به صورت الکترونیکی در کوتاه ترین زمان انجام می شود.

پنجره واحد مجازی

سامانه جامع گمرکی ارتباط الکترونیکی میان ۲۲ سازمان همجوار را فراهم کرده و آنها می توانند به آسانی و در هر لحظه از طریق بستر یکپارچه تبادل اطلاعات، مجوزهای لازم را به صورت الکترونیک با گمرک مبادله کنند. صدور مجوزهای ترخیص کالا که پیش از این کاغذی و بسیار زمانبر بود هم اکنون در این سامانه و از پنجره واحد تجارت فرامرزی و به صورت الکترونیکی انجام می شود. در حال حاضر هر سازمانی مجوزهای ترخیص را در این سامانه قرار

سامانه جامع گمرکی ارتباط الکترونیکی

میان ۲۲ سازمان همجوار را فراهم کرده و آنها می توانند به آسانی و در هر لحظه از طریق بستر یکپارچه تبادل اطلاعات، مجوزهای لازم را به صورت الکترونیک با گمرک مبادله کنند. صدور مجوزهای ترخیص کالا که پیش از این کاغذی و بسیار زمانبر بود هم اکنون در این سامانه و از پنجره واحد تجارت فرامرزی و به صورت الکترونیکی انجام می شود. در حال حاضر هر سازمانی مجوزهای ترخیص را در این سامانه قرار داده و دسترسی سریع به آنها امکان پذیر شده است. بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی، سازمان ملی استاندارد، اتاق بازرگانی ایران، سازمان غذا و دارو، سازمان توسعه تجارت، محیط زیست، سازمان حفظ نباتات و سازمان دامپزشکی از جمله سازمان هایی هستند که از این طریق تبادل اطلاعات می کنند

گمرک ایران، فهرست دوازده خدمت خود که به صورت الکترونیکی به تجار و فعالان اقتصادی قابل ارائه است را اعلام کرد. گمرک ایران فهرست ۱۲ خدمتی که دریافت اینترنتی آن امکان پذیر است را اعلام کرد؛ اکنون خدمت گیرندگان می توانند به صورت اینترنتی این خدمات را از گمرک دریافت نمایند:

واردات الکترونیکی

در حال حاضر وارد کنندگان می توانند از محل دفتر کار خود کالای خود را به گمرک اظهار کنند. هم اکنون لینک ورود به سامانه الکترونیکی گمرک در سایت گمرک ایران قرار دارد و با ورود به این سامانه امکان اظهار از هر جا و به تمامی گمرکات از طریق اینترنت فراهم شده است. تا سه سال پیش، برای اظهار نامه های وارداتی می بایست چندین مراحل گمرکی را پشت سر گذاشت، اظهار کننده ناچار بود، فرم های کاغذی متعددی را پر کند، و پر کردن این فرم ها بدون حضور او و یا نماینده اش در گمرک امکان پذیر نبود، این روند از دحام بسیاری از مراجعان و رانندگان را به دنبال داشت، حضور طولانی مدت آنها را کلافه می کرد و هر کدام می خواستند سریعتر کارشان انجام شود. دریافت خدمات واردات الکترونیکی از طریق سایت گمرک ایران به آدرس www.irica.ir و لینک پنجره واحد تجارت فرامرزی امکان پذیر است.

صادرات الکترونیکی

با راه اندازی سامانه جامع الکترونیکی گمرک هر صادر کننده می تواند در هر زمان از شبانه روز و از دفتر کارش فرم اظهار نامه صادراتی را پر کند. صادر کننده نیازی به حضور در محل گمرک ندارد و تشریفات گمرکی از طریق سیستم الکترونیکی این سازمان انجام می شود. با راه اندازی سامانه جامع امور گمرکی همه امورات مربوط به صادرات، به صورت مکانیزه انجام شده و اطلاعات از مبدأ به گمرک مرزی بصورت سیستمی ارسال شده و اعلام خروج آن نیز به صورت سیستمی در اختیار مبدأ قرار می گیرد. دریافت خدمات صادرات الکترونیکی از طریق سایت گمرک ایران به آدرس www.irica.ir و لینک پنجره واحد تجارت فرامرزی امکان پذیر است.

ترانزیت الکترونیکی

در سامانه جامع امور گمرکی اظهار در رویه ترانزیت از طریق اینترنت و در هر لحظه ای امکان پذیر شده است. سامانه جامع گمرکی به طور هوشمند کنترل های لازم را در اظهار نامه و تعیین مسیر آنها عهده دار است. مسیرهای



گمرک ایران به نشانی www.irica.ir قرار داده شده، امکان پذیر است.

مکاتبات الکترونیکی

در اقدامی جدید ارائه خدمات گمرک به خدمات گیرندگان کاملاً الکترونیکی انجام می شود. گمرک جمهوری اسلامی ایران در راستای خدمات الکترونیکی خود امکان ثبت و پی گیری مکاتبات را از طریق پورتال این سازمان برای رفاه خدمات گیرندگان فراهم کرده است. بر همین اساس کلیه افراد حقیقی و حقوقی برای انجام تمامی مکاتبات با کلیه دفاتر ستادی و گمرکات اجرایی در هر نقطه از کشور می توانند با اتصال به پورتال گمرک جمهوری اسلامی ایران به آدرس www.irica.ir مکاتبات خود را ثبت و شماره پیگیری دریافت کنند. این پورتال به خدمات گیرندگان این امکان را داده است که بر اساس شماره ای که دریافت کرده اند، در جریان مراحل گردش مکاتبات و اقدامات انجام شده در خصوص مکاتبه خود، قرار گیرند.

قرار می گیرد و توسط ستاد پیگیری می شود.

آمار برخط تجارت خارجی

گمرک جمهوری اسلامی ایران با اعتقاد به قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، امکان دسترسی عمومی به آمار و اطلاعات در حوزه تجارت خارجی را به صورت روزانه در پنجره واحد تجارت فرامرزی فراهم کرده است. دسترسی آزاد به آمار روزانه تجارت خارجی کشور از دستاوردهای مهم گمرک الکترونیک در دولت یازدهم است. آمار روزانه تجارت خارجی کشور را می توانید در آدرس <http://merchant.irica.ir/daily> ببینید.

استعلام الکترونیکی گوشی های تلفن همراه

استعلام شماره سریال گوشی های تلفن همراه جهت تشخیص گوشی های قاچاق از غیر قاچاق به صورت الکترونیکی فراهم شده و از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۸۸۷ یا لینک مخصوص استعلام شماره سریال گوشی های تلفن همراه وارداتی که در سایت رسمی

و جلوگیری از تخلف سرعت کار را بالا برده و نیاز به کنترل های متعدد و حسابداری های پیچیده را مرتفع کرده است. لینک دریافت خدمات پول الکترونیکی در سایت گمرک ایران به آدرس www.irica.ir در دسترس است.

سامانه پیشخوان الکترونیک

با الکترونیکی شدن گمرک فرآیند رسیدگی به شکایات و اعتراضات تجار و بازرگانان به دیگر فرآیندهای الکترونیکی و هوشمند این سازمان افزوده شد. با راه اندازی این سامانه که در راستای کنترل و رصد تمامی فرآیندهای گمرکی و ایجاد هر چه بیشتر شفافیت در آنها انجام می شود، سامانه پیشخوان خدمات الکترونیک گمرک طراحی و راه اندازی شده و صاحبان کالا در هر لحظه و در هر مرحله از کار چنانچه اعتراض و یا شکایتی دارند از طریق آدرس اینترنتی club.irica.co آن را ثبت کنند تا رسیدگی های لازم در کوتاهترین فرصت انجام شود. شکایت هایی که از زمان اعلام آنها ۲۴ ساعت گذشته و به نتیجه نرسیده باشد در کار تابل بازرس ویژه

الگوی انتخاب مدیران دولتی

دکتر فرشاد فاطمی

کارشناس

قرار داد.

از الگوهای شایستگی در زمینه‌های مختلفی از جمله انتخاب منابع انسانی، برنامه‌های آموزشی و پرورشی شایستگی‌های کلیدی، جانشین‌پروری و بخشی از نظام‌های جبران خدمات استفاده می‌شود. استفاده از الگوهای شایستگی نقشی استراتژیک در مدیریت منابع انسانی دارند؛ زیرا معمولاً هم برای مشاغل و حرفه‌های استراتژیک مورد توجه هستند و هم با رویکردی آینده محور و عمدتاً با ماهیت پرورشی تهیه و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

برخی از صاحب‌نظران نیز از این الگوها به عنوان ابزاری کلیدی برای شکل‌دهی به قابلیت‌های سازمانی جدید و استراتژیک یاد می‌کنند. امروزه استفاده از این نوع الگوها در سازمان‌هایی با ماهیت تجاری و همچنین سازمان‌هایی با فعالیت‌های مهندسی نسبتاً شناخته شده است. در مشاغل مدیریتی باید به جای توجه به شرح وظایفی ایستا، به شایستگی‌های اساسی برای مواجهه با موقعیت‌های متنوع و مسائلی پویا توجه کرد. از این رو کاربرد الگوهای شایستگی در این حوزه‌ها شناخته شده‌تر هستند.

کاربرد الگوهای شایستگی برای مدیریت دولتی و بخش‌های عمومی در برخی کشورها مورد توجه بوده است. به علاوه، الگوهای شایستگی به عنوان ابزاری برای پشتیبانی از ایجاد تحولات ساختاری گسترده برای افزایش قابلیت‌های دولت در ایفای نقش‌هایی جدید و ارتقای کیفیت خدماتش مورد استفاده قرار گرفته است. بررسی‌های گوناگون نشان می‌دهد استفاده از چنین الگوهایی در برخی کشورها، در دو سطح مدیران ارشد دولتی و مدیران سطوح بعدی مورد توجه بوده است.

با توجه به اهمیت انتخاب صحیح و پرورش مدیران دولتی آینده متناسب با برنامه‌های توسعه کشور، شاید یک راه‌حل اساسی و بلندمدت این است که ابتدا الگوی شایستگی عمومی (General Competency Model) مدیران ارشد دولتی در کشور به طور رسمی طراحی، تدوین و ارائه شود. احتمالاً در این زمینه تاکنون مطالعات ارزشمندی نیز در کشور انجام شده باشد که باید در ارائه این الگوی شایستگی رسمی مورد استفاده قرار گیرند. البته در گام‌های بعدی می‌توان الگوهای شایستگی تخصصی‌تری بر اساس حوزه‌های عملکردی گوناگون در وزارتخانه‌های مختلف تهیه کرد. نهایتاً می‌توان از این الگوها در آینده برای انتخاب و پرورش مدیران دولتی در سطوح مختلف و بخش‌های عمومی استفاده کرد.

برای انجام این کار الزاماتی وجود دارد. اولاً نیاز به ورودی‌های مفهومی یا اسنادی بالادستی برای تبیین

دقیق مأموریت و کارکردهای دولت، اولویت‌های استراتژیک و فرآیندهای کلیدی در این بخش وجود دارد. از ورودی‌های دیگر برای این الگوسازی، پیش‌بینی کلان‌روندها و شناسایی مسائل اصلی کنونی و آتی در بخش‌های مختلف نظام‌های دولتی است. برخی از مسائل کلان کشور مانند شکل‌دهی به زیرساخت‌های اقتصادی، مدیریت انرژی و رویارویی با بحران‌های آب و اشتغال همگی می‌توانند برای شناسایی شایستگی‌های مدیریتی در بخش‌های دولتی مورد توجه قرار گیرند. با توجه به فرآیندها و موضوعات کاری خاص دستگاه‌های اجرایی، انتظار می‌رود که شناسایی این شایستگی‌ها در زمینه‌های تخصصی مختلفی انجام شود.

به همین دلیل پیشنهاد می‌شود گروهی متشکل از متخصصان رشته‌هایی مانند مدیریت منابع انسانی، سیاست‌گذاری عمومی، مدیریت دولتی، اقتصاد و علوم سیاسی و البته با بهره‌گیری از نظرات تعدادی از مدیران اجرایی بسیار باسابقه و موفق تشکیل شود. با تشکیل این تیم می‌توان نسبت به طراحی یک مدل شایستگی مدیریتی عمومی ویژه مدیران ارشد وزارتخانه‌ها (وزیر، معاون وزیر و مدیران کل) در سطح اول و مدیران دولتی دیگر در لایه دوم اقدام کرد.

سپس براساس آن می‌توان در آینده با شیوه‌ای نظام‌مند، ملاک‌های انتخاب وزرا، معاونان وزیر و مدیران کل وزارتخانه‌ها و از آن مهم‌تر پرورش چنین مدیرانی را مورد توجه قرار داد. در این مسیر باید به درس‌آموزی از تجربه‌های گذشته در این زمینه نیز پرداخت و سیاست‌هایی که در گذشته با هدف تأمین اهداف مشابهی تدوین شده‌اند، ولی نهایتاً دارای اثربخشی کافی نبوده‌اند، مورد مذاقه علمی و عملی قرار گیرند. البته در صورت فعالیت بیشتر احزاب و گروه‌های سیاسی رسمی در نظام سیاسی کشور، چنین الگوهای شایستگی ممکن است در داخل این نظام‌ها نیز در راستای تحقق اهداف کشور به‌طور هم‌زمان مورد توجه و استفاده قرار گیرند.

برای انجام این کارها شاید نیاز به تحولی در ساختار نظام‌ها و روش‌های آموزش و پرورش شایستگی‌های مدیریت دولتی باشد. این فعالیت‌ها نیازمند طراحان و مجریانی متناسب با این تفکر در دولت و نهادهای مرتبط است. شاید از همه این‌ها پیش‌فرض‌ها مهم‌تر، لزوم وجود حداقل‌هایی از ظرفیت‌های ارتباطی و گفت‌وگوی سازنده بین دیدگاه‌های مدیریتی، سیاسی و اجتماعی مختلف حول این موضوع اساسی است. امید است شکل‌گیری قوی چنین اقدامی، خود ظرفیتی برای بهبود و ارتقای چنین گفت‌وگویی را فراهم بیاورد و نتایج مورد نظر را در آینده ایجاد کند.

انتخاب کاندیداهای تصدی مسوولیت وزارتخانه‌ها در کابینه جدید دولت موضوعی است که این روزها زوایای مختلفی را برای بحث‌هایی اساسی و مفید باز کرده است. انتخاب مدیران ارشد وزارتخانه‌ها با روش‌هایی نظام‌مند و متناسب با تحولات و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، از جمله ضرورت‌هایی است که به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی بیش از گذشته مورد توجه است.

به علاوه، طراحی نظام‌هایی برای پرورش مدیران ارشد دولتی و تربیت جانشینانی کارآمد برای آینده مدیریت اجرایی کشور از ضرورت‌های دیگر است. توجه به این نکته به‌ویژه زمانی مهم‌تر به نظر می‌رسد که در میان کاندیداهای تصدی مسوولیت وزارتخانه‌ها یا حتی معاونت وزارتخانه‌ها، ممکن است با نام افرادی مواجه شویم که به شیوه‌ای نظام‌مند در حوزه مربوطه رشد و پرورش نیافته باشند. شاید یکی از رویکردهای حل این نوع مسائل، طراحی و استفاده از «الگوهای شایستگی» (competency models) برای انتخاب، پرورش و جانشین‌پروری مدیران باشد.

الگوهای شایستگی حاوی دسته‌بندی‌هایی از رفتارهای لازم برای ایجاد عملکرد مورد نیاز در یک زمینه شغلی یا حرفه‌ای، به‌خصوص در زمینه‌های راهبردی هستند. در این الگوها صرفاً اشاره به دانش یا مهارت‌های مورد نیاز افراد نمی‌شود، بلکه اشاره به ویژگی‌های رفتاری می‌شود که نهایتاً باید از فرد مورد نظر برای انجام صحیح فعالیت‌ها و عملکرد مطلوب بروز کند. شایستگی‌ها می‌توانند در دسته‌بندی‌هایی مانند استراتژیک، تعاملات انسانی، سازمانی، فنی و فردی باشند. به‌طور مثال، مانند این است که بررسی کنیم که یک مدیر پروژه باید در عمل چه کارهایی را در چنین زمینه‌هایی انجام دهد تا موجب موفقیت در یک پروژه شود.

از این رو صرفاً با داشتن سطحی از دانش تخصصی یا تجربیاتی عملی در یک یا چند حوزه، شایستگی لازم به‌وجود نمی‌آید، بلکه شایستگی زمانی بروز می‌کند که بتوان بر پایه تجمیعی از دانش و مهارت‌ها و سایر توانمندی‌های فردی، نهایتاً فعالیت‌هایی را در عمل با موفقیت انجام داد. بنابر این متناسب با مفهوم رفتاری شایستگی، برای پرورش شایستگی‌های مدیریتی باید علاوه بر آموزش‌های رایج، استفاده از روش‌هایی مانند مربیگری و رویکردهای مشارکتی در یادگیری را در کانون توجه

آیا مالیات به مصرف کننده منتقل خواهد شد؟

یک مقام مسئول در سازمان امور مالیاتی با تاکید بر اینکه خانه‌هایی که باید مالیات ساخت بدهند، هنوز ساخته نشده‌اند گفت: از یک میلیون و ۴۰۰ هزار خانه خالی، حتی یک خانه هم این مالیات را نمی‌دهد.

سعید توتونچی در خصوص اخذ مالیات از سازندگان مسکن گفت: ماده ۷۷ قانون مالیات‌های مستقیم برای اولین بار، شغل ساخت و فروش ساختمان را به عنوان مودی مالیاتی معرفی کرده است؛ در حالیکه قبلاً شغل ساخت و فروش مسکن، مودی مالیاتی نبوده است؛ به این معنا که اگر فردی زمینی را خریداری کرده و با استفاده از مصالح، یک ساختمان بنا می‌کند و آن را می‌فروخت، تنها باید در دفترخانه، ده درصد به ارزش معامله که کمتر از یک درصد ارزش روز ملک است، مالیات پرداخت می‌نمود که این رقم، بسته به منطقه‌ای که ملک در آن قرار دارد، برای یک خانه ۵۰۰ میلیونی، حدود ۵۰۰ هزار تومان بود که در قالب مالیات نقل و انتقال دریافت می‌شد. به گزارش اقتصاد آنلاین به نقل از مهر، مدیرکل دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان امور مالیاتی افزود: برای اولین بار در قانون مالیات‌های مستقیم گفته شده که فعالان اقتصادی هیچ تفاوتی با هم نداشته و با توجه به اینکه سازندگان کالاهایی همچون یخچال و ماشین لباسشویی با تولیدکنندگان پارچه و فرش مالیات پرداخت می‌کنند؛ تولیدکنندگان مسکن نیز باید این مالیات را بپردازند و این مشاغل، فرقی با ساز و بفروش‌ها ندارند؛ چرا که آنها هم مصالح می‌خرند و کالایی را تولید و عرضه می‌نمایند، پس هر دو مولد بوده و باید مالیات بدهند. وی تاکید کرد: عدم اخذ مالیات از سازندگان مسکن، منجر به عدم توازن در کلان اقتصاد ایران شده و نقدینگی از تمام بخش‌ها را به مسکن و ساخت و ساز گسیل کرده است، بر این اساس یکسری پارامترهای کلان اقتصادی از جمله شفافیت مالی، اعلام این بخش به عنوان مودی مالیاتی را ضروری کرد، ضمن اینکه عدم اخذ مالیات از ساخت مسکن، منجر به فرجه شدن بخش اقتصاد مسکن و بی‌ضابطه شدن آن گردیده است؛ به همین دلیل در نهایت، جمع‌بندی سیاستگذار، این بود که بساز و بفروشی هم شغل محسوب شود و باید مالیات بپردازد.

به گفته توتونچی، البته اخذ مالیات از سازندگان مسکن سه‌حالت دارد، اول اینکه سازنده بر اساس اسناد مدارک، سودی نکرده باشد که در این صورت، مشمول پرداخت مالیات نمی‌شود، دوم اینکه سود مثبت داشته باشد که مشمول پرداخت مالیات حقیقی و حقوقی می‌شود و در نهایت، سود منفی داشته و زیان ببیند که برای سالهای بعدی نیز، به اندازه زیان باید از او مالیات گرفته نشود. بنابراین از نظر منطقی، این شیوه کاملاً کار در دست و کارشناسی و به جا

است؛ اما چرا اجرای آن، تا این حد، محل سوال شده، به دلیل آن است که این موضوع، یک پایه مالیاتی جدید است که ممکن است در اجرا با چالش و مشکلاتی مواجه شود؛ چرا که پیش از آن، تجربه‌ای در این خصوص وجود نداشته است. وی اظهار داشت: در این مسیر با مشکلاتی همچون نقل و انتقال و کالتهی و همچنین نقل و انتقال زمین مواجه می‌شویم که در ایران، زمین بخش اعظمی از قیمت ساختمان را تشکیل داده و نوسانات شدیدی دارد؛ در حالیکه ممکن است سازنده، سال اول زمین را خریداری کرده باشد و در طول دو تا سه سال که ملک را می‌سازد، قیمت تغییر کرده باشد؛ ضمن اینکه فرد قیمت روز خرید را نوشته است؛ پس برای همه اینها به نفع سازندگان، در ماده ۷۷ قانون مالیات‌های مستقیم، هیات دولت مصوبه دارد. ضمن اینکه این مصوبه در فرآیند رسیدگی هیات تطبیق مجلس نیز قرار دارد که جلوی این اتفاقات را تا جایی که جا دارد، بگیرد.

این مقام مسئول در سازمان امور مالیاتی ادامه داد: ولی همه این مسائل به این معنا نیست که از پایه مالیات بر بساز و بفروشی به خاطر مسائل کلان بگذریم؛ چرا که آن هم، یک بخش مولد و همچنین تولیدکننده دارد و باید سر سال، مالیات خود را بپردازد؛ کما اینکه مسکن ممکن است حاشیه سود بالاتری نسبت به سایر رشته‌های تولیدی داشته باشد؛ بنابراین نباید از آن بگذریم؛ چرا که می‌تواند، توازن جابجایی و سیالیت نقدینگی در بخش‌های اقتصادی کشور را به هم بزند و منجر به این شود که تولیدکنندگان کالاهای، وقتی حاشیه سود پایین‌تری را تجربه می‌کنند، در بخش بساز و بفروشی وارد شوند و غیر حرفه‌ای گری در این بخش را گسترش دهند.

وی در پاسخ به این سوال که چه تضمینی وجود دارد که این مالیات به مصرف کننده منتقل نشود، گفت: همه مالیات‌ها بین دوطرف مقابل قابل نقل و انتقال است و هیچ تضمینی

عدم اخذ مالیات از سازندگان مسکن، منجر به عدم توازن در کلان اقتصاد ایران شده و نقدینگی از تمام بخش‌ها را به مسکن و ساخت و ساز گسیل کرده است، بر این اساس یکسری پارامترهای کلان اقتصادی از جمله شفافیت مالی، اعلام این بخش به عنوان مودی مالیاتی را ضروری کرد، ضمن اینکه عدم اخذ مالیات از ساخت مسکن، منجر به فرجه شدن بخش اقتصاد مسکن و بی‌ضابطه شدن آن گردیده است؛ به همین دلیل در نهایت، جمع‌بندی سیاستگذار این بود که بساز و بفروشی هم شغل محسوب شود و باید مالیات بپردازد

وجود ندارد که مالیات بر کارخانه بیسکوئیت، به مصرف کننده منتقل بشود یا نشود؛ بلکه کشش عرضه و تقاضا و شرایط بازار کالایی و نحوه مبادله دوطرف، تعیین می‌کند که چه سهمی از این مالیات را سازنده و چه سهمی را مصرف کننده بپردازد، پس همه مالیات‌ها نه از نظر منطق حسابداری، بلکه از نظر مالیات اقتصادی قابلیت نقل و انتقال میان دو طرف را دارند؛ اما کشش عرضه و تقاضا تعیین می‌کند که چه سهمی را عرضه کننده و چه سهمی را مصرف کننده بدهد؛ پس این موضوع که مالیات بر ساخت مسکن، قابل نقل و انتقال به مصرف کننده است، محل اشکال است و نباید به بهانه اینکه تولیدکنندگان در هر صنفی، ممکن است خود را گران کنند، از او مالیات گرفته نشود.

توتونچی ادامه داد: همه مالیات‌ها، مالیات بر سود است و در ادبیات اقتصادی می‌گویند که مالیات‌های مستقیم، کم قابل انتقال‌ترین مالیات‌ها هستند، حوزه مسکن نیز مثل همه حوزه‌ها بوده که کشش عرضه و تقاضا در آن مهم است. اکنون نیز که فضای رکودی بر حوزه مسکن حاکم است، بحث نقل و انتقال این مالیات به مصرف کننده تقریباً سخت است ولی این موضوع نه برای مسکن، بلکه برای همه کالاهای دایر بوده و شرایط بازار تعیین کننده است؛ ضمن اینکه هدف از مالیات، تنها در آمد مالیاتی نیست بلکه سیاستگذاری کلان نیز هست،

مدیرکل دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان امور مالیاتی تاکید کرد: یکی از نکاتی که در بررسی موضوع دریافت مالیات از سازندگان مسکن، به آنها پرداخته نمی‌شود، آن است که برخی می‌گویند در شرایطی که یک میلیون و ۴۰۰ هزار خانه خالی داریم و چون شرایط رکودی بر بازار حاکم بوده است، آنها اکنون ساخته شده و روی دست مردم مانده است، دولت می‌خواهد مالیات بگیرد، در حالیکه باید توجه داشت که پرداخت این مالیات برای کسانی است که از یک فروردین سال ۹۵ به بعد، پروانه ساخت گرفته‌اند و قرار است که در آینده یعنی ظرف یکی دو سال آینده خانه را بسازند؛ هنوز خانه‌هایی که قرار است ما از آنها مالیات بگیریم، ساخته نشده‌اند.

وی افزود: یک میلیون و ۴۰۰ هزار واحد مسکونی خالی، مشمول مالیات نمی‌شوند؛ پس نباید مردم را نگران کرد؛ بلکه مالیات بر عملکرد آن بخش، در مورد این واحدها دریافت نمی‌شود، بلکه اگر فردی از ابتدای سال گذشته از این به بعد، پروانه ساخت بگیرد، موقع فروش باید مالیات بدهد، البته باید اسناد را بدهد، چرا که ممکن است از مالیات معاف شود، به این معنا که این مالیات بر سود دریافت می‌شود و اگر فردی سودی نکرده باشد، نباید مالیات هم بدهد. پس مردم نگران نباشند.

شهرک برندها در جنوب تهران احداث می شود

اعلان جنگ ایران به پوشاک ترکیه

راه اندازی شهرک تخصصی پوشاک در جنوب پایتخت کلید خورد. مطابق این پروژه، ۳۰۰ بنگاه تولیدی اعم از کارخانه های بزرگ، متوسط و کارگاه های کوچک خدماتی در زنجیره ارزش پوشاک در فضایی به وسعت ۱۹۳ هکتار مستقر می شوند. این شهرک قرار است در چهار بخش «مواد اولیه»، «طراحی و مد»، «تولید» و «بازاریابی، توزیع و فروش» به بهره برداری برسد.

متولیان صنعتی معتقدند تمرکز زنجیره ارزش پوشاک در یک محل، ضمن توسعه بازار برندها، کاهش هزینه ها در این صنعت را به دنبال دارد. کشورهای ایتالیا، چین، کره جنوبی و ترکیه نیز تاکنون برای سرمایه گذاری در این شهرک اعلام آمادگی کرده اند.

استارت راه اندازی شهرک تخصصی پوشاک زده شد و به این طریق مجموع شهرک های تخصصی موجود در کشور به عدد ۴۶ رسید. راه اندازی شهرک تخصصی پوشاک در تهران اردیبهشت سال گذشته در دستور کار قرار گرفت و بر اساس آن مقرر شد تا ۱۹۳ هکتار زمین (قابل توسعه تا ۳۰۰ هکتار) در اختیار واحدهای تولیدی پوشاک قرار گیرد، طرحی که حالا به مرحله نهایی شدن نزدیک شده است.

به گفته برخی از مسوولان صنعت پوشاک به دلیل اینکه توسعه بنگاه های فعال در صنعت پوشاک در کوتاه مدت مقدور نیست، ایجاد شهرک تولید پوشاک در نزدیکی فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) این امکان را برای بنگاه های این صنعت به وجود می آورد تا با اتصال به زنجیره صنعت پوشاک سریع تر طعم توسعه را بچشند؛ چرا که گردهم آمدن واحدهای تولیدی امکان دسترسی آنها به مواد اولیه را تسریع و از سوی دیگر شرایط را برای رشد این صنعت فراهم می کند.

در این پروژه طراحی، احداث و بهره برداری از شهرک با در نظر گرفتن تمامی حلقه های زنجیره ارزش پوشاک در یک محل برای اولین بار پیش بینی شده است. از بخش مواد اولیه ساخت انبارها، فروشگاه های صنعتی و تامین مواد اولیه به صورت گروهی و خرید مشترک پیش بینی شده است. در بخش طراحی و مد ساخت مدرسه مد و مرکز آموزش و هنرستان در نظر گرفته شده و در بخش تولید نیز ساخت کارخانه های بزرگ تولید پوشاک و کارگاه های تولیدی با تخصص های خاص مدنظر است. همچنین در حوزه بازاریابی، توزیع و فروش راه اندازی گمرک، نمایشگاه دائمی و سالن های همایش در دستور کار قرار گرفته است.

رئیس انجمن صنایع پوشاک ایران معتقد است با راه اندازی شهرک صنعتی پوشاک شرایط برای تحقق ایجاد

اشتغال برای ۵۰ هزار نفر فراهم خواهد شد. هم افزایی بخش دولتی، خصوصی و تشکل ها؛ قرار گرفتن تمامی حلقه های زنجیره ارزش پوشاک در یک محل؛ تشکیل تعاونی برای تامین نیاز احداث شهرک صنعتی پوشاک کشور؛ توسعه دانش فنی تولید پوشاک در کشور؛ تولید و ایجاد اشتغال، کمک به توسعه صادرات غیر نفتی؛ گسترش و ترویج فرهنگ استفاده از پوشاک اسلامی ایرانی؛ توسعه مدیریت دانش بر پایه تحقیق و توسعه (شامل طراحی و مد) از جمله مزایای شهرک تخصصی پوشاک است. ایجاد مدارس طراحی مد یکی دیگر از موارد پیش بینی شده برای این شهرک است که به گفته غلامرضا سلیمانی معاون صنایع کوچک سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران این بخش از سوی مدرسان داخلی و خارجی تدریس خواهد شد.

مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران نیز در مراسم امضای تفاهم نامه پنج جانبه همکاری های مشترک برای تشکیل تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان و احداث شهرک صنعتی پوشاک کشور در خصوص اینکه طرح راه اندازی این شهرک در چه مرحله ای قرار دارد، گفت: طراحی فاز نخست این شهرک به اتمام رسیده و طراحی فاز دوم نیز در مراحل نهایی قرار دارد و بیش از ۳۰۰ بنگاه تولیدی پوشاک (شامل ۳۵ کارخانه بزرگ، ۱۲۸ کارگاه کوچک خدماتی، تولیدی و صنعتی، ۱۳۷ کارخانه متوسط) به همراه خدمات جنبی شامل هتل، آموزشگاه ها و آموزش شکاردهای مهارتی و طراحی با همراهی برندهای معتبر طراح از ایتالیا و سایر کشورهای صاحب نام در آن مستقر می شوند.

متولیان صنعتی معتقدند تمرکز زنجیره ارزش پوشاک در یک محل، ضمن توسعه بازار برندها، کاهش هزینه ها در این صنعت را به دنبال دارد.
کشورهای ایتالیا، چین، کره جنوبی و ترکیه نیز تاکنون برای سرمایه گذاری در این شهرک اعلام آمادگی کرده اند. استارت راه اندازی شهرک تخصصی پوشاک زده شد و به این طریق مجموع شهرک های تخصصی موجود در کشور به عدد ۴۶ رسید. راه اندازی شهرک تخصصی پوشاک در تهران اردیبهشت سال گذشته در دستور کار قرار گرفت و بر اساس آن مقرر شد تا ۱۹۳ هکتار زمین (قابل توسعه تا ۳۰۰ هکتار) در اختیار واحدهای تولیدی پوشاک قرار گیرد، طرحی که حالا به مرحله نهایی شدن نزدیک شده است

علی یزدانی تصریح کرد: زیرساخت های این شهرک از سوی دولت تامین و ساخت فضاهای تجاری و تولیدی از سوی بخش خصوصی انجام خواهد شد و وسعت هر واحد تولیدی و خدماتی در این شهرک سه تا پنج هزار متر مربع پیش بینی شده که در مجموع فضایی با زیربنای یک میلیون متر مربع با اعتبار ۳۰ هزار میلیارد ریالی تا زمان بهره برداری ساخته خواهد شد. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت اظهار کرد: سرمایه گذاری ساخت واحدها پنج ساله خواهد بود و سرمایه ثابت خرید تجهیزات و ساخت مستحقات طی پنج سال تسویه خواهد شد. وی درباره زمان آغاز و اجرای طرح گفت: طی روزهای آینده عملیات اجرایی آغاز و همزمان واگذاری قطعات به اشخاص و توسط انجمن پوشاک کشور انجام می شود.

به گفته مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران، تاکنون سرمایه گذاران خارجی از کشورهای ایتالیا، چین، کره جنوبی و ترکیه برای حضور و مشارکت در این شهرک اعلام آمادگی کرده اند. این مقام مسوول اظهار کرد: مطابق سیاست هایی که امسال در مصوبه های ستاد اقتصاد مقاومتی به آن توجه شده، پنج هزار بنگاه تولیدی در طرح نوسازی قرار گرفته اند که با استفاده از حداکثر توان ساخت داخل نوسازی می شوند و رفع فرسودگی ماشین آلات و تجهیزات صنعت پوشاک کشور از همین محل قابل انجام است.

پوشاک اشتغالزاترین صنعت

معاون امور تعاون و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در این نشست پوشاک را اشتغالزاترین صنعت در کشور دانست و گفت: هزینه سرانه ایجاد اشتغال در پوشاک مدرن ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان است، در حالی که این رقم در پوشاک سنتی کمتر است. سیدحمید کلانتری در این مراسم با بیان اینکه در اجرای این طرح بخش های دولتی، خصوصی و تعاونی با یکدیگر همکاری می کنند، به کارکردهای متفاوت شهرک پوشاک اشاره کرد و گفت: برگزاری نمایشگاه ها، آموزش های مهارت صادرات، همه در خدمت تعاونی ها و تعاونی ها در خدمت شرکای این طرح خواهند بود. کلانتری، تعاونی تامین نیاز پوشاک در قالب شهرک صنعتی غیردولتی را اتفاق جدیدی عنوان کرد و افزود: تولیدی موفق است که در جهت منافع ملی، اشتغالزای و هماهنگ با بهره روری، رقابت پذیری و عدالت محور باشد. وی با اشاره به اینکه صنعت پوشاک با شکل گیری تعاونی ها توسعه بازار و کاهش هزینه ها را به دنبال دارد، تاکید کرد: کار جمعی به نفع تولید ملی و تحقق



اقتصاد مقاومتی است.

صدور ضمانت صادرات برای تامین مواد اولیه

مهدی حسین نژاد، مدیر عامل صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری بخش تعاون در این مراسم گفت: کارهای اصلی که می‌توانیم در این پروژه انجام دهیم، صدور ضمانت صادرات برای تامین مواد اولیه است. وی افزود: همچنین صندوق می‌تواند وثیقه مورد نیاز برای شرکت‌های یاد شده را تامین کند. صندوق ارتباط تنگاتنگی با بانک‌های کشور دارد و در این زمینه کمک بزرگی به اجرای پروژه است. در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تحقق شعار امسال «اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال» تفاهم‌نامه پنج‌جانبه همکاری‌های مشترک برای تشکیل تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان و ساخت شهرک صنعتی پوشاک کشور امضا شد.

تفاهم‌نامه‌های همکاری

حال در راستای پیشبرد هر چه سریع‌تر طرح، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران اقدام به عقد توافق‌نامه‌های پنج‌جانبه در راستای همکاری و هم‌افزایی در تشکیل تعاونی تامین نیاز تولیدکنندگان صنعت پوشاک

کشور و احداث و راه‌اندازی شهرک صنعتی تخصصی پوشاک کشور با «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک توسعه تعاون، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری بخش تعاون و انجمن صنایع پوشاک ایران» کرد. از سوی دیگر، این سازمان تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه با هدف حمایت از فعالان شهرک‌ها و نواحی صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی در راستای حمایت از تولید ملی و تقویت زنجیره‌های تولیدی داخل کشور با محوریت تولیدات صادراتی، کمک به توسعه بخش تعاون و تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال در شهرک‌ها و نواحی صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی به‌ویژه بخش‌های صادراتی، توانمندسازی فعالان و شرکت‌های تعاونی و کوچک و متوسط فعال در شهرک‌ها و نواحی صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی از طریق خدمات صندوق‌ها از جمله صدور انواع ضمانت‌نامه و استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌های موجود با «صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری بخش تعاون و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک» امضا کرد.

همراهی دولت در احیای صنعت پوشاک

همچنین در این مراسم سوبمبات‌هاکوپیان، رئیس انجمن صنعت پوشاک کشور افزود: برای نخستین بار در تاریخ

پس از انقلاب اسلامی و با انجام این توافق‌نامه پنج‌جانبه به صنعت پوشاک کشور توجه جدی شده است و شاهد همراهی بسیار خوب دولت در احیای این صنعت کهن هستیم. به گفته وی، گام بلندی که امروز برداشته شده است دو صنعت دیگر وابسته به پوشاک یعنی نساجی و صنعت مدرابه حرکت در خواهد آورد و در صورت محقق شدن این پروژه، با عنایت به حضور هنرمندان بسیار در این عرصه و برخورداری از تجارب فراوان که حتی در سخت‌ترین شرایط در سال‌های گذشته نیز صادرات داشته‌ایم، شاهد شکوفایی صنعت پوشاک خواهیم بود. در ادامه این نشست محمد حسین مقیسه، مدیر عامل صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک با اشاره به حمایت از واحدهای صنعتی که در بخش پوشاک فعالیت می‌کنند، اظهار کرد: یکی از مشکلات واحدهای تولیدی تامین منابع مالی و تهیه ضمانت‌نامه‌های مورد نیاز در این خصوص هست؛ بنابراین این صندوق با اتخاذ تدابیر مناسب سیاست‌های حمایتی در جهت صدور ضمانت‌نامه برای طرح‌های توسعه‌ای، ایجاد، سرمایه‌گردش، همچنین تامین مواد اولیه را در دستور کار قرار داده است. وی افزود: این صندوق با حمایت از واحدهای صنعتی که با مشکل وثیقه روبه‌رو هستند، سعی در ایجاد رونق در فضای کسب‌وکار و بهبود وضعیت تولید دارد.

بررسی پرونده ۴۰ شرکت برای عرضه اولیه در بورس

مدیر پذیرش شرکت بورس اوراق بهادار تهران می‌گوید یکی از دلایل تاخیر در عرضه‌های اولیه در بورس بحث قیمت‌گذاری است. اصلی‌ترین دلیل این تاخیرها را تصمیم‌سازمان بورس به علت شرایط رکودی در بازار می‌داند و معتقد است عرضه اولیه امروز قطعاً موفق خواهد بود.

اسماعیل درگاهی در مراسم معرفی اولین شرکتی که در سال جاری قرار است وارد بورس شود در جمع خبرنگاران درباره این که چرا عرضه‌های اولیه در بورس با مقداری تاخیر همراه بوده است، گفت: درست است که عرضه‌های اولیه بورس با یک توقف نسبتاً طولانی رو به رو شد ولی از این بابت بسیار خوشحالمیم که شروع اولین عرضه ما در سال ۱۳۹۶ با صنعت PSP و با یک شرکت فرصت‌محکم است.

وی ادامه داد: برای توقف طولانی عرضه‌های اولیه می‌توان دلایل متفاوتی را ذکر کرد که هر کدام وزن خاص خود را دارند، ولی اصلی‌ترین دلیل این می‌تواند به تصمیم‌سازمان بورس در سال گذشته برگردد که در آن ریاست سازمان اعلام کرد با توجه به شرایط خاص بازار عرضه‌های اولیه متوقف شود. بعد از آن هم شرایط بازار هم به نحوی نشد که بتوانیم عرضه اولیه داشته باشیم.

در تمام عرضه‌های اولیه نیم‌نگاهی به وضعیت بازار داریم

مدیر پذیرش شرکت بورس اوراق بهادار تهران افزود: واقعیت این است که ما در تمام عرضه‌های اولیه نیم‌نگاهی به شرایط بازار داریم اگر شرایط بازار خوب باشد می‌توان شرکت‌ها را وارد بورس کرد، ولی در شرایطی که رکود و شرایط خاصی در بازار حاکم است باید شرکت‌هایی در بازار عرضه شوند که شرایط مناسبی داشته باشند، حتی در آن صورت هم، آن شرکت‌ها را با مقداری محافظه کارانه در بورس عرضه می‌کنیم.

درگاهی توضیح داد: ما برای آماده‌سازی سهم "به پرداخت" برای ورود به بورس چالش‌های زیادی داشتیم و برای قیمت‌گذاری آن شرایط خاصی حاکم بود. مطمئناً اگر بازار رونق داشته باشد سهامداران عمده و شرکت‌ها با خیال راحت‌تری سهم خود را می‌فروشند.

با عرضه‌های اولیه به بازار تحرک بخشیم

وی در پاسخ به این که عده‌ای معتقدند عرضه‌های اولیه سببی می‌شود منابع بازار به سمت خاصی روانه و در آنجا بلوکه شود. از نگاه شما این موضوع درست است یا این که عرضه اولیه به طر اوات بازار کمک می‌کند، گفت: بدنه

هستیم، چقدر امیدوارید که کشف قیمتی درست برای این عرضه رخ دهد؟ اظهار کرد: وقتی نماد برکت در بورس عرضه شد برای بازار سرمایه یک حالت تست داشت ولی در حال حاضر ما کاستی‌های آن روش را شناسایی کردیم و فکر می‌کنیم آن موضوعات بر طرف شده است ولی در هر حال بحث قیمت‌گذاری در بورس مقداری بحث‌ساز است و یکی از دلایل توقف عرضه‌های اولیه این بود که ما در حال چانه زنی بر سر قیمت‌ها بودیم، ولی من مطمئن هستم با توجه به کارهایی که برای "به پرداخت" می‌شود عرضه بسیار موفق خواهیم داشت و مسیر را برای ادامه عرضه‌های اولیه برای ما باز می‌کند.

برنامه ریزی کردیم که ۱۵ شرکت در سال جاری وارد بورس شوند

مدیر پذیرش شرکت بورس اوراق بهادار تهران در پاسخ به این که چه شرکت‌هایی برای عرضه‌های اولیه در لیست شرکت بورس هستند، ادامه داد: بعد از "به پرداخت" اولویت ما فولاد کاوه جنوب کیش است. انشالله با آنها هم بر سر قیمت به نتیجه خواهیم رسید بعد از آن تامین سرمایه امید است که اولین شرکت صنعت تامین سرمایه می‌باشد که قرار است در بورس عرضه شود. نیروگاه مولد برق جهرم و شرکت تولیدی چند سازان نیز دیگر شرکتی است که در بورس عرضه خواهد شد. ما هدف گذاری کردیم که امسال ۱۵ شرکت وارد بورس شود. مادر حال حاضر نزدیک به ۴۰ پرونده را مدیریت می‌کنیم که وارد بورس شوند و بین آن شرکت‌ها بخش خصوصی پررنگ است.

از عرضه ایر انسل در بورس چه خبر؟

درگاهی درباره عرضه ایر انسل گفت: پرونده ایر انسل خیلی وقت است که آمده ولی این شرکتی خاص است. این شرکت از طرفی خیلی سود ساز است که ویژگی خوبی است ولی گیر کار اینجاست که سهامدار عمده برای آفریقای جنوبی است و او چندین دوست ندارد اموال اش را در ایران به فروش برساند. شاید نمی‌خواهد اموال اش را از آن بفروشد و یا شاید در بخش انتقال پول مشکل دارد. این کار بسیار بزرگی است و اگر بتوانیم آن را انجام دهیم بسیار خوب است. البته ما در حال حاضر پرونده‌های بزرگی نیز داریم که اگر بازار از آن استقبال کنند آن را انجام خواهیم داد مثلاً ما شرکت ملی نفت کیش را داریم که اشل آن بسیار بزرگ است. علاوه بر این یک شرکت ایرلاین را هم داریم و با یک شرکت صنعت سینمایی هم در حال مذاکره هستیم.

کارشناسی بورس معتقد است که عرضه‌های اولیه به بهبود بازار کمک می‌کند. از طرفی ما سعی می‌کنیم تا عرضه‌ها را حساب شده انجام دهیم و زمان بندی را در آن لحاظ کنیم. البته همان طور که گفتید اعتقاد دیگری هم وجود دارد که این عرضه‌ها بازار را تحت تاثیر قرار می‌دهد، ولی از دیدگاه من آن دیدگاه وزن بالاتری دارد چرا که اگر سهامدار به یک سهام خاصی اعتقاد دارد نباید با یک خبر عرضه اولیه سهم خود را بفروشد، چرا که او می‌تواند منابع جدیدی بیاورد یا سهم اش را در بازار حفظ کند.

مدیر پذیرش شرکت بورس اوراق بهادار تهران ادامه داد: این که بگوییم بازار با یک عرضه اولیه برهم می‌ریزد نظر غیر حرفه‌ای است. در برخی از بورس‌ها سالیانه ۲۰۰ یا ۳۰۰ عرضه اولیه انجام می‌شود. آنها هم عرضه و تقاضای خاص خودشان را دارند. ما باید بازار را به سمتی ببریم که با عرضه‌های اولیه به آن تحرک ببخشیم و بازار به عرضه‌های اولیه عادت کند. از طرفی برای این که بازار زیاد مشوش نشود فقط پنج درصد سهم "به پرداخت" را در عرضه اولیه وارد بازار کنیم.

درگاهی در پاسخ به این که سهم کاربران آنلاین در عرضه به پرداخت چقدر است، گفت: سهمی که برای هر کد آنلاین در نظر گرفته شده ۲۰۰۰ تا است و به روش ثبت سفارش این عرضه انجام خواهد شد.

مطمئنم عرضه بسیار موفق خواهد داشت

وی در پاسخ به این که اولین عرضه اولیه به روش ثبت سفارش ماه‌های گذشته در بورس انجام شد که از نظر برخی کشف قیمتی درست برای آن صورت نگرفت، در حال حاضر در آستانه دومین عرضه به روش ثبت سفارش

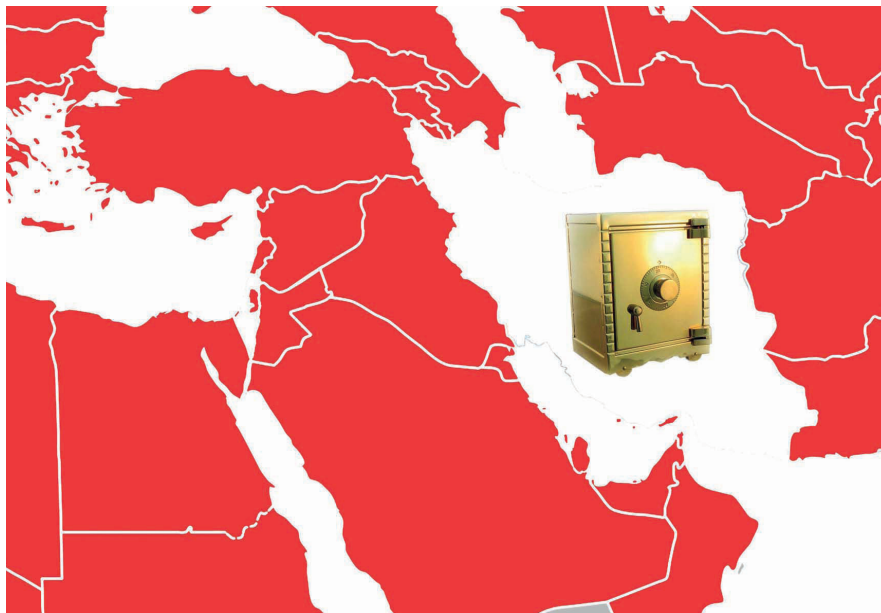
بدنه کارشناسی بورس معتقد است که

عرضه‌های اولیه به بهبود بازار کمک می‌کند. از طرفی ما سعی می‌کنیم تا عرضه‌ها را حساب شده انجام دهیم و زمان بندی را در آن لحاظ کنیم. البته همان طور که گفتید اعتقاد دیگری هم وجود دارد که این عرضه‌ها بازار را تحت تاثیر قرار می‌دهد، ولی از دیدگاه من آن دیدگاه وزن بالاتری دارد چرا که اگر سهامدار به یک سهام خاصی اعتقاد دارد نباید با یک خبر عرضه اولیه سهم خود را بفروشد، چرا که او می‌تواند منابع جدیدی بیاورد یا سهم اش را در بازار حفظ کند. مدیر پذیرش شرکت بورس اوراق بهادار تهران ادامه داد: این که بگوییم بازار با یک عرضه اولیه برهم می‌ریزد نظر غیر حرفه‌ای است

چرا «تصویر آرمانی» از توسعه در کشورمان شکل نمی‌گیرد؟

حسین حقگو

کارشناس



در همین روزها که بررسی وضعیت «صنعت» به واسطه برگزاری روز «صنعت و معدن» و نیز پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان گسترش (ایدرو) موضوع روز اقتصاد کشور است، رییس هیات مدیره انجمن صنایع نساجی نیز در مجمع عمومی این انجمن در سالن جلسات اتاق ایران با انتقاد از بی‌نامگی و بی‌ثباتی در سیاست‌های توسعه صنعتی کشور و به‌خصوص سیاست‌های مرتبط با صنعت نساجی به ذکر خاطره‌ی پر داخت، بسیار درس آموز.

وی گفت: در سال ۶۸ در ست در همین مکان و پشت همین تریبون، آقای تورگوت اوزال نخست‌وزیر وقت ترکیه سخنرانی مبسوطی راجع به وضعیت سیاسی و اقتصادی این کشور ایراد کرد. هنگام ترک جایگاه، مهندس محسن خلیلی از جای برخاست و از ایشان پرسید: جناب آقای نخست‌وزیر شما عمدتاً راجع به وضعیت سیاسی و اقتصادی امروز ترکیه سخن گفتید و راجع به آینده صنعت ترکیه چیزی نفرمودید، وضعیت صنعت ترکیه در آینده چگونه خواهد بود؟ آقای بصیری نقل کرد که نخست‌وزیر ترکیه با حضور ذهن بسیار و با قاطعیت گفت: «من از صنعت گردشگری حمایت خواهم کرد، من از صنعت خودروسازی حمایت خواهم کرد، من از صنعت نساجی حمایت خواهم کرد (با تأکید دو، سه باره)».

وعده‌هایی که پس از حدود سه دهه محقق شده و اگر تحولات ناخوشایند دو، سه سال اخیر این کشور واقع نمی‌شد، نتایج درخشان‌تری نیز برای این کشور به ارمغان می‌آورد. درآمد توریسیم ترکیه در سال ۲۰۱۵ حدود ۳۰ میلیارد دلار، صادرات محصولات خودروبی این کشور ۱۷ میلیارد دلار و صادرات نساجی و پوشاک ترکیه قریب به ۲۶ میلیارد دلار بوده است. اعداد وارقامی شگفت‌آور!

سخنان آن روز نخست‌وزیر ترکیه و عملکرد صنعت و اقتصاد این کشور طی سه دهه اخیر نشان داد، ترکیه با وجود تمام فراز و فرودهای این سالها «تصویر آرمانی» (vision) خود را از توسعه حفظ کرده و آن را اقطبنمای حرکت خود کرده است. امری که متأسفانه در کشورمان کمتر حاضر است. چنانکه اخیراً معاون اول رییس‌جمهور، دکتر جهانگیری در مراسم افتتاح موزه بانک ملی به این موضوع چنین اشاره کرد که «برخی کشورهای شرق آسیا و امریکای لاتین که همزمان با ایران مسیر توسعه را آغاز کرده‌اند، امروز از جایگاه بالاتری نسبت به ایران برخوردارند. یکی از مهم‌ترین دلایل پیشرفت آنها ثبات در

کشور، «تصویر آرمانی» بلندمدتی است که در ذهن مدیریت سیاسی آن جامعه نقش می‌بندد. این تصویر آرمانی متشکل است از اجزایی همچون سیاست خارجی، سیاست داخلی، جهت‌گیری اجتماعی، تعامل اقتصادی با جهان، سیاست‌های اقتصاد کلان، نقش دولت و بخش خصوصی در مدیریت و بهره‌برداری از منابع و... بر این اساس نقطه کلونی حرکت برای توسعه، حصول توافق در مورد این تصویر است.

اگرچه در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به نوعی این افق یا تصویر آرمانی مشخص شده است اما متأسفانه نتوانسته پشتوانه عملی لازم برای اجرا را بیابد. چنانکه در طول ۸ سال دولت‌های نهم و دهم نه تنها در جهت تحقق اهداف این سند حرکتی مثبت انجام نشد بلکه در جهت خلاف آن طی طریق شد و نظامات اقتصادی کشور به تمام دچار بحران شد و به قهقرا رفت (بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله باید رشد اقتصاد کشور به‌طور متوسط ۸ درصد باشد در حالی که متوسط رشد اقتصادی از ابتدای اجرا تاکنون ۲/۴ درصد بوده که باید در دهه دوم اجرای سند چشم‌انداز رشد اقتصادی ۱۲ درصد شود - جهانگیری ۹۳/۱۰/۱۶).

اینک پرسش اساسی آن است که چرا پس از چند دهه از حرکت کشورمان به سمت توسعه هنوز «تصویر آرمانی» و «اراده» لازم در فکر و عمل مدیریت سیاسی کشورمان مجموع نشده است؟

سیاست‌های توسعه‌ی است، به گونه‌ی که حتی پس از کودتا و تغییر حکومت در این کشورها نیز این سیاست‌ها تغییر نمی‌کنند، اما متأسفانه در ایران با اندکی اختلاف نظر تغییرات گسترده‌ی به وجود می‌آید که مشکلات ناشی از این مساله گریبانگیر مردم می‌شود. «ایشان در ادامه به صادرات ۱۵۰ میلیارد دلاری کشور و پیتنام اشاره می‌کند در حالی که این کشور در جریان جنگ‌های مختلف صدمات بسیار خورده بود.

به نظر می‌رسد، اصل اساسی و رکن رکین توسعه هر

اگر چه در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به نوعی این افق یا تصویر آرمانی مشخص شده است اما متأسفانه نتوانسته پشتوانه عملی لازم برای اجرا را بیابد. چنانکه در طول ۸ سال دولت‌های نهم و دهم نه تنها در جهت تحقق اهداف این سند حرکتی مثبت انجام نشد بلکه در جهت خلاف آن طی طریق شد و نظامات اقتصادی کشور به تمام دچار بحران شد و به قهقرا رفت (بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله باید رشد اقتصاد کشور به‌طور متوسط ۸ درصد باشد در حالی که متوسط رشد اقتصادی از ابتدای اجرا تاکنون ۲/۴ درصد بوده که باید در دهه دوم اجرای سند چشم‌انداز رشد اقتصادی ۱۲ درصد شود - جهانگیری ۹۳/۱۰/۱۶)

زنگنه: نگرانی‌ها در قرارداد توتال سیاسی است

برنامه ۵ ساله برای توسعه پارس جنوبی



وی با اشاره به این که به تازگی در شورای اقتصاد تصویب شد که سه درصد عواید طرح‌هایی که در این ۲ منطقه اجرا می‌شود صرف مسئولیت اجتماعی این منطقه شود، گفت: یعنی اگر ۲۰ میلیارد دلار طرح و پروژه اجرا شود، سه درصد آن معادل ۶۰۰ میلیون دلار می‌شود که برای این رقم بیش از ۲ هزار میلیارد تومان می‌تواند هزینه شود و این غیر از مبالغی است که در اجرای طرح هزینه می‌شود و توسعه و اشتغال ایجاد می‌کند؛ این مبلغ برای کاهش فاصله‌ها و برای توانمندسازی مردم است.

زنگنه با بیان این که وزارت نفت نمی‌تواند به‌طور مستقیم درگیر همه امور مربوط به مسئولیت اجتماعی مانند انتقال برق به مناطق، راهسازی، بهداشت و یا حتی امور مربوط به شهرداری را در مناطق عملیاتی انجام دهد، گفت: ما به آنها در انجام این امور کمک می‌کنیم و هر سازمانی وظیفه خود را انجام می‌دهد و قرار نیست وزارت نفت جای همه بنشیند اما نتیجه آن برای مردم است.

وزیر نفت تصریح کرد: ما باید تلاش کنیم که مردم به این روحیه برسند که هر چه طرح بیشتری در منطقه آنها اجرا شود، آثار مثبت بالاتری نیز برای زندگی خودشان و فرزندان‌شان خواهد داشت.

وی با اشاره به این که هزینه‌های مطالعاتی انجام مسئولیت اجتماعی را نباید دست کم گرفت، ادامه داد: برای انجام طرح‌ها باید به‌طور حتم از مشاور و ناظر استفاده کرد.

زنگنه با قدردانی از دست‌اندرکاران اجرای مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت گفت: ما باید به این مقوله توجه ویژه داشته باشیم و این امری واجب و لازم مدیریتی است.

وزیر نفت که عصر گذشته در سومین همایش مسئولیت اجتماعی صنعت نفت صحبت می‌کرد، با اشاره به این که در زمینه مسئولیت اجتماعی تجربه‌های بسیاری در دنیا وجود دارد، اظهار کرد: ما در کنار استفاده از تجربه‌های دیگران می‌توانیم بر این تجربیات و تفکرات نیز بیفزاییم و روابط خوب و عمیقی را با مردم مناطق عملیاتی برقرار کنیم.

زنگنه با اشاره به این که هر موضوع کیفی در انتخابات به کمیت تبدیل می‌شود، افزود: ۹۹ درصد کارکنان در سکوی نفتی، ۸۷ درصد مردم عسلویه و نخل تقی، ۸۵ درصد کارکنان مجتمع‌های پتروشیمی، ۸۷ درصد کارکنان پالایشگاه‌ها به دکتر روحانی رأی دادند.

وی با بیان این که میزان رأی دکتر روحانی در شهرهای خوزستان که نفتی بودند تماماً نسبت به شهرهای غیر نفتی بالاتر بود، اظهار کرد: این نشان می‌دهد که عملکرد نفت‌نه تنها باعث دلزدگی مردم نشده بلکه علاقه‌مندی بیشتری نیز ایجاد کرده است.

وزیر نفت در پایان یادآور شد: رفتار درست، علاقه‌مندی را به نظام، سیاست‌های نظام و عملکرد مدیران افزایش می‌دهد و هنگامی که این دل‌بستگی را داشته باشیم کارمان راحت‌تر پیش می‌رود و بهتر می‌توانیم در جهت مأموریت اصلی خود قدم برداریم.

وزیر نفت ادامه داد: این کارها، کارهایی علمی است و نتیجه بسیار خوبی نیز برای ما دارند.

زنگنه با اشاره به تأثیر بسیار بالای علوم اجتماعی در پیشبرد بهتر عملکرد صنعت نفت تصریح کرد: چهره‌های خشن فقر برای ما مسئولیت درست می‌کنند و ما نمی‌توانیم در یک محیطی که فاصله طبقاتی زیادی وجود دارد زندگی کنیم. گرفتاری‌ها، برای ما مشکلات ایجاد می‌کند؛ ما به دلیل مسائل انسانی و اداره طبیعی و معمول کم هزینه اقتصادی کارها به‌طور حتم باید به این مسائل بپردازیم.

وزیر نفت، بهادادن به مسائل اجتماعی را به همه مدیران توصیه کرد و گفت: ما باید با محیط اطرافمان همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشیم و اگر این همزیستی مسالمت‌آمیز را بپذیریم، این موارد خود سبب می‌شود که فکر کنیم و راه‌حل بیابیم.

وی با اشاره به این که مشغله کاری مدیران صنعت نفت در دوران بهره‌برداری پروژه‌ها بسیار زیاد است، اظهار کرد: از همان ابتدای طراحی یک پروژه باید مسائل اجتماعی نیز دیده و مطالعه شود.

زنگنه به تعامل بسیار خوب وزارت نفت با دانشگاه‌ها اشاره و تصریح کرد: این فرصت را باید مغتنم شمرد و با ارتباط با یکدیگر، امور را به درستی انجام داد.

وزیر نفت با اشاره به فعالیت جدید وزارت نفت در ۲ منطقه غرب کارون و منطقه عمومی پارس جنوبی ادامه داد: ما بر اساس این مطالعات، ۲ برنامه پنج‌ساله را طراحی کردیم که این برنامه‌ها به مرور اجرا می‌شوند البته اجرای همه آن با وزارت نفت نیست و بخشی را تنها تأمین منابع می‌کنیم.

وزیر نفت با اشاره به این که اکثریت کارکنان و مردم مناطق نفتی به دولت دکتر روحانی رأی دادند، گفت: این نشان می‌دهد که عملکرد نفت‌نه تنها باعث دلزدگی مردم نشده بلکه علاقه‌مندی بیشتری نیز ایجاد کرده است.

بیژن زنگنه، به موضوع اقتصاد سیاسی اشاره کرد و گفت: این چیزی است که ما امروز به‌خاطر آن کتک می‌خوریم، در قرارداد توتال کسی نگران رازداری و محرمانگی آن نیست، نگرانی این است که چه آثاری در اقتصاد سیاسی ایران و در ساختار اجتماعی و روابط بین‌الملل ما دارد و این موارد چگونه بر دیدگاه‌های سیاسی اثر می‌گذارد؛ در واقع نگران اثرگذاری بخش اقتصاد بر سیاست هستند، آنچه که علمای علم اقتصاد سیاسی می‌گویند همین تأثیر اقتصاد بر سیاست یا به بیان دیگر تأثیر بر قدرت است زیرا سیاست یعنی قدرت. وی ادامه داد: اگر ما امروز تحت فشار قرار می‌گیریم به‌خاطر این موضوع است که از اقدام‌های ما نگران هستند که در ساختار قدرت و اقتصاد سیاسی تأثیری از طریق اقتصاد دیده شود.

وزیر نفت با اشاره به این که مفهوم مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت در چهار سال گذشته بسیار رشد کرده است، گفت: من به همکارانم در صنعت نفت توصیه می‌کنم که با دانشگاه‌ها پیوند قوی برقرار کنند.

وی با تأکید بر این که مدیران صنعت نفت، مشاوران صاحب‌صلاحیت در بخش اجتماعی باشند، افزود: حوزه اجتماعی از نظر دانش بسیار عمیق است و در پیوند عمیقی با مشاورت اجتماعی وزارت نفت قرار گرفته‌اند و فعالیت‌های بسیاری خوبی را به ویژه در غرب کارون انجام داده‌اند.



